

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: قرابادین شفائی

مؤلف متن: شفائی حسینی، مظفر بن محمد — محشی:

شارح: — مترجم:

تاریخ تحریر: ۱۲۵۷ — نوع خط: نستعلیق — تعداد سطر: ۱۳

جزء کتب: پزشکی — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۲۲

طول: ۲۰/۵ — عرض: ۱۴ — شماره عمومی: ۲۶۳۵۰

وقفی / خریداری: اهدائی بنیاد شهید ایران — تاریخ وقف / خریداری: فروردین ۷۸

ملاحظات:

سه ورق در صدر نسخه ضمیمه است.

اندازهٔ نوشته ها: ۹×۱۵/۵

علم فراست علم شریعت و فضیلت بسیار دارد.

و چهار وجه است وجه اول انست که ادمی شهر نشین

است و مراد از شهر موضع ایست که انجا جمعیت

بوده یعنی ادمی تنها زندگانی نتوانی کردن و ازاله ...

و اختلاط با جنس خود گزیدن ارد چون شر و فتنه درمیان مردم

غالبست و دفع شر مطلوبست و هرچه که باین علم بشناسیم نیک مردم

از بد مردم و نیک و خیر از بد خوی من نعمت عظیم دارد و بسیار حاجت

در تی کرد و اختیار یاران و دوستان جماعتی که اسب و شتر و باز و چرخ

و شاهین را زیارت و تعلیم میکنند چون ازین حیوانات یکی را میبینند

از مشاهده صورت و خلقت او حکم میکنند که خوی نیکوی دارد یا بد

زود رام کردد یا دیو زیاضت او تا چند وبیم حد می باشد چون این سنی در بهایم
مفیدست بطریق اولی در حق ایشان مفید بود تجربه کرداند بمرور روزگار
خلق نیکو از شکل نیکو بحکم فراست جدا نیافته اند وخوی بد از شکل
بد که بحکم فراست بد است جدا ندیده الله روایت کرده اند بنقل درست
که امام در علم فراست یگانه بوده ودر تحصیل این علم وجمع کتب که درین
علم تصنیف کرده اند سعی تمام کرده بودند در این علم معتقد بود.
وقتی امام محمد تقی را سفری اتفاق افتاده از مدینه به مصر
وچون به مدینه باز میگشت در بعضی منازل شخصی او را پیش
آمده اشقر ازرق چشم پیشانی بیرون جسته واین علامات
در علم فراست بغایت نامحمودست وبدترین علامتهاست این شخص
چون امام را دیده سلام کرده بود روی کشاده وبه زبان خوش وی را
برده بخانه خود فرود آورد وطست وافتابه بیاورده ودست
وپای امام را شست وبساط نو بکسترد وطعام های نیکو ترتیب داده
وعلف ستوران مهیا کردانید وبحکایت خوش تا هنگام خواب
آن وقت امام را خوش میداشت چون هنگام خواب رسیده فرشهای
پاک بکسترد وهر کسی که در خدمت امام بوده لایق وی موضع
مهیا کرد چون امام از آن شخص این مشاهده احوال کرده بر قانون

۲ علم فراست نیافت زیرا که شکل وی اقتضای آن میکرد که اخلاق او
بر خلاف او بودی که از آن ظاهر میشود امام محمد تقی از حال آن شخص در علم
فراست نا معتقد شده که کتابها درین علم تصنیف کرده بشوید وهمه شب در
این فکر بود بامداد که فریضه صبح بپرداخته وستوران را زین بر نها
دند امام آن شخص را فرمودند که من بمدینه متوطنم اگر وقتی ترا حا
جتی افتد قصد مدینه کنی ومحله که آن را محله طوسی گویند خانه محمد
بن ادریس بپرسی در جواب فرمود که بنده پیر تو ام گفت نه گفته
ترا با پیره را ببینم مرا مالی یا اجناسی بوده امام فرمود نگفته پس این
همه خدمت از بهر تو کردم وچندین درم که نفقه شما کردم بی عوض
گذاشتی ودست از آن بر داشتن نا برومی ممکن نیست حق مرا بگزار آن
امام فرمود حق تو در این جا گزارده نیست هر نفقه که کردی معین کن
تا بگزاریم آن شخص گفت عوض سلام وپرسش که بدان روزها بجای آوردم
توانده ونشناخته وعوض طشت وافتابه نو که وضو ساخته وکرانه خانه
واجره فرش وبساط نو که جز برای تو نگسترده ام واجره اصطبل وبهای
طعام وبهای علف ستوران بده امام غلام را فرمود تا چندی رضای
او بوده بوی دادند چون رضای آن شخص تمام حاصل شده پس امام را
گفت اگر به سماجت وسخاوت بودی که از تو سر ببینم عوض آن حکایتها که
دیشب با تو گفتم بستد امام محمد تقی چون از آن شخص این احوال مشا

همه کرد اعتقاد قدیش در علم فراست قوی‌تر گشت پس بدین دلیلها محقق
و مقرر گشت که علم فراست علمی شریفست و فایده دارد که در دیگر علوم نیست
در چگونگی صورت و رنگ و شکل و عضوهای ظاهر بهترین رنگ و روی
آدمی است و اعضای روی چون چشم و گوش و بینی و دهان و زنخ
حدان نیست از برای آنکه دلالت قوی دارد زیرا که روی شریف‌تر است
از عضوهای دیگر و بیان این شرف به سه وجه است اول آنکه آدمی را
از بهر آن آدم میگویند که از دیگر حیوانات متمیز است بعقل و
فهم و ذکر و حفظ و جای این قوتهای شریف دماغست
و محل معدن سر دماغ است و سر و روی بمثابت یکعضو است
دوم آنست که کمال تن آدمی شرف تن خوبی جمال است و نقصان تن
بسبب قبح و زشتی است و محل حسن و قبح روست و حسن و قبح عضو
های دیگر پیش عاقلان اعتباری ندارد سوم علاماتی که بر روی ظاهر
می‌شود دلالتش در روی بغایت قویست بخلاف عضوهای
دیگر و دلیل بر این سخن آنست که حالت خشم و ترس و فرح و اندوه رنگهای
در روی پیدا می‌شود و چنانکه در هر دیگر میتوان دانست که در باطن
کدام حالت حادث شده است تا بسبب آن حالت این رنگ بر روی آن
پیدا شده است چنانکه در حالت غضب رنگیست که در حالت خوف
نیست و در حالت خوف رنگیست که در حالت خجالت نیست و این اختلا
ف عوارض ظاهر بسبب تغیر احوال باطن در عضوهای دیگر

نیست و چون بر هیئت شد که دلالت نشانهای روی در معرفت تفصیل
هر عضوی در عضوی فصل مفرد شرح دهیم پیشانی اگر پیشانی
نه کوچک باشد و نه بزرگ و در هم کشیده باشد دلالت کند بر
قوت غضب زیرا که پیشانی مردم چون خشم گیرند بدین صفت شود
و اگر پیشانی کوچک باشد دلیل کند بر جهل زیرا که پیشانی را معلوم میشود
موضع ابطن اول از سر کوچک بود بدین سبب که خط و خلقه
بر وفق اعتدال نبوده از آفت خالی نباشد و اگر پیشانی بزرگ باشد
دلیل بود بر کاهلی یا قوت قصد زیرا که بزرگی اگر از بسیاری ماده بود
آنجا بگاه کاهلی لازم آید و اگر در پیشانی خطها و انجوغها بود دلیل
لاف زدن بود و اگر پیشانی فراخ باشد و انجوغ ندارد دلیل بود
بر شغب و خصومت کند در دلایل ابرو اگر موی ابرو بسیار بود د
لیل بود بر استیلای غم و اندوه و سخن گفتن یعنی از برای آنکه
بسیاری موی از بسیاری ماده بوده و در دماغ این معنی دلیل
آنست که سودا بر مزاج غالب بود و سودا سبب غم و اندوه باشد
و اگر ابرو دراز بود و کشیده تا صدغ و صدغ موضعیست میان چشم و گوش
که میجهد دلیل بلاف زدن و خود بینی و الرابی و از جانب بینی بود و از
جانب صدغ بالا بود دلیل بود بر لاف زدن و بی‌خردی و ابلهی و در دلالت بر ابرو
بر آنکه از چندگونه اعتبار بمقدار دارد اما بر خشمگین چشم یا ابرو افتادن
جای

چشم یا ستبری چشم یا بادی که عارض شود یا لکی یا بسیاری
چرکش یا مشابه هستی بچیزهای دیگر عام کند

هذا کتاب قرابادین شفائی من تالیفات محمد حسینی شفائی رحمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوة والسلام علی من اوتی الحکمة والکتاب الکریم و بنو شفی
بلطفه السقیم واله الکاشفین عظیم واله الهادین الی الصراط المستقیم پوشیده
نماناد که مظفر بن محمد الحسینی الشفائی در مدتها مدید در کل چند در معالجات
امراض از آن گریزی نبود جمیع کتب طب خوانده در سلک ... در آنکه
بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب از کتب موثوقه معمول علیها اطبا متقدمین
و متاخرین منتخب و مشروح ... کتابی جامع و مشتمل از ...
از الانبات و ترتیب حروف تهجی ... مأمول از کرم
کرام آنکه ... سهوی ... بیابند ... اصلاح فرمایند و ان ...
مع قلة البضاعة والاعتراف بالقصور ... اولی الهدایة
والتوفیق من عنده ... باب الالف انوشدارو اعضای رئیسه
... و جمیع ... و ...
... خوش کند ... طعام ... از طعام ...
... صفت آن ... درم ... مصطکی ...
سنبل الطیب از هر یک سه درم ... زرنب ...
... از هر یک دو درم ... المناصفه ...

نامهرا شود و از غربال حریر گذرانند و با قند و عسل بقوام آورند و ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته
مروارید نافعست بدل ... سعد کوفی ... صفت آن ... یاقوت ... دو دانگ ... تقویت قلب کند ... انوشدارو لؤلؤی
از هر یک دو مثقال عود خام سه مثقال و نیم طباشیر سادج هندی سنبل الطیب گل ابریشم مقرض از
هر یک ... مثقال زعفران ... مثقال عنبر اشهب نیم مثقال ... مثقال عسل و قند ... وزن ادویه
را ترکیب کنند اسطوخودوس صغیر نافعست از جهت ... و ... در ... حمیات مختلفه و ربع و قولنج و ... رحم
و برودت بدن صفت آن افیون مصری چهار درم افاقیا و فلفل از هر یک ... درم عاقرقرحا سه
درم حماما ... درم سلیخه چهار درم زعفران شش درم کوکرد زرد ده درم فرفیون سه درم سنبل الطیب
ده درم عسل صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته چنانکه رسم است بعسل معجون سازند
و شربتی یک مثقال انقردیا که نافعست از جهت فالج و استرخا و لقوه و دماغ را از فضلا رد پاک
کند و ذهن را تیز کند و عقل را زیاده کند سنبل سلیخه سادج هندی مورد و زعفران و دارچینی
افیون قاقله از هر یک ... جوز بوا ... حب بلسان قرنفل از هر یک ده درم حب البان ... و ... از هر یک
یک درم مصطکی و عسل بلادر ... را ... در سرکه ...
و بعد از ... از آتش فرو گیرند و آن سرکه را صاف کرده و در دیگ ... بریزند و با ... رطل

دنیم عسل مصفی و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید داروها را کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و

بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب نیم گرم **انقرودیای کبیر** فالج و لقوه و رعشه و وجع و

نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع است و هاضمه را قوت دهد و باه را زیاده کند **صفت آن**

عاقرقرحا شونیز خطا فلفل دارفلفل وج از هر یک ده درم سداب جنطیانا با حبث زراوند مد

حرج حب الغار جند بیدستر شیطرج هندی خردل از هر یک پنجدرم عسل بلادر چهار درم و نیم

داروها را کوفته و بیخته بروغن گردکان چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه عسل صاف

سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال **انقرودیای صغیر** منافع آن قریب بمنافع

کبیر است **صفت آن** هلیله سیاه پوست بلیله آمله بیخ از هر یک ده درم سعد کوفی سنبل

الطیب کندر وج فلفل زنجبیل عسل بلادر از هر یک پنجدرم داروها را کوفته و بیخته بروغن گردکان

چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه بعسل مصفا سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

انقرودیای دیگر پیران را نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند **صفت آن** هلیله سیاه پوست بلیله

آمله بیخ از هر یک سی درم شونیز چهار درم طباشیر و سعد و عسل بلادر از هر یک شش درم

دال سعد درم فلفل دارفلفل زنجبیل قلقطار انیسون از هر یک دوازده درم فانید شش درم فانید را

5

در آب گرم بگدازند داروها مذکوره را کوفته و بیخته و عسل بلادر بدان مخلوط کنند و بعد از

شش ماه استعمال نمایند **انقرودیای دیگر** سعد و وج را بسیار نافع باشد **صفت آن** پوست هلیله کابلی

پوست بلیله آمله پنج ... کشنیز خشک ... اسطوخودوس از هر یک پنجدرم جند بیدستر

یکدرم عود خام زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن ادویه بطریق

معهود معجون سازند **امروسیا** جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید و بول براند

و سنگ را خرد کند و مثانه پاک کند و در ابتداء استسقا نافع باشد **صفت آن** ابرهٔ کرمانی

دو فوه ... بیخ سنجه فرد ما ناقفاح اذخر تخم کرفس از هر یک یکدرم فقط فلفل دارفلفل از هر

یک نیم درم مرکی صاف سه درم حب الغار ده عدد وج زعفران از هر یک ... درم کوفته و بیخته

بعسل سرشند شربتی مثقال بندق در آب گرم نافع بود **اثاناسیا کبیر** اوجاع کبد و طحال و معده

و استسقا و بلغمی و سعال زحیر و قی الدم و نفث الدم و جرب بدن نافع باشد و بادها را بشکند و درد را

تسکین کند **صفت آن** مرد افیون زعفران جند بیدستر بزرالبنج فقط فرد ما ناخشخاش ...

شاخ رانت برمجرفا جگر گرگ خشک کرده مجموع ساوی را کوفته و بیخته ... داروها که کذا ...

است در شراب بگدازند و با عسل مصفا معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی ازو یک مثقال تا یکدرم باب سیب **اماسیا صغیری** که منافع التجرب بمنافع کبیر است
میوه زعفران قسط سنبل الطیب افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث هشت درم
اصل السوس هر از ده درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقدار یک فندق دو در نسخه دیگر عود
بلسان و مر از هر یک چهار درم اضافه نموده اند **اطریفل کبیر** بواسیر را نافع باشد و لون را نیکو
کند و باه را زیاده کند و معده و امعاء و مثانه را قوت دهد و طعام را هضم کند **صفت ان.**
هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل از هر یک سی درم
زنجبیل بسباسه تودری بزر بندان شیطرج هندی شقاقل تودری سرخ تودری سپید لسان العصافیر
حب القلقل کنجد مقشر خشخاش بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک ده درم کوفته و بیخته بروغن
بادام یا روغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی
دو درم **اطریفل صغیر** استرخاء معده و بواسیر را نافع بود و ذهن را نیکو کند و لون را صافی
گرداند **صفت ان** پوست هلیله کابلی پوست بلیله و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه آمله مقشر
مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و باسه مقدار عسل بسرشند شربتی دو درم
اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد و درد سر و درد چشم و درد گوش را که سبب آن بخار

6

باشد نافع بود **صفت ان** پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آمله منقی کشنیز خشک
مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کرده با سه مقدار عسل بسرشند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند **اطریفل مقل** از جهت بواسیر عظیم نافع باشد **صفت ان** پوست بلیله زرد
آمله منقی پوست بلیله از هر یک ده درم مقل سی درم مقل را در آب کندنا بگدازند و شصت
مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید دارو ها کوفته و بیخته با آن بسرشند **اطریفل مقل**
طبع را نرم کند و بواسیر را نافع باشد **صفت ان** پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آمله منقی
افتیمون شامی اسطوخودوس از هر یک ده درم مقل و فلوس خیارشنبر از
هر یک سی درم مقل و فلوس را در آب حل کنند و با عسل بقوام آورند و دارو ها را کوفته
و بیخته بروغن بادام چرب کرده معجون سازند شربتی یک مثقال تا چهار درم **اطریفل دندان** کرمهای بزرگ
و خورد و حب القرع را بکشد **صفت ان** تربد یک کابلی دو درم تربد حب النیل قنطوریون از هر یک پنجدرم
قنبیل ترمس افسنتین درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل اسفند حنظل سعد کوفی راسن از هر یک
سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار آن عسل بسرشند شربتی از نیم مثقال تا چهار مثقال بحسب مزاج نافع
باشد **اطریفل معدل نوع دیگر** پوست بلیله زرد هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی از هر یک پنجدرم بریده نقیه

دارو چشم



هفت درم مصطکی سه درم مقل ازرق روغن بادام از هر یک بیست درم عسل نیمن آب کنند تا ملک
حاجت مقل را در آب کنند تا حل شود سازند و دارو ها کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند
و با عسل بقوام آورده معجون سازند شربتی هر شب دو مثقال اطریفل کبیر بسیار بهای بود دی را
منفعتی عظیم نافع بود و سیاهی موی نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت آن پوست هلیله کابلی
پوست هلیله زرد آمله ده درم شاهترج تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم شیطرج هندی
سه درم بسفایج فستقی یک درم انیسون زنجبیل هندی از هر یک ۵ درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی یک مثقال تا چهار درم توان خورد اطریفل غددی خناق و خنازیر را سود دارد صفت آن هلیله سیاه
پانزده درم هلیله آمله تربد غدد که در گردن کوسفند میباشد و خشک کرده از هر یک پنج درم
افتیمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس سنا مکی از هر یک هفت درم شیطرج هندی زرنباد
و غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون و مصطکی صبر بوا فرنفل جوز بوا سنبل از
هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم از آن توان داد اطریفل بابونج بجهة سفید
و برص را سود دارد سیاهی موی نگاه دارد و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله
کابلی بیست درم پوست هلیله آمله مقشر از هر یک ده درم برنگ کابلی مقشر پانزده درم

شیطرج هندی سعد کوفی زنجبیل از هر یک سه مثقال ساذج پنج درم بسفایج اسطوخودوس
از هر یک هفت درم غاریقون شش درم قسط سه درم مصطکی کندر انیسون قرنفل جوز بوا جوزبوا
هر یک دو درم فلفل دارفلفل دار شک از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
از سه درم تا چهار درم توان داد اطریفل دیگر عرق بدنی را سود مند است اگر ده روز پیاپی استعمال
نمایند ماده این علت را پاک کند صفت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر تربد سفید
زنجبیل فلفل مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و با عسل بسرشند شربتی از آن
سه درم ایارج فیقرا اعضا را از غذا پاک کند و فضول را از دماغ پاک کند و لقوه و گرانی زبان
و استرخاء مثانه و معده و سایر اعضاء و وجع مفاصل و قولنج را نافع باشد صفت آن
سنبل دارچینی عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی
صبر سقوطری دو وزن ادویه دیگر شربتی دو درم بعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا
و فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و صداع
و شقیقه و دوار و صمم و شهوه کلبی و عسر النفس و حرقه و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق
النساء و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و ریشهای کهن بد را نافع باشد و حیض بگشاید

و این مسهل مبارکست و اسهال او بی زحمت باشد صفت آن شحم حنظل پنج درم بسفایج عنصل بری
غاریقون سقمونیای مشوی فربیون سیاه دانه اسطوخودوس از هر یک چهار درم و نیم افتیمون کمادریوس
مقل ازرق صبر از هر یک سه درم حاشا هوفاریقون شاهترج هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل
سفید جاوشیر مرمکی جند بیدستر قطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل الطیب
حاما زنجبیل از هر یک دو درم حنظبانا رومی اسطوخودوس از هر یک یکدرم و نیم کوفته بعسل بسرشند
شربتی چهار مثقال با آب گرم و عسل بعد از چهار ماه تا شش ماه استعمال نمایند و قوت آن
تا چهار سال باقیست اغبر بود نیز جرب و شبل را و تریاق و ضعف باصره را نافع باشند
توتیای کرمانی صفت آن و شبح محرق مغسول از هر یک ده درم مروارید ناسفته شش درم نبات هفت درم
صلایه کرده استعمال نمایند اکحل که قرحه و سور سرج را نافع باشد صفت آن سفیدآب ارزیز شش
درم اقلیمیای نقره و صمغ عربی از هر یک چهار درم روی سوخته یکدرم نشاسته و افیون از
هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند اکحل دیگر که همین منفعت دارد صفت آن شادنج
مغسول سه درم نشاسته اقلیمیای نقره افیون سرمه اصفهانی از هر یک یکدرم صمغ عربی انزروت
از هر یک دو درم سفیداب ارزیز شش درم صلایه کرده استعمال نمایند اکحل کلابه معده تا قوت

دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای طعام آرد صفت آن نان تازه گرم در کوزه آب نهند یده بگذارند
تا سبز شود و بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند تا ده روز سرکه بر سر آن میریزند
و ده روز دیگر بید و شاب خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر بشیره انگور خمیر تازه کنند
بعد از آن کرم کوفته بر سر آن بریزند و چون خواهند آنگاه روغن بگیرند از این خمیر مقدار یکمن
بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن کنند و کیسه پر از داروهای گرم نیم کوفته در آن اندازند و چهل
روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن استعمال کنند باب الباه بادگیر بهبرود معده و جگر و رحم را
احتباس طمث را نافع باشند و ریاح غلیظه دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید صفت آن
زرنباد و درونج عقربی افیون بهمن بیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه هوم المجوس بزرالبنج
قسط تلخ جاوشیر زعفران از هر یک شش درم سلیخه هشت درم بازرد مرمکی از هر یک
دوازده درم مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند
برشعثا نسخه شیخ ابو علی سینا در کام و نزله را نافع بود داد جماع اساکن گرداند
و قطع خون رقیق کند صفت آن فلفل سفید بزرالبنج از هر یک بیست مثقال افیون ده
مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر یک یکمثقال کوفته

و بیخته با نبات چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه که نسیان جو نهاله باشند استعمال
نمایند بنادق البزور حرقه بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه
ده درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم کدو بزر البنج و تخم خرفه و تخم خطمی و مغز بادام مقشر کثیرا و نشاسته رب
السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند بنادق سازند شربتی سه درم
بشراب خشخاش بنادق کندری درد و استسقاء معدی را نافع بود صفت آن مازوی سبز یکدرم
کندر و کرمازج از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس ده درم کوفته و بیخته بنادق
سازند بنادق دیگر مغص و وجع قولنج مراری را تسکین صفت آن تخم کاهو تخم خرفه افیون سادی
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بنادق سازند هر یکی دو دانگ بنادق دیگر درد وجع
قولنج و بادها را تسکین دهد صفت آن چند بید ستر نوشادر نانخواه کمون کرمانی افیون سادی
کوفته و بیخته بنادق سازند هر یک دو دانگ بیشی از تراکیب حکمای هند است و از جهت جذام
عظیم النفع صفت آن هلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم نمش سفید
دو درم نیم کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال برود جلی این
نیز از هند با نبات و همان خاصیت دارد صفت آن هلیله بلیله آمله شیطرج هندی از هر یک چهار درم

جوز بوا حب بوا افشور کندر مو فلفل دار فلفل باهنگ کندش عصاره الفیل ساذج از هر یک
هشت مثقال نمش چهار مثقال کوفته و بیخته بقاعده معجون سازند شربتی یکمثقال برود جهر جرب و بیاض
دمعه و سلاق و سبل و ظفره نافع باشد صفت آن توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد
زنجبیل زرد چوبه از هر یک یکدرم دار فلفل مامیران چینی از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته بحریر
بیخته بیست روز در آب غوره بپرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال نمایند
برود مغفره جرب را نافع است صفت آن شفه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی و کثیرا از هر یک
یکدرم نشاسته سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه بپرورند و خشک کنند و دیگر بار سائیده
بحریر بیخته استعمال نمایند برود دیگر قرحه و بثور سرخ را نافع باشد صفت آن سفیداب ارزیر برده
درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی هفت درم و نیم شادنج مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هر یک
دو درم صلایه کرده استعمال نمایند برود دمعه استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی
دماز از هر یک یکدرم و نیم کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند برود دیگر قوت باصره بیفزاید و محافظت
چشم کند صفت آن توتیا مارقیشیثا اقلیمیای نقره از هر یک پنج درم سنبل الطیب ساذج زعفران از
هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور قیصوری دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال

غبار دارد
هلیله کابلی

نافع بود دارو چشم را خنک گرداند سوزش را باز دارد صفت شیاف ... مغسول ده درم
روی سوخته نیم درم مروارید ناسفته مثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه کرده ...
نافع بود برود دمعه را باز دارد و سپیدی را ببرد صفت سرمه ... توتیای مغسول از هر یک ده درم
زده درم مروارید ناسفته ده درم ساذج هندی یکدرم زعفران نیم درم ... از هر یک ... درم
و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند ... تاریکی چشم را ببرد آب و دمعه
و جرب و سبل و ظفره و شبکوری را نافع باشد صفت کف دریا اقلیمیای نقره از هر یک
درم نمک اندرانی ساذج هندی سفیداب ارزیر فلفل دارفلفل سنبل الطیب ...
اقلیمیای از هر یک ده درم نمک هندی ... از هر یک یکدرم صبر سقوطری عصاره ...
... سوخته از هر یک نیم درم مامیران چینی ترنجی نوشادر زرد چوبه از هر یک ... درم ...
چهار درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ... منافع ... منافع کبیر است صفت
اقلیمیای نقره نیم درم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب ارزیر نمک اندرانی نوشادر ... فلفل
دارفلفل از هر یک نیم درم کوفته بیخته استعمال نمایند ... تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را
نافع باشد صفت شیاف ... مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب

از هر یک نیم درم ساذج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته
بیخته استعمال نمایند ... را نافع باشد و ... نشانند ... کنند چشم را
هم در روز با صلاح آورد صفت شیاف ... انزروت از هر یک هشت درم کثیرا یکدرم
زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته و بیخته باب باران ... و در وقت حاجت بسفیده
تخم مرغ حل کنند استعمال نمایند بخوری که نزله و زکام بارد را نافع باشد صفت کندر
میعه یابس ... ساذج کوفته و بیخته گلولها سازند و بر آتش نهند و سر
بخاران بدارند بخوری که نزله و زکام حار را نافع باشد صفت سبوس گندم آرد باقلا و جو صندل
سفید گل سرخ بنفشه گل ... از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته در سرکه ... خشک کرده دیگر بار
کوفته و بیخته ... حب سازند و در وقت حاجت بر آتش نهند و سر بخاران بدارند بخوری
که مقوی ذهن و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع باشد صفت عود هندی قرنفل
... صندل سفید از هر یک یکدرم مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته
گلولها سازند و بخور کنند بخوری که بر آبستنی معین باشد صفت میعه سایله ... العاقر
ساذج کوفته و بیخته و بعسل ... و بعد از طهر ... هر روز ... بخور کنند

و بعد از آن به شربت نمایند جوارشی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن سداب خشک کوفته
با موم که آحنه و تخم کرفس بریشند و بنجز کنند جوارشی که مشیمه و بچه مرده را بیرون
آورد صفت آن مربا زرد چاوشیر کوکرد ساده کوفته و بیخته و بزهره گاو سرشته و گلولها سازند
و در زیر طعام سوراخ کرده و دود کنند و فرج بدان سوراخ نهند مخمه جوزی برودت معده
و جگر و درد ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و درد کلیه را نافع بود و لون را صافی
گرداند و بوی دهن را خوش گرداند و معده و باه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول براند
و بادها بشکند صفت آن آب انگور رسیده صد من گوشت تیغی فربه بچه یک من عود خام ده درم جوز
بویا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک پنج درم سلیخه یک درم جوز بوا کبابه زرنباد قرنفل سعد بسباسه
از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یک درم عسل ده رطل گوشت را
در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و دارو به نیم کوفته کنند و در کیسه کنند و سر کیسه را محکم
ببندند و در آن اندازند و هر لحظه بدست می مالند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف
سازند در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند گوشت مرغ یا کبوتر بچه
و کبک و امثال اینها اضافه نمایند و از گوشت گوسفند چیزی کم کنند باب الثالث تریاق فاروق

و از تریاق کبیر که گویند مضرت گزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه و همه
جانوران زهردار را دفع کند و دافع مضرت همه زهرهای کشنده است و جذام و فالج
و صرع و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خفقان سوداوی و بلغمی و استسقا
و یرقان سددی را سود دارد و صداع و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه را سود دارد و سنگ
گرده و مثانه را بریزاند و سده و جگر و سپرز بگشاید و حیض براند و بواسیر و بادهای غلیظ
که در احشا بود دفع کند و ورم صلب و جگر و سپرز را تحلیل دهد و معده را باز دارد
و حب القرع دفع کند و شهوت کلبی و نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سرد را
و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی برافروزد و روح را قوت دهد و باه را برانگیزد و تا
مقدار شربت تریاق کبیر در هر مرضی آنست که در سرفه کهنه و درد سینه و پهلو که بسبب آن
باد غلیظ یا بلغم باشد مقدار یک ترمس با ماء العسل دهند و از جهت گزیدن مار و عقرب و
و رتیلا و سگ دیوانه یک مثقال در شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه حل کرده بر موضع
مالند و از جهت دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون و بیش و گران و فرفیون و بزر البنج و ذراریح
و امثال اینها در شراب دهند و در یرقان سددی یک ترمس در طبیخ اسارون دهند و در

استسقا، بکفندق ببرکه ممزوج دهند و از جهة فالج و لقوه و رعشه و وجاء الاصول دهند
و از جهة جذام در ماء الجبن دهند و خداوند حب القرع را در طبیخ قیسوم دهند و در نافض
حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با آب گرم یا شراب دهند و در قولنج و نفخ معده و مغص
ریحی و سقوط شهوت و ربو و انقطاع صوت و برص یک ترمس با ماء العسل یا شراب دهند
و در ضیق النفس بسکنجبین عنصلی دهند و در صرع و صداع و شقیقه یک ترمس در آب گرم
دهند و خداوند صفرا را دو دانگ بشراب سیب دهند و از جهة احتباس طمث و اخراج
جنین مرده در طبیخ ابهل با سکنجبین اشیع با مداد آب دهند و در جمیع امراض اندک اندک
بکطوع و بسیاران یکمثقال بهند صفت آن اقراص عنصل چهل هشت مثقال اقراص افعی
و اقراص اندرود خورون و فلفل سیاه افیون و دارچینی از هر یک بیست چهار مثقال
ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری ایرسا غاریقون اصل السوس روغن بلسان
از هر یک دوازده مثقال مرکی زعفران زنجبیل راوند چینی قسط فلفل فودنج فراسیون فطر
اسالیون قسط فلفل سفید اسطوخودوس دار فلفل مشکطرامشیع کندر قفاح اذخر
البطم سلیخه سنبل الطیب جعده از هر یک شش مثقال لبنی تخم کرفس سنبل البوس جوف

مقدار ان

بجهت سودا
دماغ می دانند
روغن
بادام
سرک
بنم ... بجو شانند
تا ... بر و ...
و روغن بماند
... سه سال

۱۳

ابهل کادریوس کما فیطوس نانخواه عصاره لحیة التیس باردین سادج مو و خطمیا نانخواه
گل مختوم زراج محرق حماماحب بلسان هوفاریقون صمغ عربی فرد مانا انیسون اقاقیا از هر یک چهار
مثقال جند بیدستر دوقوه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق زراوند مدحرج سکبینج از هر یک
از هر یک دو مثقال عسل که از گل حات باشد دو رطل شراب ریحانی هشت رطل بوزن بغداد
که هر رطل ازان نامحل شود و عسل بر سران کنند و یکشبانروز بگذارند و بعد ازان ادویه
کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند و در یک دیگر بر شند و بعد ازان چهار ماه بلکه شش
ماه استعمال کنند و بعضی گفته اند پس از پنجاه سال استعمال نباید کرد و بعضی گویند
بعد از دوازده سال استعمال باید کرد و بعضی گویند از زمان در غایت خوبی قوت باشد تا سی
سال و چون سی گذشت تا شصت سال قوت ان باقی و بعد از شصت سال حکم آن
حکم معاجین کبار باشد و از جهة جمیع امراض مذکوره نافعست الا دفع سموم گزیدن جانوران
تریاق گل مختوم کسی را که زهر داده باشند این تریاق را بدهند تا بدن او از آن پاک شود و
اگر زهر خورده باشد قی آورد صفت آن گل مختوم و حب الغار و ایرسا سادی کوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کنند و بعسل بر شند شربتی مقابل بکفندق تریاق اربعه دفع مضرت گزیدن

تریاق گل مختوم

مقدار ان

تریاق اربعه

جانوران زهرناک کند و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت و تسهیل ولادت کند
و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت آن جنطیانا حب الغار زراوند طویل ریوند صینی پوست
بیخ کبر فرفاف قسط تلخ زردچوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون سازند شربتی یکمثقال
تریاق مرجان گزندهٔ کلب دیوانه را نافع باشد صفت آن سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال تریاق عسکری جهة گزیدن عقرب نظیر ندارد
صفت آن پوست بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته دو
درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر که همین منفعت دارد صفت آن تخم سداب زراوند طویل
حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زردچوبه بیخ حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مغز گردکان و سیر از هر یک دو درم سداب
حلتیت مر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با انجیر معجون سازند شربتی سه درم بشراب یا ماء العسل
تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفعی تمام دارد صفت آن جنطیانا زراوند حب الغار
کما قسط فودنج سداب جندبیدستر مامیران فرحاشو زنجبیل فلفل حلتیت مساوی
کوفته بعسل بسرشند شربتی بمقدار گردکانی بشراب تریاق دیگر که همین فایده دارد

١٣

صفت آن زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بشراب بیامیزند
و بنوشند تریاق دیگر که از جمیع گزیدن رتیلا نافع باشد صفت آن شونیز ده درم دوقو نانخواه
کرمانی از هر یک پنج درم ابهل جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار زراوند
مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا تخم خندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و
بیخته بعسل بسرشند شربتی بمقدار گردکانی بشراب کهنه تریاق دیگر که همین در گزیدن عقرب مساوی
تریاق کبیر است صفت آن افیون ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج و جندبیدستر از
هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل یک نخود تریاق دیگر گزیدن
عقرب را نیکو باشد صفت آن ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف سازند تریاق دیگر که در دفع مضرت افیون نیکوست
صفت آن حلتیت جندبیدستر ابهل فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی مقابل یک فندق در شراب کهنه نافع باشد تریاق دیگر مروارید ناسفته مرجان
کهربا عقیق یشب عاج طباشیر طالیقون کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید بهمن سفید
بهمن سرخ درونج فل سعد زرنباد کرمانی مدر مصطکی گرد بادرنجبویه ابریشم

عدسی صمغ عربی ارد کنار آرد سمخ حب الآس عذبه دانه عناب بریان کرده پوست بیرون

پسته تخم ریباس از هر یک سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده خشخاش سفید

دانه انگور بزرگ از هر یک چهار درم عود خام دهن البلح از هر یک دو درم رب زرشک

رب سیب رب مورد سادی معجون سازند باب الثانی در بیان اوجاع کبد و معده

و طحال و کلیه و رحم و پستان و مارکی چشم و ربو و صداع و جرام و برص و لقوه

و رعشه و فالج و جمیع امراض عتیقه مزمنه و انواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع بود

و قولنج بگشاید و استسقاء که از سردی بود و ضعف جگر باشد زایل کند و

استسهال ان بی مشقت بمنفد و ادرار بول و حیض کند و سنگ کرده و مثانه

را برراند و حرارت غریزی تقویت کند و بدن را از اخلاط فاسده پاک گرداند

و بادها را دفع کند و سده و جگر و سپرز بگشاید و رنگ را نیکو سازد صفت آن

صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران دارچینی وج مصطکی رومی

بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید

و سیاه دار فلفل مریطا ماهی بلسان فقاح اذخر سوکاما از هر یک دو درم کادر

داب زعفال چوب کسنر شیر مجرب

وشا دانسج مقصود

یک درم ... شت ان ... طبقات

کلی دا ... دل

قوت دماغ

سودا ... باد و ... کادو

کسیس کبر به باشیر کاو

مرینک بعد داده

ابا شیر کاو

کادریوس فوط افتیمون از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک نیم مثقال

سنبل سه درم و نیم ادویه را کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند و باقی چندان عسل

برسند شربتی چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال باقیست باب در بطوس منفعت آن

قریب بمنفعت اولست صفت آن صبر سقوطری سی درم غاریقون بیست دو درم زعفران وج

دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کادریوس فلفل ابیض از هر یک چهار

درم ریوند چینی سنبل الطیب از هر یک چهار درم عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم

باب کرم باب الجیم جوارشی شهریار سردی جگر و معده و قولنج و عسر البول را نافع بود صفت آن

قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران

از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد سفید و حب النیل از هر یک هشت درم

قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته بعسل برسند شربتی چهار مثقال باب کرم

جوارشی ترنج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و دلوی و اهی خورش کند

صفت آن پوست ترنج خشک سی درم قرنفل جوزبوا دار فلفل قرفه قاقله خولنجان زر

نجبل از هر یک یکدرم مشک دو دانک کوفته و بیخته بعسل برسند جوارشی

باد ها بشکند و خفقان و دل تنگی را زایل کند صفت آن عود هندی زرباد تخم کرفس درونج سنبل
از هر یک سه درم بسباسه بادرنگ سعد قرنجنک زرنب زرنباد از هر یک یکمثقال دارچینی
زنجبیل قرنفل فلفل مصطکی از هر یک دو درم کاوزبان پنج درم کافور دانکی و نیم مشک دو دانک
کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارشی عود بنوعی دیگر معده و دل را قوت دهد و برا را موافق باشد
صفت آن عود خام قرنفل سادج زنجبیل قاقله قرنجنک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران
یکمثقال کوفته و بیخته بعسل معجون سازند جوارشی عود دیگر باطمه را قوت دهد و اشتها طعام
آورد و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت آن قرنفل سه قاقله کبار سنبل از هر یک دو درم عود
پانزده درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارشی عود بنوعی دیگر معده سرد را گرم کند و اشتها
طعام و باطمه را قوت دهد صفت آن قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود پنج درم نبات یکمن
نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و فرو گیرند و داروها کوفته و بیخته بدان برسشند
و بر روی سنگ ریزند جوارشی عود بنوعی دیگر معده را باصلاح آورد و اشتهای طعام آورد
صفت آن عود خام پنج درم پوست ترنج ده درم مصطکی یکمثقال نبات یکمن هم بآن دستور
بر ریزند جوارشی عنبر خفقان و سردی معده و بدی هضم و اوجاع رحم را نافع بود و از برای پیران

بغایت خوب است صفت آن قاقله کبار و صغار بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل دار
فلفل از هر یک ده درم دار فلفل مصطکی عنبر از هر یک دو درم قرفه قرنفل زعفران از هر یک سه
درم جوز بوا پنج درم مشک یکدرم کوفته و بیخته بعسل برسشند شربت یکمثقال جوارشی عنبر بنوعی دیگر
صفت آن عنبر یکمثقال قند سفید یکمن قند را بقوام آورند و فرو گیرند و عنبر را حل کنند
و نیم گرم بیامیزند و بر روی سنگ ریزند جوارشی مصطکی سردی معده و جگر را نافع باشد
و بلغم را دفع کند و آب دهن از دهان باز دارد صفت آن مصطکی سه
مثقال کوفته با یکمن قند و سی درم گلاب بر روی سنگ ریزند جوارشی
جالینوس این جوارش را خاصیت بسیار است همه اعضا را قوت دهد و بوی دهن خوش
کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد و
دیوانگی را ببرد و صداع و سعال بلغمی را و بواسیر و نقرس و قوبا و خشکی و برص کلیه و مثانه
را نافع بود و سیاهی موی را محافظت کند و گفته اند که اگر مرد بدین جوارش مداومت کنند
از جمیع امراض مذکور ایمن باشند صفت آن سنبل قاقله بسباسه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل
فلفل سیاه زنجبیل دارفلفل قسط بحری عود بلسان اسارون تخم سورد قصب الذریره زعفران

از هریک دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه را کوفته و بیخته و بباد و چندان عسل
برشند بشربتی دو مثقال پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد و بعضی از اطبا پنج درم حنطانا
اضافه میکرده اند جوارش شهریار قولنج و عسر البول را بگشاید صفت آن زیره کرمانی مدبر پودنا
از بذر فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هریک دو درم تخم سقمونیا باز نیز پنج درم خرمای دانه
بیرون کرده مقشر بادام سقشر بریان کرده از هریک ده مثقال ورق سداب ده درم خرمای
بکشانند در سرکه خیسانیده و بکوبند و از غربال بیرون کنند و عسل کف گرفته سه وزن
ادویه برسر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید و دارو ها را کوفته و بیخته بآن برشند شربتی یک مثقال
تا هفت مثقال باب گرم بدهند جوارش مسک خفقان و باد و بواسیر را نافع باشد و بادهای معده
را دفع کند صفت آن خربوا زنجبیل دار فلفل فلفل از هریک ده درم مشک خالص نیم مثقال
قند سفید شصت مثقال درم کوفته و بیخته بعسل برشند جوارش کافور اسهال صفر
اوی باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند صفت آن زرشک ده درم گل سرخ شش درم
طباشیر سفید کهربا فوفل از هریک چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت درم حب الاس شش درم
پوست سیب دو درم پوست عنبر ده درم دانه انار بریان کرده هجده درم کافور سه درم زعفران

شاهبلو

١٧

شاهبلوط از هریک پنج درم بشراب آب حماض برشند شربتی دو درم جوارش کندر اسهال معدی
و بلغمی را باز دارد و معده قوت دهد و گرم کند صفت آن کندر شصت درم فلفل دار فلفل از هر یک
دوازده درم زنجبیل خولنجان از هریک ده قرنفل جوزبوا خیربوا از هریک پنج درم مشک پنج درم قند سفید
شصت درم کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی سه درم بدهند جوارش خوزی طعام را هضم کند
و اسهال باز دارد و بسیار بگذارد و کسی را که بیم استسقا باشد نافع بود و ادرار بول کند
صفت آن قسط قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هریک ده جوزبوا نجعه و فاقله کبار قرنفل اسارون
اکلیل الملک شیطرج نارمشک از هریک چهار درم بسباسه ورد تخ عقربی از هریک سه درم راوند چینی
زراوند مدحرج انیسون از هریک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی روغن زیت بریان کرده
از هریک سی درم هلیله ده عدد حب الاس بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب
بگذارند و بقوام آورند و دارو ها کوفته و بیخته بآن برشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند
جوارش طباشیر تب و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن طباشیر سفید حب الآس
گل سرخ از هریک ده درم تخم حماض صمغ عربی از هریک هفت درم گلنار سماق عصاره لحیة التیس
از هریک سه درم زعفران و افیون از هریک دو درم کوفته و بیخته بشراب آب سیب برشند شربتی

سه درم جوارش سماق اسهال صفرائی باز دارد وحبس خون نماید صفت آن سماق
ده درم حب الاس ده درم خرنوب نبطی سه درم صمغ عربی گلنار انار دانه از هر یکی پنج درم کوفته
و بیخته با موبرنج نقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم جوارش انجدان قولنج بکشاید و بادها دفع کند
و حیض حایض را نافع باشد صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم ابرسا و زنجبیل
از هر یک شش درم انیسون مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم انجدان پانزده درم
کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم کند و قولنج بکشاید
صفت آن جوز بوا یکدرم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نارمشک دو قرنفل از هر یکی سه
درم دار فلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربتی از یکدرم تا سه درم جوارش دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن
عود خام مصطکی از هر یکی یکدرم تربد سفید چهار درم سقمونیا پنج درم کوفته و بیخته بعسل برشند
شربتی پنج درم جوارش لسانه بواسیر و سردی معده و بدی هضم را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند صفت آن لسانه قرفه قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون
از هر یک یکدرم قاقله کبار پنج درم فلفل دو درم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته

۱۷

و بیخته بعسل برشند شربتی یکمثقال جوارش مقلیانا زحیر و مغص و بواسیر را نافع بود صفت آن
تخم تره تیزک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی شش درم هلیله کابلی بر روغن گاو
بریان کرده یکدرم کوفته و بیخته بگلاب برشند جوارش سمسم معده را قوت دهد و شهوت بدید
زنان حامله را دفع کند و رنگ رو روشن گرداند و اشتها طعام آورد صفت آن زرنباد تخم کرفس زیره
کرمانی نانخواه از هر یک دو درم کنجد مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یکی سه
درم شکر طبرزد نود مثقال کوفته و بیخته بگلاب برشند جوارشی که حفظ زیاده کند صفت آن
زنجبیل نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته و بعسل برشند شربتی
یکمثقال جوارش مسهل بلغم را و دفع فضلات کند صفت آن تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم
قند سفید پانزده درم شربتی سه درم جوارش شهریاران بنسخه دیگر قولنج بکشاید و فضلات ردیه
را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی
لنجان قرفه از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم
جوارش دارچینی ضعف کرده و مثانه و معده را نافع بود و بادهای غلیظ را بشکند
و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت آن دارچینی عود هندی راسن از هر یک شش درم

قرنفل فلفل سیاه دارفلفل سنبل اسارون از هر یک سه درم زنجبیل ده درم نعناع هشت
درم خیربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه بسفایج از هر یک سه درم کوفته و
بیخته بعسل برسشند جوارش حب الآس هضم و اسهال معده را نافع باشد و قی که از
بلغم و رطوبت باشد باز دارد صفت آن حب الآس نه مثقال هلیله سیاه بلیله آمله طباشیر
از هر یک پنج درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قرد امانا کرویا
انیسون زیره کرمانی سنبل سنبه فاقله قسط از هر یک شش درم جوزبوا تخکرفس نانخواه از هر یک
پنج درم ساذج هندی حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارش اسقف قولنج
و لقوه و باد بواسیر و بادهای ردیه که در معده باشد سود دارد صفت آن سقمونیا تربد سفید
از هر یک پنج درم فلفل فاقله از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی آمله قرنفل بسفایج جوزبوا از هر یک
دو درم و نیم قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل برسشند شربتی چهار دانگ مثقال جوارش هندی
اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت آن سقمونیا ده درم خیربوا
فاقله دارچینی زنجبیل قرفه نارمشک قرنفل از هر یک پنج درم تربد سفید صد درم قند سفید هم صد
درم کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارش زنجبیل ضعف معده و امعا و هضم را نافع باشد

وطعام هضم کند

دو بار قلیان
بسر که عناب
هر سر قلیان

و طعام هضم کند و بادها را بشکند و اسهال باز دارد صفت آن زنجبیل پنج درم صمغ عربی خیربوا
از هر یک ده درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوزبوا زعفران از هر یک یک درم نشاسته جبیل دو درم
شکر طبرزد نود مثقال جوارش قیصر قولنج و نقرس را نافع بود و اخلاط غلیظه لزجه را دفع کند
صفت آن دارفلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا تربد سفید دوازده درم تخکرفس نانخواه عاقرقرحا نمک
طبرزد از هر یک شش درم قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارش فواکه معده و دل
و جگر و اعضا را قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و تشنگی بدان منع خمار نماید صفت آن
آب انار ترش و شیرین آب سیب ترش آب به آب امرود آب غوره آب زرشک
آب سماق آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند تا بربع آید فرو گیرند و قند بقوام
زیاده آورند و بروی نمک ریزند باب الحاجب ایارج دماغ و اعصاب سر را
از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض عین را نافع باشد صفت آن
ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک یک درم حب النیل غاریقون افتیمون از
هر یک نیم درم شحم حنظل نمک هندی از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته با آب رازیانه
برسشند و حب سازند حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع باشد

صفت آن صبر سقوطری یکمثقال تربد یکدرم و نیم حب النیل غاریقون از هر یک دانگی شحم حنظل
دانگی و نیم نمک هندی قدری مقل کثیرا انیسون از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب کرفس
حب سازند حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
با هلیله هر یک یکدرم سورنجان تربد سفید از هر یک یکمثقال کثیرا دانگی حب النیل نیمدرم شحم
حنظل و نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب سورنجان
نسخه دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن ایارج فیقرا تربد سفید با هلیله هر یک یکدرم
سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون انیسون از هر یک نیمدرم سقمونیا کثیرا شحم حنظل از هر یک
دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه حب سازند حب سورنجان بنوعی دیگر صبر یکدرم پوست هلیله زرد
تربد سفید از هر یک نیمدرم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی و نیم تخم کرفس نمک هندی از هر یک
دانگی با آب رازیانه حب سازند حب شبیار درد معده را نافع بود و قوت باصره بدهد و درد
سر و تاریکی چشم را ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد
سفید از هر یک یکدرم سقمونیا نیمدرم کوفته و بیخته با آب آن حب سازند شربتی یکمثقال تا نیم
مثقال در وقت خواب فرو برند حب قوقایا حب جالینوس است صداع و درد چشم را

را نافع بود صفت آن انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق زیره کرمانی مدبر
حب الآس سنجد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب نبطی آرد کنار از هر یک پنجدرم عود
خام نیمدرم آمله یکمثقال کوفته و بیخته با رب به استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف
المقلیثا و آنرا سفوف النسا نیز گویند اسهال صفراوی و دموی را نافع باشد
صفت آن بزر قطونا تخم ریحان تخم مرو نشسته تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی
طباشیر مساوی کوفته و بیخته بغیر از سه تخم اول در بلد بکر بسایند شربتی سه درم بروغن
گل بادام چرب کنند و بگلاب تر کرده فرو برند سفوف جهت زحیر و وجع امعاء و
سحج نافع است صفت آن تخم خطمی مقشر و تخم خیار تخم خیار بقشر از هر یک پنجدرم نشاسته
بریان کرده سه درم صمغ عربی و گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
صباح ده سه درم سماق آبی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده باشد
نافع بود سفوف زرشک شکم ببندد و ضعف معده را نافع بود صفت آن سماق
ناگاه زنجبیل انار دانه بریان کرده زرشک منقی آرد کنار از هر یک دو درم نبات
سفید بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف تشنگی بنشاند و اسهال

معده را نافع باشد صفت آن سماق ده درم حب الآس و انار دانه بریان کرده از هر
یک پنج درم خرنوب نبطی پانزده درم صمغ عربی و گلنار از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال سفوف سورنجان نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع باشد صفت آن سورنجان مصری
ده درم سنا مکی هفت درم پوست هلیله زرد و مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران
نیم درم سقمونیا یکدرم قند سفید بیست درم و اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید پنج مثقال اضافه
نمایند و سقمونیا نیم درم اضافه کنند سفوف [illegible] مسلول را بغایت نافع است صفت آن
سرطان نهری محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید و خشخاش سیاه و مغز تخم
خربزه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش سفوفی
که سنگ گرده و مثانه اطفال پاک کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ الکوفلت
سادی کوفته و بیخته شربتی نیم درم تا یکدرم سفوف [illegible] که خفقان گرم را نافع بود صفت
آن گل ارمنی کشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر و کهربا از هر یک نیم درم کافور
نیم دانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند سفوف [illegible] که از بهر اسکندر ساخته بود
در بی اشتهایی معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع بود و طعام هضم کند

۲۰

و بوی دهن خوش کند و دل را قوت دهد صفت آن قرفه ساذج عود هال بسباسه
مصطکی هلیله کابلی فرنجمشک بادرنگ زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل زنجبیل قرنفل انار و
دانه جوز بویا کافور دارفلفل قاقله از هر یک دو درم مشک و عنبر از هر یک یکدرم نبات
شش وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم سفوف [illegible] معده سرد و تر را نافع بود
و جگر را قوت دهد صفت آن لک مغسول حب الآس بلوط و مصطکی مازو و عود بلسان پوست
انار از هر یک چهار درم زنجبیل کندر از هر یک یکدرم نبات پنجاه درم شربتی سه مثقال
یکهفته استعمال نمایند و گوشت نخورند سفوف کبدی ورق گل سرخ زرشک منقی لک
منقی از هر یک یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید و نشاسته صمغ عربی از هر یک یکدرم
ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوفی که فواق بلغمی را دفع کند صفت آن تخم کرفس فطراسالیون سعد کوفی از هر یک
دو درم و نیم دوقو پوست بیخ رازیانه انیسون بودنه بادروج قسط زیره کرمانی از هر یک
سه درم وج نیم درم شربتی دو درم سفوفی که درد جگر و تهبج را ببرد صفت آن
گل سرخ هشت درم زرشک پنج درم سنبل و مصطکی و عصاره غافث و افسنتین

کمونی که اکر کرد باشد بسبب اشتها در هضم طعام مجرب

فلفل ابیض بسباسه رومی و ریوند چینی از هریک دو درم نعناع اذخر اسارون ورق کشوش از

هریک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربتی دو درم با سکنجبین سفوفی که حرارت جگر را

بنشاند و خمار را دفع کند و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی

که آبله بر خواهد آمد سود دارد صفت آن ورق گل سرخ ده درم طباشیر پنج درم سماق

تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هریک پنج درم صندل

سفید دو درم و نیم کافور یکدرم شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب

انار سفوفی که خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت آن کهربا گل ارمنی دم الاخوین

لک مغسول مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یکدانگ افیون در یک وقیه نقیع سماق حل

کرده بدهند سفوفی که از جهت بول الدم نافع بود صفت آن مساوی مغسول دم الاخوین

بسد کهربا شب یمانی گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مثقال مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم

با آب سماق سفوف دیگر نسخه دیگر اوجاع مفاصل را نافع بود صفت آن سورنجان هفت درم

زیره کرمانی بریان کرده فودنه از هریک دو درم فلفل یکدرم قند سفید دوازده درم

کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره پاره کند و

بیرون آورد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هریک پنج درم خسک

مربی چهار درم حجر الیهود و قلت از هریک سه درم تخم کرفس سیسالیوس فطراسالیون

از هریک یکدرم صمغ عربی و کثیرا از هریک یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب

حسک سفوف حجر الیهود نسخه دیگر تخم قلت پانزده درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو

از هریک چهار درم و نیم سیسالیوس دو درم صمغ عربی نشاسته و کثیرا از هریک سه

درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب

نخود سیاه سفوفی که در ساعت شکم به بندد صفت آن شاهبلوط سه درم بارد

و پوست انار از هریک چهار درم کرد سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته و

بیخته شربتی دو درم با آب سرد سفوف مشهی کندر عود خام از هریک یکدرم خشخاش

ده درم تخم کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات پنج درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم

سفوفی که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و

اشتهار طعام آرد صفت آن زرنباد تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هریک دو

درم کندر سه درم کنجد مقشر ده درم نبات ده مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند

حب سیسبار

سفوفي که دفع سرعت انزال کند صفت آن طباشیر خشخاش انیسون کندر از هر یک یکدرم و
جوز السرو سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب آب خشخاش سفوفي که باد ها دفع
و استسقا طبلي را نافع باشد صفت آن تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون قسط ریوند
چینی از هر یک دو درم زیره کرماني سه درم سنبل الطیب سعد کوفي از هر یک یکدرم
و نیم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفي که اسهال سعدي را نافع باشد صفت آن
انار دانه بریان کرده آرد کنار آرد سنجد از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده
پنجدرم خرنوب شامي و خرنوب نبطي بلوط در سرکه خیسانند یکشبانروز در سایه خشک
کرده بریان از هر یک پنجدرم سماق سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوفي که قرحه
مثانه را نافع باشد صفت آن دم الاخوین شادنج مغسول نشاسته تخم کرفس از هر یک
نیم درم صمغ عربي یکدرم مومیائي دو دانک کاکنج دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم
با شراب خشخاش بنوشند سفوف الوبا در استطلاق بايي کبدي را نافع بود و معده و
دل و جگر را قوت دهد و حرارت و تشنگی بنشاند صفت آن مروارید ناسفته چهار درم
بسد سوخته کلنار طباشیر خرنوب گل ارمني گل فرنج گل صندل سفید بارتنگ

بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد پوست کنار آرد سنجد کشنیز خشک
بریان کرده صمغ عربي بریان کرده سماق زرشک پوست جو بریان کرده تخم طراثیث تخم خرفه
بریان کرده بزر قطونا بریان کرده از هر یک سه گل مختوم و مصطکي از هر یک یکدرم انار دانه
پنجدرم کهربا و اقاقیا مغسول از هر یک پنجدرم دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از بارتنگ و بزر
قطونا سفوف سازند سفوف دیگر صفت آن تخم حماض زرشک بیدانه تخم ریباس کشنیز خشک بریان
کرده گل سرخ خرنوب شامي بلوط طباشیر از هر یک یکدرم سماق و حب الاس از هر یک
دو درم انار دانه چهار درم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف خرنوب اسهال سعدي و استرخا
معده را نافع باشد صفت آن خرنوب نبطي زرشک بیدانه زیره کرماني بدبر سماق پوست
کنار حب الاس مصطکي بلوط کشنیز خشک بریان کرده مساوي کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با آب
مورد نافع باشد سفوف دیگر بادها بشکند و معده را قوت دهد صفت آن کرویا انیسون
کرماني قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس مصطکي از هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دار
فلفل از هر یک دو دانک قند بیست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف
الخرنوب شکم به بندد و معده را قوت دهد صفت آن دانه انگور صمغ عربي از هر

یک چهار درم حب الآس و سماق از هر یک دو درم مصطکی و گلنار از هر یک یکدرم کو
فته و بیخته سفوف سازند سفوف که نافعست از جهة اسهال که بان سرفه باشد
صفت آن حب الآس شاهبلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی
یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن صمغ عربی
طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم برسیاوشان و کندر از هر یک یکدرم
خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب
خشخاش سفوف که حرقة بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند صفت
آن تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش سفید از هر
یک ده درم کتیرا نشاسته رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید دو درم قند
برابر همه شربتی سه درم صباح و سه درم مسا بشراب خشخاش سفوف دیابیطس
صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط از هر یک پنج درم نشاسته کتیرا تخم کاهو تخم خرفه
از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با ب انار ترش
سفوف که بواسیر و اسهال و زحیر و مقعد را نافع باشد صفت تخم ترتیزک بریان

کرده نود مثقال بزرک بریان کرده از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم کوفته و
بیخته سویق ترتیزک و بزر قطونا بو داده و تخم مرو از هر یک دو درم و نیم سفوف سازند
سفوف که نافعست از جهة حرارت جگر و یرقان و نفث الدم و سده جگر صفت آن
بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول گل سرخ سنبل
الطیب اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیم درم مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم
باب سرد سفوف که نافعست از جهة یرقان و درد جگر دفع صفراوی صفت آن
لک مغسول یکمثقال طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم کافور دانگی
شربتی دو درم با شراب تمر هندی یا شراب آلو سفوف بلوط معده را قوت دهد و
اسهال باز دارد صفت آن بلوط و شاهبلوط دانه مویز آرد کنار از هر یک ده
درم خرنوب نبطی و حب الآس از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن دانه مویز تخم حماض انار دانه صمغ
عربی از هر یک سه درم حب الآس و بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید
یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوف از جهة سرعت انزال که بسبب الحرارت

باشد نظر بدارد صفت آن بزرقطونا دو درم تخم خرفه سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم

شربتی یکمثقال بناشتا سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت فواق امتلائی

و صفت آن تخم کرفس سعد زیره کرمانی ساذج کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی

که نافع است از جهت ضعف معده که بسبب آن حرارت باشد صفت آن

کهربا گل سرخ از هریک پنجدرم عود دو درم زرشک ده درم املج طباشیر از هریک

سه درم سنبل الطیب یکدرم زعفران و کافور از هریک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی

یکمثقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ کند صفت آن روناس خشک ده

درم زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم

سفوف سازند سفوفی که سده جگر و سپرز بگشاید و طحال را نافع بود صفت

آن تخم کاسنی کرمازج از هریک پنجدرم حب الفقد یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی سه

درم با سکنجبین سفوفی که نافع است از جهت وجع کلیه که بسبب آن برودت

باشد صفت آن فطراسالیون قردمانا حاما تخم کرفس ساذج کوفته و بیخته شربتی یکدرم

سفوفی که بدن را لاغر گرداند صفت آن لک مغسول دو درم ناخواه سداب

زیره کرمانی از هریک چهار درم زرنگوش بوره ارمنی از هریک یکدرم کوفته و بیخته شربتی

هر روز یکمثقال بگل قند بنوشند سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن لک مغسول سند

روس از هریک چهار دانگ مرزنگوش نیمدرم زاج زراوند مدحرج جنطیانا از هریک

دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی که قطع سیلان منی و سرعت انزال را

نافع بود صفت آن تخم سداب سه درم تخم سپندان فنجنکشت از هریک دو درم گلنار

ورق گل سرخ از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی دو درم از آن در دوغ با آب

غوره حل کرده بنوشند سفوفی که نافع است از جهت قروح کلیه و مثانه صفت آن

گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو

رب السوس لک مغسول ربوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج ساذج کوفته و

بیخته شربتی دو درم با مي فنجج سفوفی که وجع کلیه و مثانه را تسکین کند صفت آن بزر البنج

دانگی افیون قیراطی مغز تخم خیار بن سه درم تخم کاهو تخم خرفه از هریک یکدرم کوفته

و بیخته بشراب خشخاش بنوشند سفوفی که از جهت استرخاء زبان نافع است

صفت آن دارچینی حاما سنبل الطیب از هریک سه درم ساذج ناتخواه

زراوند طویل کرفس شبت مصطکی سنبل السوس دوقوا انیسون از هر یک یکدرم مردا
باسفه کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم باب گرم یا شراب کهنه سفوفی
که در السنی معین باشد صفت آن نشاره عاج و نبات از هر یک یکمثقال زن سه
بعد از حیض سفوف سازد و شب چهارم مرد با او مجامعت کند آبستن شود بشرط آنکه
بعد از طهر باشد و بعضی گفته اند که نشاره عاج را زن هفت روز متوالی بو میدهد
رم بالعسل بیاشامد و بعد از آن جماع کند آبستن شود سفوفی که بول براند
حرقة بول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیار مغز تخم کدو و تخم خرفه خشخاش نشسته
کثیرا و رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه
درم باشراب خشخاش سفوفی که نفث دم را نافع باشد صفت آن گل ارمنی صمغ عربی
کلنار دم الاخوین کندر از هر یک نیمدرم کوفته و بیخته باده درم رب به بنوشند
سفوفی که قی بلغمی را قطع کند صفت آن کندر مصطکی از هر یک پنجدرم عود خام
پنجدرم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه سعد نعناع از هر
یک چهار درم پوست ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم

سنبل و آمله از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم
سفوفی که شهوات طین و شهوات ردیه را نافع باشد صفت آن انیسون تخم کرفس
زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل پنجدرم کوفته
و بیخته شربتی هر صبح و شام یکمثقال سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن مصطکی
زیره کرمانی نانخواه فاقلتین سادج نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند
سعوطات که صداع گرم و خشک را نافع بود صفت آن آب کاهو و روغن نیلوفر از
هر یک جزو و شیر دختران دو جزو بیکدیگر ممزوج ساخته در بینی چکانند سعوطی که در رنج
و درد چشم اطفال را نافع بود صفت آن کندش حضض کندر از هر یک یکدرم صبر
زعفران مر از هر یک نیمدرم کوفته و بجز بر بیخته کلو لهابسازند و بوقت حاجت
بشیر دختران یا روغن گل بنفشه یا دام ... بند در بینی چکانند سعوطی که بلغمی و
ریحی و درد را نافع باشد صفت آن صبر کندر حضض چند بید ستر زعفران صعتر
از هر یک یکدرم کندش مشک نیمدرم کوفته و بیخته باب مرزنجوش ... بند در
چکانند در بینی سعوطی که سکته و لقوه را سود دارد صفت آن زهره کلنگ باب

مرزنجوش با آب سداب سائیده با جندبیدستر با ماء العسل در بینی چکانند

سعوطی که صداع حار را نافع باشد صفت آن روغن بنفشه بادام روغن نیلوفر
روغن کدو و آب کاهو و آب کاسنی شیر دختران ساوی بهم بیامیزند و در بینی
چکانند سعوطی که سرسام و صداع حار را نافع بود صفت آن آب سعد و عرق بید
صندل کافور یکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی که فالج ولقوه را سود
دارد صفت آن صبر شونیز بوره ارمنی ساوی در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند
سعوطی که شقیقه سردا را نافع است صفت آن روغن بادام با آب مرزنجوش حل
کرده در بینی چکانند سعوطی که صداع بارد و نسیان را سود دارد صفت آن
جوزبوا دارچینی ترکی قرنفل مرزنگوش از هر یک یکمثقال بسباسه چهار مثقال کوفته
و بیخته با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که خنازیر را نافع بود صفت آن بسباسه
کادیان از هر یک یکدرم زهره خارپشت و کافور از هر یک یکدانگ و نیم زعفران
نیمدرم کندش دو درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که همین خاصیت
دارد صفت آن دار فلفل مامیران شیطرج از هر یک یکدرم شکر [illegible]

فنجنکشت از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که فالج ولقوه و شقیقه و
جمیع امراض بارده و رطبه را که در سر و چشم باشند سود دارد صفت آن حضض و مر از هر یک
ده درم عدس و صعتر از هر یک پنجدرم سداب و زهره کلنگ و جاوشیر و جندبیدستر
و شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران از هر یک دو درم صبر و فرفیون از
هر یک نیمدرم کوفته با آب قرصها سازند هر یک بمقدار عدسی در وقت حاجت
یکی از آن با آب مرزنجوش و روغن بنفشه بادام سائیده در بینی چکانند سعوطی
که رعاف را نافع باشد صفت آن کاغذ سوخته پوست مرغ سوخته اقاقیا باز و در
سرکه انداخته و سوخته پوست انار ترش کندر مرصاف سوخته شادنج مغسول
کافور از هر یک قدری با آب بادروج در بینی چکانند سنون [illegible] ضعف اسنان را
نافع باشد صفت آن سورنجان و قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید
گل سرخ مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد
صفت آن پوست هلیله زرد سونک هندی از هر یک پنجدرم قرفه پانزده درم
داجبر سعد از هر یک سه درم شیبانی و سماق از هر یک ده درم عاقرقرحا

هفت درم نوشادر دارفلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم گل کرسنه مثقال قاقله
و گلنار از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که حافظ صحت اسنان است صفت آن شاخ گوزن محرق کزمازج سعد سنبل
از هر یک چهار درم نمک اندرانی کوفته یکدرم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که دندان متحرک را محکم سازد صفت آن گلنار شب یمانی آمله اقاقیا ساذج کوفته
و بیخته سنون سازند سنون دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شب یمانی گلنار کزمازج
ساذج کوفته و بیخته بسرکه برشتند در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و
سنون سازند سنونی که نافع است بجهت درد دندان که سبب آن ورم لثه
باشد صفت آن تخم مرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا
کافور ساذج کوفته و بیخته بلثه دندان افشانند بعد از آنکه یک ساعت گلاب و
سرکه را در دهن نگاه داشته باشند سنونی که بیخ دندان سخت کند و خون باز
دارد صفت آن شاخ گوزن محرق نمک اندرانی محرق پوست هلیله زرد گل سرخ
از هر یک دو درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه دندان افشانند سنونی

که دندان را محکم کند و خون رفتن باز دارد و بوی دهن خوش کند صفت آن بلیله آمله
مقشر گل سرخ گلنار اقاقیا شب یمانی قرط طباشیر عاقرقرحا ساذج کوفته و
بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد صفت آن شب یمانی
محرق یکدرم نمک بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی درد دندان را نافع باشد بوی دهن خوش کند صفت آن [illegible] ابهل جوز السرو
عاقرقرحا ساذج کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناسور بن دندان را اصلاح
آورد صفت آن بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو سماق
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که زردی و سیاهی
از دندان ببرد و بوی دهن خوش کند صفت آن کزمازج زنجبیل زبد البحر دارفلفل
قاقله از هر یک دو درم نمک بریان کرده ده درم جو سوخته هفت درم کوفته و بیخته
سنون سازند سنون کافی خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهن خوش کند
صفت آن شب یمانی پنج درم پودنه کوهی ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که نافع است از جهت درد دندان که سبب آن رطوبت باشد صفت آن فلفل

دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل سورنج از یک یکدرم کوفته و بیخته
استعمال باید سنون که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت آن سعد گل سرخ
از هر یک پنجدرم کلنار کزمازج فوفل از هر یک سه درم دم الاخوین کندر قرنفل و
نمک اندرانی مصطکی پودنه محرق از هر یک دو درم عود خام یکدرم کوفته و بیخته استعمال
باید سنون که بیخ دندان سخت کند و خون رفتن باز دارد صفت آن پوست انار ترش
ده درم شب یمانی هشت درم عاقرقرحا گل سرخ کزمازج سماق از هر یک چهار درم نمک
هندی پوست هلیله زرد از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون
که خون رفتن را از بیخ دندان باز دارد صفت آن کات هندی فوفل کلنار گل سرخ سماق
دم الاخوین سادی کوفته و بیخته شب بپاشند و صباح بگلاب و آب سماق
مضمضه کنند سنون که دندان سیاه شده را سفید کند صفت آن پوست هلیله
زرد ده درم فلفل چهار درم حاماما درم ساذج هندی دو درم مازو [illegible] سوخته
هشت درم کوفته و بیخته بر دندان بمالند سنون که لثه محکم گرداند نشف رطوبات
کند صفت آن کلنار ده درم نوشادر دو درم سورنج سه درم مازو یکدرم پودنه

سوخته ده درم نمک بعسل سرشته و سوخته ده درم کوفته و بیخته استعمال باید بیند
سنونی که دندان را جلا دهد و لثه را محکم گرداند و بوی دهان خوش کند صفت آن
شب یمانی سوخته دو درم شیح سوخته و نمک اندرانی و زبد البحر و جو سوخته و
چوب تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا چهار درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنون که خون باز دارد و لثه را محکم گرداند صفت آن گل کز آمله از هر
یک سه درم عصاره لحیة التیس گل مختوم اقاقیا از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم
کوفته و بیخته استعمال باید سنون که دندان را سفید گرداند و بوی دهن خوش
کند صفت آن زبد البحر ده درم نمک بریان کرده دو درم عود سوخته و جو سوخته
و سفال چینی و کزمازج و کلنار و عاقرقرحا و قرنفل و ساذج و گل سرخ و سعد و
سماق از هر یک پنجدرم زراوند طویل سک حب الآس از هر یک سه درم کوفته
و بیخته در دندان مالند سنون که چون در محل داروی آتشک مالیدنی بر دهن و
بیخ دندان افشانند منع خوردگی دهن کند و اگر دهن جوشیده باشد استعمال
باید بصلاح آورد صفت آن زراوند مدحرج برگ مورد کندر سعد کلنار بخور [illegible]

دم الاخوین مازو مساوی کوفته و بیخته استعمال نماید سنونی که قلاع را نافع بود و
بوی دهن خوش کند و بیخ دندان محکم سازد صفت آن نشاسته ماميثا طباشیر تخم
گل سرخ لسان الحمل پوست هلیله زرد گلنار برگ زیتون کزمازج شب یمانی مساویا
کوفته و بیخته استعمال نماید سنونی که آکله و ناسور بیخ دندان را نافع باشد و خون
رفتن باز دارد صفت آن نوشادر بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته
و بیخته استعمال نماید سنونی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بیخ سوسن عاقرقرحا از
هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو و سماق از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنونی که دندان متحرک را محکم سازد صفت آن توتیا شب یمانی
نشاسته گل سرخ سماق پوست انار ترش استخوان هلیله زرد گلنار مازو کزمازج
مساوی کوفته و بیخته بر بخته آن افشانند سنونجان که دهن و لثه را نافع باشد
صفت آن پوست انار ترش و شیرین از هر یک سه درم مازو و گلنار شب یمانی
کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک هندی و
نوشادر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بسرکه تر شند ۲۲۱ و گلوله ها سازند و

در سایه خشک کند و در وقت احتیاج دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند
سنونجان دیگر استرخا و ورم لثه را نافع بود و دندان را از چرک پاک کند صفت آن
پوست انار دو درم گلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مازو از هر یک یکدرم کوفته و
بیخته استعمال نماید باب ششم شراب افسنتین معده را از اخلاط فاسده پاک کند صفت آن
افسنتین رومی پنج درم ورق گل سرخ بیست درم ترید سفید ده درم در ده من آب
بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب افسنتین
بنوعی دیگر معده ضعیف و جگر سرد و سپرز را سود دارد و طبع نرم کند و بادها
روده را دفع کند صفت آن افسنتین ده درم سنبله بیست درم تخم کرفس سی درم در
دو من آب بجوشانند تا به نیمه آید و یکمن قند بشربت بپزند شراب افسنتین نسخه دیگر
افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ سلیخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی
و سنبل از هر یک هفت درم در دو من آب بجوشانند بغیر از مصطکی و صاف
کنند و یکمن و نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی صلایه کرده بان ممزوج سازند
شراب افسنتین که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم را زایل کند صفت آن

ورق گل سرخ هفده درم شاهتره افسنتین از هر یک پنج درم آلو سیاه بیست
عدد تمر هندی بیست عدد درم مویز منقی سپیدانه در ده من آب بپزند تا به
نصف آید صاف سازند و نیم من شکر سفید در ان حل کنند و بقوام آورند
شربتی ده درم با یک درم صبر سقوطری شراب سعال سرفه کهنه را بغایت مفید بود
و سینه را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع بود صفت آن
انجیر سفید شش وقیه باز عنصل یک وقیه مویز منقی ده وقیه انیسون نیم وقیه خل الخمر
و آب [illegible] در بجوشانند و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه
کنند و بقوام آورند شراب فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را
قوی گرداند صفت آن آب سیب آب به و آب انار ترش و شیرین و آب امرود
از هر یک یک جزو و آب زرشک و آب سماق و آب غوره و آب زعرور
از هر یک نیم جزو بجوشانند تا بثلثی آید و آن مقدار قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شراب ترش و شیرین قی باز دارد و صفرا
دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن آب انار ترش و شیرین دو من نعناع تازه …

دو ساخه عود خام آمله مصطکی از هر یک ده درم پوست بیرون پسته پنج درم
کوفته در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یکمن قند بقوام
آورند و بعد از آن مصطکی صلایه کرده اضافه نمایند شراب منعنع قوای نشانده قی
باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین با شحم بکوبند و آب
آن بگیرند دو من و یکمن قند و یک وقیه آب نعناع اضافه کنند و بقوام آورند شراب
آلو صفرا و بلغم دفع کند صفت آن آلو سیاه صد تمر هندی یکپاو یک زرد سفید
و بنفشه از هر یک بیست درم در کوبه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یکمن آید
و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده اضافه نمایند شربت بپزند و فرود کنند
و یک مثقال سقمونیا در ان حل کنند شراب خشخاش منع نزلات کند و ربو و سینه و درد
شش را نافع بود و بیخوابی را زایل گرداند صفت آن خشخاش با ملوک با پوست
صد عدد و نیم کوفته کنند و با دو من و نیم آب باران بپزند و بپالایند و با
یکمن و نیم قند شربت بپزند و اگر از خشخاش بی پوست بپزند بیست مثقال تخم
خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند بقوام آورند اولی آن بود که با پوست

بپزند شراب سیب اصفهانی معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی باز دارد
و اسهال صفراوی باز دارد صفت آن سیب اصفهانی اندرون و بیرون
پاک کرده در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب بگیرند ده من و بجوشانند
تا بدو من آید و یکمن قند بقوام آورند شراب سفرجل دل را قوت دهد و معده را
قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد و قی و غثیان باز دارد
صفت آن به ترش و شیرین اندرون آن پاک کنند و آب آن بگیرند و هر پنج
من آب یکمن قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع
بود و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد صفت آن ریباس را
سر و دنبال بکارد چوبین بیندازند و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و
و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا بثلثی آید و زمانی بگذارند
دیگر باره پالایند و هر یکمن آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند
شراب حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان
گرم را نافع بود صفت آن آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت بپزند چنانکه

شیر گاو بخورد تا [illegible] روز [illegible]
مجرب است

ریبست شراب لیمو معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی
باز دارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار کند صفت آن مانند حماض است
شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد و درد سر که از گرمی باشد
ساکن گرداند صفت آن آب نارنج یکمن بجوشانند تا بنصفی آید و کف
زرد آن بگیرند و با دو من قند شربت بپزند شراب غوره که تشنگی بنشاند
و تب گرم را سود دارد و خمار را دفع کند صفت آن آب غوره بگیرند و
بجوشانند تا بنصفی آید و کف آن بگیرند و زمانی بگذارند دیگر باره بپالایند
و هر یکمن آب یکمن قند سفید اضافه کنند و شربت بپزند شراب عود
معده را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و هاضمه را قوی گرداند
صفت آن عود هندی و دارچینی [illegible] از هر یک ده درم سنبل و قرنفل و
مصطکی و جوزبویا از هر یک دو درم مجموع بکوفته در کیسه کتان گیرند و
در سه چهاریک گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا آن قوت
بگلاب دهد و یکمن قند بقوام آورند و آن گلاب بر سر آن ریزند و دیگر

باره بجوشانند تا بقوام آید وفرو گیرند و نیم درم مشک خالص سوده دران حل کنند شراب حب الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن

حب الآس تازه و خشک از هر یک پنجاه درم قرط و طراثیث از هر یک ده درم آب به و آب سیب و آب انار از هر یک یکمن دارد هارا کوفته دراین آبها بجوشانند تا بثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس نسخه دیگر اسهال با سرفه را نافع باشد صفت آن حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا شود و بپالایند بهر دو جزو ازان ده جزو قند سفید اضافه نمایند و اگر قدری طباشیر سفید سوده دران حل کنند بهتر باشد

شراب دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن

تخم کاسنی نیکوفته و ورق گل سرخ از هر یک بیست درم بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال

ابونجر

ریوند چینی سائیده دران حل کنند شراب زوفا سرفه بلغمی را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد صفت آن عناب سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان هفت درم تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج درم مویز منقی پنجاه دانه اصل السوس و زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه نمایند و بعضی پنج درم فراسیون داخل می‌کنند شراب تمر هندی معده را قوة دهد و طبع را نرم کند و صفرا بشکند و قی باز دارد صفت آن تمر هندی نیمن بجوشانند و شیره اش بگیرند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم را ببرد و جگر حار را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن صندل سفید سائیده بیست مثقال در گلاب و خیار شنبر نیم شبانروز و بعد ازان جوشی به دهند و شیره آن بگیرند و با یکمن قند شربت ببندند شراب الجبر کرده و مثانه را نافع بود و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و درد پشت زایل کند صفت آن جزر خوب ده من در پنجمن آب

بپزند تا یکمن و نیم شود و باز یکمن نخود سفید در پنج من آب بپزند تا یکمن و نیم آید
و هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و یکمن و نیم عسل صاف بر سران ریزند و کنند
دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک یک درم زعفران نیم درم
در کیسه بسته دران اندازند و بجوشانند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه
ذات الجنب و ذات الریه و تب و سرفه و صداع و درد چشم و درد گرده را
نافع بود و بول را براند و سینه را نرم کند صفت آن بنفشه تازه یکچاریک
بجوشانند و بپالایند و با یک من قند به پزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک وقیه بنفشه خشک
بگیرند و باید که بسیار بجوشانند شراب نیلوفر صداع حاره و تبهای صفراوی را و سرفه و
ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود صفت آن گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه بود یکچاریک
بجوشانند و با یکمن قند شربت بپزند شراب عناب ثائرا و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه
و غلبه خون را نافع باشد صفت آن عناب جرجانی یکچاریک بر دو من آب بپزند
و بدست بمالند و صاف کنند و مبالغه و با یکمن قند شربت بپزند شراب
گاوزبان دل را قوت دهد و سودای مراقی را بغایت نافع بود و خفقان

را زایل کند صفت آن آب گاوزبان تازه یکمن با یکمن قند سفید بجوشانند و
کف بر دارند و بقوام آرند و بیست مثقال گلاب دران ریزند و فرو گیرند و اگر
گاوزبان تازه نباشد یکچاریک خشک کنند شراب بادرنجبویه دل قوت دهد و خفقان
سرد را نافع بود و توحش سوداوی را زایل کند صفت آن بادرنجبویه تازه بستانند
و آب آن بگیرند یکمن و با یکمن قند بشربت بپزند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال
خشک کنند شراب هلیله اوجاع مفاصل و تبهای گرم را نافع بود و طبع را گشاید
صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی کنند و آب بر سران ریزند
و سه روز دیگر در آفتاب نهند و آب اول و دوم بهم بیامیزند و صد و پنجاه مثقال ترنجبین
دران حل کنند و صاف سازند و بر سر آتش نهند و بقوام آرند و فرو گیرند و یک مثقال
سقمونیا سوده دران حل کنند شرابی که فواق نشانند خاصه آنچه از پس طعام
آید صفت آن زیره کرمانی انیسون فودنه کنند از هر یک ده درم در دو من آب
بجوشانند تا بنصف آید و بپالایند و جرعه جرعه بنوشند شراب لیمون ریگ از
گرده و مثانه پاک کند صفت آن لیمون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و بپالایند

جزو دیگر بند در روغن کنجد بکرد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کدو عسر البول را

نافع بود صفت آن خسک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال و نیم کوفته بجوشانند و بپالایند و

یک چهار یک روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کدو

بو ئیدن و مالیدن سرسام و مالیخولیا را نافع بود صفت آن کدوی تازه را بستانند و پوست آن

بخراشند و با تخم و شحم بکوبند و آب آنرا بگیرند چهار من بکمن روغن کنجد بر روی آن بریزند

پس بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آنست که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند

مانند روغن بادام روغن بیکان فالج و درد زانو را نافع باشد صفت آن آب بیکان دو جزو روغن

کنجد بکرد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند صفت آن برگ لاله

از نبات آن جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر روی آن ریزند و بگاه در آفتاب بدارند

روغنی که درد گوش را که از گرمی باشد زایل کند صفت آن روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنجدرم

سرکه کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند در گوش چکانند

روغن کندر درد گوش که از سردی بود زایل کند صفت آن کندر پنجدرم صبر مصطکی چند بید ستر

حضض مکی زهره گاو از هر یک یکدرم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه را

و یکمن قند شربت برند شراب آبی معده و جگر را نافع بود و بادها را دفع کند و باب

مفاصل را سود دارد صفت آن پوست بیخ کاسنی پنجدرم تخم کاسنی پوست بیخ را

زیانه از هر یک بیست درم رازیانه تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم

تخم کشوث در کتان بسته پنجدرم بجوشانند و بپالایند و با یکمن و نیم قند شربت

برند شراب دیگر مسهل صفرا بود و تبهای مرکبه را نافع بود صفت آن ورق گل سرخ نیم من

نیم من در آب بجوشانند تا بهفت من آید بپالایند و نیم من دیگر برگ گل در آن آب بجوشانند

و دیگر بپالایند چند نوبت همچنین کنند تا یکمن آید صاف کنند و با یکمن قند شربت

برند شربتی پنجدرم با ده درم سکنجبین در آب یخ یا برف شراب توت درد گلو و خناق را

نافع بود صفت آن آب توت سیاه بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به نیمه آید و

بهر پنج رطل از آن سه رطل قند صاف اضافه کنند و بقوام آورند شراب انار

جگر را قوت دهد و تشنگی نشاند صفت آن انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید

و بهر یکمن از آن یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب عنبر درد معده و اعصاب

را سود دارد و خفقان بارد را زایل کند صفت آن عسل ده من در دو من آب

بجوشانند

کوفته با شراب در روغن بجوشانند تا روغن بماند و بپالایند و در گوش چکانند روغن ... معده را
قوت دهد صفت آن روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند و ده درم مصطکی صلایه کرده بر وی
ریزند و دیگی را تا نیمه آب کنند و آن شیشه را در میان دیگ آویزند و آتش کنند تا آب بجوشد
چندانکه مصطکی گداخته شود روغن مورد موی را سیاه کند نگاه دارد و آنچه ریخته باشد برویاند
صفت آن بگیرند مورد سه جزو روغن زیت یکجزو و با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک آنکه آب
برود و روغن بماند قدری روغن لادن اندازند تا بگدازد و فرو گیرند روغن دیگر که موی را ... قطعت
کند صفت آن پوست هلیله کابلی مازو برگ مورد از هر یک جزوی در شراب ریحانی خیسانند
یک شبانروز پس بپزند و بپالایند و بگیرد روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن
ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی چرب کنند و
صباح در حمام بشویند روغن دیگر که موی را سیاه کند و دراز کند و از افتادن نگاه دارد
صفت آن سادج هندی حاما حضض مکی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته و بیخته در سه
رطل آب بپزند تا بر طلی آید دیگر رطل روغن کنجد بران ریزند و بجوشانند تا آنکه آب
برود و روغن بماند و هر روز سر را با آب چغندر بشویند و این روغن را بمالند روغن دیگر

که موی را

که موی را سیاه کند و تا نشستاه سیاهی آن باید صفت آن بستانند جوز هندی و سر آن بر گیرد
و مغز آن بیرون کند و هیجده درم از آن مغز با ده درم آمله و ده درم براده آهن و پنج درم بوره ارمنی
در هم بسایند خرد و در میان آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز را در گل حکمت
گیرند و در میان آتش کنند تا یک ساعت نجومی بگذرد و بعد از آن بیرون آورند و در روغنی
که از آن زاینده شود در موی مالند که مقصود حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق
النسا و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن برگ حنا یک چهار یک در ده من آب بجوشانند
تا یک من آید و بپالایند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند روغن آمله موی را
سیاه کند و قوی گرداند صفت آن آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر سادی کوفته
در آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و هم چندان روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند
تا روغن بماند روغن بیضه و هفته بر سر موضع که مالند مو بروید صفت آن بگیرند یکخربزه سوراخ
کنند و دانه از آن بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون آن خربزه ریزند با پنج
سیر روغن زیت و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم و سوراخ
خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شب در تنور نهند و روز دیگر بیرون کنند و گل

از آن جدا کنند و این جوزه را با روغن زیت بمالند تا نرم شود در روغنی که سحر بافراط آورد
چون بر پی بمالند صفت آن نوشادر یک نقطی تخم شبدان تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج مساوی
هم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا مهرا شود پس صاف کنند و با هم چندان آب روغن کنجد
بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن بسعده قوت دهد و حبس عرق کند اگر بر روی
کنگات کنند و باز خورند اسهال باز بندد صفت آن آب به دو جزو آب برگ مورد یکجزو روغن
گل یکجزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن مازریون استسقا را نافع باشد صفت آن
برگ مازریون یکچارک در سه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه وقیه روغن بادام در آن املند
بجوشانند تا روغن بماند شربتی یکدرم با شیر شتر اعرابی روغن بنفشه بادام سرد و تر و خوب را مالیدن
نافع بود و صلابه مفاصل را نرم کند و در ناخن مالیدن صحت از نقاه دارد و دفع بیخوابی کند
صفت آن مغز بادام شیرین که تلخ در میان نباشد سفید کنند و دو نیمه کنند و
خشک گردانند و هر دو من بادام یکمن بنفشه خشک بر روی بریزند و در خریطه کرباس
نو ده روز در میان دیگ بید رها کنند و بعد از آن بید را رها سازند بنفشه
تازه بی علف بر روی بریزند هر هفته دیگر باره بنفشه تازه بر روی بریزند

و چند روز در

و چند روز در زیر جامه خواب کنند تا بنگ بوی بنفشه بگیرد و بعد از آن معلق بیاویزند تا بنگ بهو
خشک شود و بنفشه از آن جدا کنند و روغن از آن بکشند چنانکه رسمست روغن گل بادام
معتدل بود در حرارت و برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال صفراوی بازدارد
و درد سر را که از گرمی بود سود دارد و چون در آب سرکه بریزند صاحب جرب و حکه بمالد
صفت آن چون بنفشه بادام است بجای بنفشه ورق گل سرخ کنند هر ده من بادام یکمن روغن
ورق گل کنند روغن گل گل سرخ و سفید و شقایق و زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت و
بابونه و هرچه تازه باشد دستور آنست که شبیه کنند بگرد و در و دیگر روغن بر روی بریزند
و در آفتاب آویزند روغن آجر که آنرا دهن المبارک خوانند خواص بسیار دارد و گرم‌تر از
نفط سفید بود و لطیفه امراض بارده را بغایت سود دهد بود جهته گزیدن عقرب و کسی
که بزر البنج و افیون خورده باشد نافع بود صفت آن آجر سرخ آب ندیده بادام‌اندام کنند و
در آتش اندازند تا سرخ شود و به ابتر برگیرند و در روغن زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و
خرد کنند و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و قرعی بر وی انبیق بگیرند و بقلگی
نهند که سوراخ در ته آن باشد و محکم کنند و آتشی در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه نهند

در روغنی که بچکد نگاه دارند روغن زیت مفاصل را نافع بود صفت آن سورنجان مقشر و اکرفس تازه
از هر یک ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره نیم کوفته بخیسانند یک
شبانروز و روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس تازه بدو با یک چهاریک
روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کراث بواسیر را نافع باشد صفت آن
آب گندنا بکمن روغن کنجد نیم باده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن نوره
جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد و چون کف پا را بدان چرب کنند صفت آن نوره هندی
از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن دراز کنند و سر شیشه را بموی
اسب محکم سازند و شیشه بگل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد چهار
تا بند و پیچ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر شیشه
پیاله نهند و کاسه بر بالای سه پایه نهند و آتش را بالای شیشه کنند و در اندرون کاسه
و روغنی که … ازان بچکد نگاه دارند روغن عقرب سنگ مثانه را
پاره پاره کند و بیرون آورد صفت آن ریوند چینی سعد هندی … با پوست بیخ کبر از هر یک
یکوقیه روغن … یک رطل دارد و اکوفته در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یک

هفته در آفتاب نهند و بعد ازان بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه را ببندند
و یک هفته دیگر بگذارند پس بپالایند و دو قطره ازان در احلیل چکانند روغن بابونه منقول از قانون
اوجاع بارده احشا و قولنج و مغص ریحی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش را
ساکن گرداند و چون بر بینی چکانند صداع و شقیقه بارده را سود دهد و رنگ را خوب
گرداند و رحم را گرم گرداند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد و این اثر در غیرها
ست و منافع این بسیار است صفت آن ناردین قصب الذریره سعد و ورق الغار عود
بلسان لک ساذج هندی برگ مورد اذخر اهیل راسن قردمانا مرزنجوش مساوی نیم
کوفته در شراب و آب خیسانند یکشبانروز روز دیگر صاف کنند و با روغن کنجد بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن ناردین نسخه دیگر اورام صلب معده را نافع باشد صفت آن
روغن بان یک رطل سنبل نیم اوقیه مصطکی قسط سعد ناردین اذخر قصب الذریره از هر یک
یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند و سرش را محکم سازند و یکهفته در آفتاب بگذارند و
بعد ازان صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن ریزند و هم چنین تا سه نوبت بعد ازان
صاف کرده استعمال نمایند دهن … سنگ کرده و مثانه بریزاند صفت آن بگیرند

عقرب را در آتش نکه کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند شش ساعت پس بیرون آرند کوفته

دیگر بیخته بکار برند آنکه استعمال باید باب الی از زعونی مصطکی آمله منقا از هر یک یک مثقال پوست برون

بسته سه مثقال خصیة الثعلب ده مثقال شقاقل مصری یکمثقال بهمن سرخ و سفید یکمثقال خولنجان

سه مثقال نودری چهار مثقال زنجبیل دو مثقال مغز پسته مغز فندق نارجیل از هر یک سه مثقال

مغز چلغوزه یکمثقال مغز تخم خربزه یکمثقال تخم هلیون سه دارچینی بسباسه جوزبوا سه مثقال کبابه چینی

زرنباد از هر یک دو مثقال ماهی زبان یکمثقال مایه شتر اعرابی سه مثقال تخم جرجیر سه مثقال

تخم اسپست سه مثقال گاوزبان درونج عقربی ابریشم مقرض از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال

نبات سفید بیست مثقال عسل کف گرفته وزن ادویه **زعونی** ثبت کرده را محکم و معده

قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب از دهن رفتن باز دارد و باد

بشکند و در یک ماه مثانه پاک کند و منی بیفزاید **صفت آن** تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم شبت نانخواه

رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ تخم کرفس از هر یک یکمثقال عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی عود خام

از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفلمویه از هر یک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه وزن

ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند داروها کوفته و بیخته بآن برشند و بعد از دو ماه استعمال کنند

شربتی دو مثقال **زعونی** منی بیفزاید و باه را قوت دهد و ثبت کرده را محکم سازد و در امر جماع

عظیم نافع باشد **صفت آن** تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ

تخم کرفس مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه از هر یک یکمثقال بسباسه قرنفل

فلفلمویه عاقرقرحا کبابه زنجبیل تخم اسپست تخم جرجیر تخم بادرنجبویه حب الرشاد الجزر تخم کندنا خولنجان

جوزبوا کل قرفه دارفلفل از هر یک سه درم قرفه زعفران کندر مصطکی عود از هر یک چهار درم

تخم هلیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل لسان العصافیر از هر یک پنج درم بصل الفار بریان

کرده خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک نر خسک برّی کشنیز از هر یک ده مثقال

عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم مثقال بوزن ادویه عسل بوزن مجموع قند طبرزد معهود معجون سازند

کرم مزاج دو مثقال بخورند و از عقب آن ده درم شیر تازه و ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامند

سفوف جلی مسهل معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد و قولنج نگذارد **صفت آن** به

اصفهانی از پوست و دانه پاک کنند نیم من در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا شود و از غربال

بیرون کنند و یکمن عسل صاف بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها

کوفته و بیخته بآن برشند زنجبیل دارفلفل قاقله صغار و کبار دارچینی زعفران از هر یک سه

درم مصطکی پنج درم زربد سفید بیست درم سقمونیا ده درم شربت از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت
قولنج نافع باشد سفوف تبهانی صاحب مزاج گرم را نافع باشد و در فصل گرما توان داد از این
جهة مجدد ذکر با این را سفوف تبهانی نام نهاد صفت آن سقمونیا دو درم و نیم زربد سفید
ده درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک پنج درم ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک دو درم و نیم
ترنجبین و عصاره به از هر یک پنجاه درم آب به و ترنجبین بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته
شود و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و این جمله ده درم شربت
سفوف ممسک شکم ببندد و معده را قوت دهد و دفع قی کند و لون را نیکو گرداند و ا
تشنهای طعام آورد صفت آن به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیمی در سرکه بجوشانند
تا مهرا شود و بعد از آن بکوبند و نیمی عسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و فرود گیرند
و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل فلفل دارفلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه
زعفران از هر یک دو درم شربت چهار مثقال سکنجبین بادهای غلیظ دفع کند و درد دندان
و قولنج و عسر البول بلغم را سود دارد و سده جگر بگشاید و صلابت را تحلیل کند و معده
را گرم گرداند و تخمه را نافع بود و سرد مزاج را موافق باشد صفت آن چند بدسته دار چینی

افیون اسارون موسود و قوا از هر یک فلفل دارفلفل بارزد قسط از هر یک شش درم زعفران
نیم درم بارزد را در عسل بگدازند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربت یک مثقال تا دو درم با آب گرم سکنجبین بساده که صفرا را دفع کند و محرور مزاج را موافق
باشد و تبهای حاده و جگر گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند و سده جگر و سایر بدن بگشاید
و بول براند صفت آن قند سفید یک من در دیگ کنند و یک چارک سرکه صاف بر روی آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر سر آن ریزند و فرود گیرند سکنجبین بزوری
بارد سده جگر را بگشاید و بول براند و استسقاء و تبهای حاده را نافع بود و تشنگی بنشاند
صفت آن پوست بیخ کاسنی هشت درم تخم از هر یک پنج درم نیم کوفته در آب و یک چارک
سرکه خیسانند یک شبانروز روز دیگر بجوشانند و بپالایند با یک من قند بقوام آورند و فرود
گیرند سکنجبین بزوری حار سده جگر و معده بگشاید و بول براند و فضول را از معده
پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس از هر یک
ده درم در آب و سرکه خیسانند چنانکه ذکر رفت و یک من قند اضافه کنند و بقوام
آورند سکنجبین ریوندی یرقان و درد جگر را که از گرمی بود سود دارد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته

بیست درم تخم شاهتره و تخم کشوث از هر یک ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته
در کیسه بندند و با ادویهٔ دیگر در دو من آب بجوشانند و زمان زمان کیسهٔ ریوند را
بدست بمالند تا شیره تمام باز دهد و بعد از آن صاف کنند و با یکمن قند و چهل
مثقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده درم با پنج درم گلاب سکنجبین ریوندی
بنوعی دیگر در درد جگر و سده بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن ریوند یک درم تربد سفید و بسفایج
فستقی تخم کاسنی تخم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون سه مثقال پنج درم مجموع را در دو من آب
بپزند و سه درم و دو دانگ زنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و بکار برند که
دیگر یکمن نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین بزوری معتدل سده و سپرز
و جگر بگشاید و بول براند و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس
از هر یک سه درم سه تخم از هر یک پنج درم پوست بیخ کاسنی و پوست بیخ رازیانه از هر یک
هفت درم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه خیسانند یکشبانروز روز
دیگر بجوشانند با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین نانی تبهای مزمنه و جگر و معده گرم را سود
دارد و تشنگی بنشاند صفت آن آب انار ترش و آب انار شیرین از هر یک نیم من

بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صافی یکجا ریک قند یکمن اضافه کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین سفرجلی معده و جگر را قوت دهد
اشتهای طعام آورد و سده جگر بگشاید و خفقان را مفید بود و طعام هضم کند
صفت آن آب به صاف کرده یکمن و یک چاریک سرکه و یکمن قند بجوشانند و بقوام آورند
و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب بود سکنجبین لیمویی که همین خاصیت دارد
صفت آن آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب لیمو از هر یکی مثقال قند سفید
یکمن بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را نافع باشد صفت آن ریوند چرد
غاریقون فوه پوست بیخ کبر پوست بیخ درخت بید گز بازرج و افتیمون عافث تخم کشوث
تخم کاسنی از هر یک ده درم در یکجا ریک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با
یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمونی مالیخولیا و اصحاب توحش جرع را نافع بود صفت آن
افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان پرسیاوشان
تخم کاسنی رازیانه تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاشا درق گل سرخ گل
قیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بازنجبویه زرشک درونج عقرب بهمن

سفید بسباذج هندی قاقله سنبل الطیب از هر یک سه درم گلقند آفتابی بوزن ادویه در
سرکه خیسانند یک شبانروز و بجوشانند با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین قیصوری دیگر اسطوخودوس رازیانه
تخم شاهتره از هر یک پنج درم افتیمون بسفایج فستقی سنامکی پوست هلیله کابلی از هر یک
ده درم و نیم کوفته در پنجاه درم سرکه خیسانند و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین نوه استسقا
و صلابه طحال و ورم صلب جگر را نافع بود و سده بگشاید صفت آن رازیانه پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کبر کاسنی انیسون پوست بیخ کاسنی خشک زوفا نوه غافث افسنتین از هر یک
ده درم تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم
در صد درم سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه
بلغمی را نافع بود صفت آن سرکه عنصل یکچاریک عسل مصفی یکمن بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین
عنصلی نسخه دیگر استسقا و درد پهلو که از سردی باشد و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام
بلغمی و ضیق النفس نافع باشد و سده جگر و سپرز بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت آن
سرکه عنصل یکمن زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا بوذنه دستر از هر یک ده درم
تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا از هر یک پنج درم ادویه را نیم کوفته کنند و در سرکه عنصل

و یکچاریک عسل صاف خیسانند و یکهفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند
و پیش از طعام سی درم استعمال باید سرکه عنصل بیخ دندان سخت کند و بوی دهن خوش
کند صفت آن بگیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند چنانکه
بیکدیگر نچسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود و بعد از آن در ظرفی کنند
و هر یکمن پیاز نه من سرکه کهنه داخل نمایند و دو ماه در آفتاب نهند و بکار دارند که مفید
بود سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد صفت آن گل سرخ و طباشیر از هر یک سه درم کشنیز
خشک دو درم پوست جو مروارید ناسفته کهربای شمعی از هر یک نیم درم کافور دانگی
کوفته و بیخته شربتی دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف درونج خفقان سرد را سود دارد صفت آن
درونج عقرب لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد دو درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با گلاب
شراب کهنه یا ماء العسل سفوف عود معده سرد و تر را سود دارد صفت آن قرنفل کبابه
از هر یک پنج درم سنبل الطیب مصطکی از هر یک سه درم عود خام بیست درم شکر
طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال با ده درم گلقند آفتابی سفوف قاقله شهوات طینی و شهوات
ردیه زنان حامله نافع باشد صفت آن قاقله صبر و کبابه مساوی شکر بوزن همه شربتی دو درم

باب کرم سفوف حماض تخم کاسنی تخم کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق گل سرخ و
طباشیر سادی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یکطسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند
سفوف کرنب که دفع سرعت بنی میکند صفت آن تخم کرنب مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ فودنه
از هر یک سه درم نانخواه نمک اندرانی سداب زیره کرمانی از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته در آب انار حل کرده باز خورد شربتی سه درم سفوف لیمون بادهای معده را دفع
کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن نانخواه تخم کرفس از هر یک پنجدرم
کندر چهار درم فقاح اذخر فوط و مصطکی از هر یک سه درم سپندان سفید سی درم
کوفته و بیخته با فانید بسرشند شربتی پنجدرم سفوف جوز اسهال بلغمی باز دارد صفت آن
جوز بریان کرده سه درم نانخواه یکدرم کندر نیمدرم کوفته و بیخته با آب گرم بنوشند سفوف
مقلیاثا بواسیر و مغص و اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع باشد صفت آن
تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانند و خشک کرده و بریان کرده پنج
مثقال برکنان و تخم گندنا و هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال
مصطکی یکمثقال مجموع کوفته و بیخته سوی تخم تره تیزک شربتی دو درم با آب سرد سفوفی که مس

سفوف که سلس البول را نافع است صفت آن بلوط پنج درم کندر سی درم کشنیز خشک
بریان کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک ده درم گلنار کزمازج از هر یک پنجدرم شربتی
سه درم با آب خالص که همین خاصیت دارد صفت آن کندر سعد خولنجان زیره
کرمانی شاه بلوط حب الاس سادی کوفته و بیخته بنوشند معده و جگر و اوجاع مفاصل
و هر مرضی را که سبب آن امتلا باشد نافع بود صفت آن نمک طعام سی درم فلفل
سفید بیست درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم فلفل سیاه تخم جرجیر نانخواه نوشادر
فودنه از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب گرم سفوف ورم جگر را نافع
باشد صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر یک چهار درم تخم کرفس انیسون را
زیانه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شیر شتر ورم جگر را سود
دارد و بول را نافع بود و براند تخم خربزه و تخم خیارین از هر یک پنجدرم تخم
کاسنی و تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه و تبالوس از هر یک
ده درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی یکمثقال لک مغسول چهار دانگ زعفران
و سنبل و مصطکی و دارچینی از هر یک یکدرم کافور دو دانگ شربتی سه درم

سفوف وردی نخود سفید پنجاه درم در سرکه در قدری آب حل کنند یک شبانروز و خشک کنند
و برنج شسته خشک کرده و نان میده خشک کرده از هر یک سی درم مغز بادام مقشر شش
درم کتک جو کتک گندم از هر یک سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد دو من
مجموع کوفته و بیخته در یکدیگر ممزوج سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند
سفوف آزموده از جهت زحیر مجرب است صفت آن تخم ترتیزک بریان کرده بزر قطونا بریان
کرده اهیل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم گندنا تخم شبت خشخاش
انیسون تخم کرفس بزر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی کوفته و بیخته سفوف
دو درم از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم را نافع باشد صفت طباشیر
گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شاه دانج عدس مقشر تخم خرفه از هر یک پنجدرم بشد کهربا
مرواریدنا سفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک سه
درم بزر قطونا بیست درم افیون دو درم مجموع کوفته و بیخته سوی بزر قطونا سفوف سازند
شربتی دو درم با آب باران یا آب برگ خرفه اگر حرارت قوی نباشد سه درم
کندر اضافه ای دارد نافع سفوف حب الرمان ضعف معده و امعاء و اسهال مراری

بسپا ... غار شتر

نافع بود و فضلهاء غلیظ را از بدن فرود آورد صفت آن صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از
هر یک یک مثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یک مثقال
حب غاریقون معده را بگشاید و استسقاء و امراض کبد را نافع باشد صفت آن افسنتین صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون چهار درم انیسون فطر اساالیون تخم کرفس دو و نیم از هر یک
دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص سرشته حب سازند شربتی دو درم حب غاریقون
نسخه دیگر که همین خاصیت دارد طبع را نرم کند چون یکدرم هر شب از آن بنوشند صفت آن
غاریقون ده درم عصاره غافث و ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب منتن فالج و لقوه و مفاصل و نقرس که از سرد پدید آید و وجع ظهر را نافع باشد
و بادهای غلیظ دفع کند و حیض بگشاید صفت آن سکبینج اشق جاوشیر مقل ازرق شحم حنظل صبر
سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت مساوی انزروت را در آب حل کنند و داروها
کوفته در آن حل کنند و حب کنند شربتی دو درم حب اصطمخیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ
پاک کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم امله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم
اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنجدرم ایارج فیقرا

نه درم قرنفل یکدرم فانید چهار درم فانید را در آب بگدازند و دو درم سقمونیا در آن حل کنند و اجزا
را کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب سازند حب دیگر صداع و درد چشم را نافع باشد صفت
آن صبر سقوطری پنج درم پوست هلیله زرد مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ
یکدرم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر که داء الثعلب را نافع باشد
و صفرا و سودا و بلغم را دفع کند صفت آن افتیمون چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی
افسنتین از هر یک دو مثقال تربد سفید دوازده مثقال انزروت بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال
کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند
صفت آن سکبینج شحم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم با آب سداب حب سازند شربتی
یکدرم حبی دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام خصیه را نافع باشد صفت آن تخم کرفس بزر [?] انیسون
مصطکی زعفران از هر یک یکدرم پوست هلیله کابلی امله سکبینج مقل از هر یک دو درم فطراسالیون
فودنه اذخر [?] اسارون از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب سداب حب سازند
و هر روز یکدرم تناول نمایند حب ماذریون استسقاء زقی را نافع باشد صفت آن ریوند چینی عصاره غافث
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم ماذریون مدبر نه درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو

درم حبی دیگر

جهت سودا

۴۴

درم حبی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن تخم ماذریون مغز بادام از هر یک پنج درم شکر یکدرم و نیم
کوفته و بیخته حب سازند حب خیزران خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا ده درم
غاریقون پنج درم و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد هفت درم جاوشیر یک مثقال نوشادر
دو درم سقمونیا یک مثقال کوفته و بیخته با آب گندنا بسرشند حب سازند شربتی هر روز یکدرم حب داء الفیل که
همین خاصیت دارد صفت آن سنبل سلیخه حب بلسان اسارون عود بلسان مصطکی اذخر
زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنج درم تربد سفید
هفت درم نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم از آن شربتی چهار درم بدهند
حب شیطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دارفلفل از هر یک یکدرم خردل سه درم شیطرج هندی
شحم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم فانید سنجری چهار درم با آب کرفس بسرشند حب
سازند شربتی سه درم حب غافث یرقان را و درد جگر را سود دارد صفت آن غافث
صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته و با آب کرفس بسرشند حب سازند
شربتی دو درم حب دیگر که بهق و برص و صرع و امراض سوداوی را

افیون مقل مصطکی
عصاره ریوند

را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا پنج درم افتیمون ده لاجورد مغسول هفت درم پوست هلیله کابلی

دو مثقال سقمونیا سنجم حنظل حب نیل سیاه از هر یک دو درم سنبل و انیسون از هر یک یک درم

کوفته و بیخته با آب کرفس سرشته حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره جرب را نافع باشد

صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه از هر یک پنج درم صبر سقوطری هفت درم

سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب مقل بواسیر را نافع باشد

صفت آن پوست هلیله زرد و سیاه صبر زرد از هر یک پنج درم هلیله کابلی و مقل پانزده درم

زبد سفید ده درم سکبینج پنج درم خردل دو درم مقل و سکبینج را در آب کند تا حل کنند و داروها

را کوفته و بیخته با آب برشتند حب مقل نوعی دیگر که شقاق را سود دارد و طبع را نرم کند و

محرور المزاج را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی بیست درم مقل ده درم کثیرا پنج درم انجره

مسحوق در آب بنهند تا مهرا شود و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته

بیخته با آن برشتند و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نسخه دیگر درد معده و امعا و بواسیر را نافع باشد

صفت آن هلیله سیاه هلیله آمله از هر یک جزوی مقل برابر همه در آب کند تا مقل را حل کرده

داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن برشتند و حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که چون به شب بستوالی

زرد چوبه افیون گشنیز اسفیداج ... آب نارنج آب غوره آب رازیانه زرشک آب تخمه هندی

بنوشند وجع بواسیر تسکین صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک

هندی صمغ مصطکی سورنجان اشق اسفید سیطرج نانخواه از هر یک یک درم سنبل زعفران

دارچینی زنجبیل فاقله سلیخه از هر یک پنج درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج دو درم مقل و سکبینج

را در آب کنند تا بگدازند و با دیگر ادویه را کوفته و بیخته برشتند و حب سازند شربتی دو مثقال حب الفاوه

بادها دفع کند و طبع را نرم سازد و قولنج را بگشاید صفت آن زنجبیل دارچینی قرنفل فلفل دارفلفل نانخواه

مصطکی از هر یک یک مثقال سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال همه را کوفته و بیخته حب سازند

هر یک بمقدار نخود در بر هر یک مجلس دفع میکند حب ابی استفراغ را نافع باشد صفت آن صبر

سقوطری دوازده درم افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل الطیب سلیخه زبد سفید مصطکی از هر یک

دو درم زعفران یک درم و نیم غاریقون سه درم حاما یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و نیم

حبی دیگر که بهق و برص را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا یک مثقال لاجورد مغسول سنبل انیسون سنجم

حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی ... درم و نیم

که بهق و برص را نافع بود . ایارهٔ فیقرا الی ... جورد سنبل افسنتین شحم حنظل کثیرا و سقمونیا

مصطکی از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند . ایارهٔ فیقرا بزرگ اسطوخودوس

تربد ملح هندی تربد سفید . بلیله زرد شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی با آب حب سازند

حب صرع . صبر یکدرم غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دانگی و نیم مصطکی

سنبل از هر یک دانگی حب ساخته بطبیخ اسطوخودوس خورند . حب ضعف . ایارهٔ فیقرا تربد سفید

از هر یک یکدرم حب الشبت ... از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون ... حب داء الثعلب از هر یک

نیم ... محموده کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند . حب الملک ...

ایارهٔ فیقرا الی ... درم غاریقون لاجورد مغسول ... بلیله زرد تربد ... از هر یک

مصطکی نیم درم سقمونیا دانگی ... طرح ... کثیرا از هر یک دانگی ... حب سازند

... را نافع است . ... بلیله زرد صبر سقوطری ادرم سقمونیا ... از هر یک

دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند . ایارهٔ فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم شحم حنظل

... حب ... از هر یک دانگی و نیم اسطوخودوس ... از هر یک نیم درم کثیرا دانگی کوفته

و بیخته با آب حب سازند . از ... صرع . ایارهٔ فیقرا تربد سفید غاریقون از ...

را از اخلاط و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع باشد و چون یکدرم ازین حب و یکدرم ایارج فیقرا

حب کرده بخورند چشم را روشن کند و مانع نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن بیرون آورد

صفت آن صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانگی و نیم مقل دانگی

کثیرا نیم دانگ با آب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه و فالج را نافع باشد صفت آن زنجبیل

فلفل دارفلفل شیره آمله سعد مصطکی دارچینی سنبل بلیله اسارون از هر یک دو درم صبر بیست درم

با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب القدر سرفهٔ کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض سینه

را نافع صفت آن غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس شحم حنظل ایارج فیقرا انزروت
از هر یک دو درم با آب خالص حب سازند شربتی یک مثقال بماء العسل حب الملوک نافعست کسی را که از اسهال
بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل را قی کند صفت آن تربد سفید یک درم و چهار دانگ غاریقون چهار
دانگ مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم کاشان فرنجمشک بادرنجویه محموده طباشیر
زعفران گل سرخ از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب سرشته حب سازند حب الملوک دیگر که قولنج
بگشاید و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن صبر سقوطری پنج درم تربد ده درم پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو درم مصطکی زعفران ساذج هندی فطراسالیون
راوند چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل فلفل جوزبوا اذخر کثیرا قاقله از هر یک پنج درم
سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی سه درم حب افتیمون اعضا
سر و معده را از سودا پاک کند صفت آن ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون
مقل از هر یک دو درم تربد شش درم محموده یک درم با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب
بسفایج بلغم و سودا را از معده و دماغ پاک کند صفت آن ایارج فیقرا ده درم بسفایج دو درم
شحم حنظل شش درم اسطوخودوس افتیمون از هر یک دو درم و نیم تربد سفید هشت درم سقمونیا

یک درم و نیم با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع امراض صفراوی و سوداوی را نافع باشد
صفت آن پوست هلیله زرد شش درم پوست هلیله و آمله مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک
دو درم ایارج فیقرا پنج درم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون
چهار درم کوفته و بیخته با آب کاسنی حب سازند شربتی سه درم حب السعال صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک
سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک دو درم مغز بادام مغز خشخاش سفید از هر یک چهار درم
شکر طبرزد فانید از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد
رب السوس مویز منقی از هر یک چهار درم اضافه نمایند حب السعال دیگر نافع است جهت اطفال را
که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد و نوازل حاده دفع کند صفت آن
نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش افیون بالسویه کوفته و بیخته بلعاب بهدانه هر حبی بمقدار یک نخود
حب السعال بارد مغز بادام مغز خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک یک درم رب السوس
دو درم باقلا سه درم بلعاب بزر قطونا حب سازند حب السعال حار پوست بیخ رازیانه پرسیاوشان تخم کرفس
رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته با آب حب سازند حب السعال دیگر که سرفه خشک را نافع باشد
صفت آن نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند

حب سعال دیگر که مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد صفت آن صمغ عربی کثیرا شکر بهدانه
تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک سه درم مغز بادام باقلای مقشر مغز تخم خیار مغز
تخم کدو از هر یک نیم درم بلعاب بزرقطونا حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند و آواز صاف گرداند
و حرارت و سرفه کهنه را نافع باشد صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده حلغوزه
از هر یک دو درم کثیرا نشوی صمغ عربی اصل السوس رب السوس از هر یک نیم درم فانید و قند
حب سعال دیگر از هر یک چهار درم با آب و مقدار عسل را زیانه حب سازند حب المشک بوی دهن خوش کند و لثه را قوت دهد
سینه را پاک کند صفت آن قرنفل فلفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک یکدرم گل سرخ صندل سفید هلیله از هر یک دو
درم طباشیر نیم درم مشک کافور از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب الکهنه
همین خاصیت دارد صفت آن فاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل هر یک یکدرم مشک
دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک مثقال سعد کوفی دو درم بگلاب حب سازند حبی که همین
منفعت دارد مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد کوفی سنبل الطیب پوست ترنج عود خام سادج کوفته
بآب زرد آلو حب سازند هر یک بمقدار نخودی در هر صباح و مسا یک حب از آن در دهن نگاه دارند
حبی دیگر که بوی بسیار و بخار از دهن ببرد صفت آن پوست ترنج قرنفل خولنجان زنجبیل کبابه

بسباسه سعد کوفی از هر یک پنج درم طباشیر سنبل الطیب هر یک نیم درم عنبر اشهب نیم مثقال هیل
سفید بگلاب سوده ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند و بدهان گیرند حبی دیگر که همان
عمل کند کبابه قرنفل طباشیر قرفه از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود یکدرم کوفته و بیخته بگلاب
که صمغ عربی در آن منقوع باشد بسرشند و حب سازند حب مقل کابلی که خون رفتن از بواسیر باز دارد
صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی امله مقل خرانه از هر یک دو درم مرجان کهربا دم الاخوین
از هر یک یکدرم مقل را در آب آهنگران حل کنند و داروها را صلایه کرده بآن بسرشند و حب سازند
شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سه درم
کهربا ده مثقال مقل برابر همه را بآب گندنا حل کرده و اجزا را کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند
شربتی دو درم حب ممسک طبیعت ببندد و خون رفتن باز دارد صفت آن سماق دو درم مازو
یکدرم پوست انار نیم درم حب الآس ده درم عجم زبیب سه درم کوفته و بیخته بالعاب صمغ عربی حب سازند
شربتی دو درم با آب سرد بدهند و از عقب آن پاره آب سرد باز خورند حبی دیگر که اسهال خون باز
دارد مازو دی بسر گلنار افیون سادج کوفته بآب حب سازند شربتی دو دانگ بدهند حبی که اسهال
بلغمی باز دارد صفت آن مر قرفه خبث حدید افیون کوفته و بیخته حب سازند هر یک مثقال فلفل ترنج

سه حب یا پنج حب بخورند حب الزحیر اسهال کهنه و زحیر را نافع بود کاهی که حرارت نبود باشد
صفت آن صندل سفید کثیرا اسارون میعه سایله بزر البنج سیاه کندر مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم
حبی که در ساعت شکم ببندد صفت آن افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل ارمنی سماق حب الاس از هر یک چهار
درم کوفته و بیخته با آبی که صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند شربتی یکمثقال حبی که تمام آورده
ربطوا انزال دائری تمام دارد صفت آن عود خام قرنفل کبابه چینی از هر یک سه درم زعفران نیم درم مالکو
دو درم دارفلفل تخم بادرنه مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند قوام آورده سرشته حب سازند
هر یک بمقدار نخودی حبی که سکن اوجاع است صفت آن مصطکی حب الغار بزر کتان زعفران دارفلفل
قرنفل صندل سفید کثیرا سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یکمثقال دانگی افیون یکمثقال و نیم بلعاب حب سازند
شربتی یکدرم باب چهارم حقنه اللینه حمیات و سرسام امراض حاده را نافع است و طبع نرم گرداند
صفت آن عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر نیم کوفته سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک
کفی انجیر زرد پنج عدد در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید بپالایند و شکر سرخ پنج درم روغن بنفشه
ده درم روغن کنجد ده درم آبکامه پنج درم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده
عدد اصل السوس دو درم سپستان سی عدد کنگر جو یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک بابونه یک کف

جمله را در

49

جمله را در سه من آب بجوشانند تا بیک من شود و صاف کنند و ده
درم لعاب بذر قطونا و بر آن ریزند و بیست درم روغن بنفشه بادام و ده
درم آبکامه و چهار درم بوره ارمنی و یک درم نمک هندی اضافه نمایند و بیست
درم شکر سرخ در آن حل کنند و به سه نوبت بریزند حقنه معتدل حلبه بزرگ
انجیر عناب بنفشه سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس گندم
از هر یک کفی بپزند چنانکه رسم است و بپالایند و ده درم فانید چهار درم
بوره ارمنی یک درم نمک هندی پانزده درم روغن شیرخشت اضافه کنند
و نیم گرم عمل نمایند حقنه حاده شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم
تربد یک کف بپزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و چهار درم روغن بابونه
اضافه نمایند و استعمال کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی و درد پشت و بادهای غلیظ
را نافع باشد صفت آن حلبه بزرگ قنطوریون بابونه خشک نیم کوفته خطمی از
هر یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر
برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته در سکنجبین مثل حاو(?) از هر یک سه درم

مغز تخم کاف سه درم بسرشند و بپالایند چنانکه رسم است و یکدرم نمک هندی و دو دانگ
شحم حنظل و دو درم انگامه و سه درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر
که استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن سنا مکی پنجدرم شبت بابونه و کافه نیکوفته
و بید انجیر نیکوفته از هر یک کفی پرسیاوشان بادرنجبویه قنطوریون دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ
پانزده درم انگامه ده مثقال برگ چغندر روغن زیت از هر یک دو درم نمک و بوره از هر
از هر یک پنجدرم بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر که قولنج را نافع باشد صفت آن سنا مکی پنج مثقال گاوزبان
خشک شبت از هر یک سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم بابونه سبوس گندم گل
حنظل از هر یک کفی گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت روغن گل سرخ شکر آب برگ چغندر
از هر یک ده مثقال آب کامه و گل جند آفتابی از هر یک ده درم بوره ارمنی پنجدرم پخته و صاف کرده
چنانکه رسم است عمل نمایند حقنه دیگر که زحیر و روده و اسهال صفراوی را سود دارد
صفت آن آب برگ خرفه آب لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک سفیده
اقاقیا پنجدرم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک
یکدرم بیکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح و امعاء و اسهال دموی را

نافع باشد

نافع باشد صفت آن کشک جو برنج نشسته بیه کرده برا از هر یک سه مثقال بسرشند و بپالایند و سفیداب
و نشاسته و اقاقیا و گلنار از هر یک پنج درم زعفران شیاف ابیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عددی
و ده درم روغن گل در آن حل کنند و در یکدیگر بیامیزند و استعمال نمایند باب الکندیقون که
برودت معده و احشاء و جگر را نافع باشد و اعضا را قوت دهد و از برای پیران مفید بود صفت آن
شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک پنج مثقال
قرنفل و مشک از هر یک نیم درم دارچینی فلفل از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته کنند سوای مشک و زعفران
در کیسه کنند و کیسه را نرم ببندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست
می مالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران را در آن حل کنند و نگاه دارند خضاب
که موی را سیاه کند صفت آن مازو دیگر طلق کتیرا روی سوخته شب یمانی از هر یک پنجدرم نوشادر چهار درم
نمک اندرانی دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند تا آتش نشود با ادویه دیگر بکوبند و با آب گرم تر کنند
و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش را بشویند و خشک کنند و خضاب بدان نمایند
و بعد از شش ساعت با آب نیم گرم بشویند خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا پنجدرم کوفته و بیخته بروغن
گل چرب سازند با آب گرم تر کنند شب بمالند و صباح با آب گرم بشویند خضاب دیگر گل شقایق ده درم

املهٔ مقشر پوست بلیلا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با سرکه تر کنند و بیست روز در آفتاب بنهند و
سرکه اضافه می کنند و بعد از آن استعمال نمایند خضاب دیگر جوز السرو در سرکه جوشانیده
بیست درم مازوی سبز در روغن زیت بجوشانند تا سوخته شود و شش درم مس سوخته پوست گردکان
تر از هر یک ده درم پرسیاوشان شب یمانی اقاقیا امله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته و
بیخته با آب گرم تر کنند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیگر پوست گردکان
تر شب یمانی پوست انار اقاقیا [illegible] مس سوخته لادن بسبادی کوفته و بیخته با آب گرم تر کنند
و خضاب کنند خضاب دیگر حنا چهار درم وسمه هشت درم روی سوخته شب یمانی نمک اندرانی
مازوی سبز بریان کرده در روغن زیت و خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب
گرم تر کنند و استعمال نمایند خضاب دیگر پشک بز [illegible] با روغن زیت صلایه کرده
و استعمال نمایند و بعد از شش ساعت با آب گرم بشویند و باب الدال دواء [illegible] و انواع دواء
الملوک [illegible] اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع
بود و حواس را قوی گرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون بسی خورد آنکه سفید شده باشد
سفید نشود صفت آن هلیله سیاه بلیله امله از هر یک سی و شش مثقال شونیز بیست چهار مثقال

فلفل [illegible] دار فلفل فلفلمویه از هر یک بیست و دو مثقال قاقله صغار بادرنجبویه سعد کوفی از هر یک
دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یک شش مثقال قند شصت مثقال قند را کوفته در پاتیله
کنند و در آب بگدازند و دارو را کوفته و بیخته و عسل و بلادر و اقراص سازند دو مثقال
دانگی و نیم و هر بامداد یک قرص از آن بخورند و در این سال که این معجون استعمال نمایند از ترشیها
و لبنیات پرهیز کنند دواء المسک حلو ضعف معده و دل و خفقان و صرع و ضیق النفس
و فالج و لقوه و تب ربع را سود دارد و بادهای غلیظ را از آسانی دفع کند و رنگ را
نیکو گرداند صفت آن زرنباد درونج از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا ابریشم مقرض
از هر یک نیم درم بهمن سرخ و سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جندبیدستر [illegible]
از هر یک چهار دانگ زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگی و نیم کوفته و بیخته
بعسل سرشته که آتش ندیده باشد تر کنند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی از یکدرم
تا دو درم کافی باشد دواء المسک بارد نسخهٔ حضرت مغفرت پناه میرزا محمد حکیم صفت آن
گل سرخ شش مثقال مروارید ناسفته سه مثقال کهربا شش مثقال مشک تبتی هشت مثقال
شربت فواکه قند سه وزن ادویه دواء المسک بارد کهربا طباشیر ورق گل سرخ

از هر یک پنجدرم کشنیز خشک چهار درم کافوان هفت درم لبد سه درم مروارید ابریشم

مقرض صندل سفید از هر یک سه درم تخم خرفه پنجدرم مشک یکدرم آمله هفت درم ابریشم

دوازده درم زعفران یکدرم عسل قند سه وزن ادویه دواء المسک مر رطوبات را ببرد و

خفقان سوداوی و ورم حنجره را نافع باشد صفت آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک

هشت درم ریوند چینی شش درم نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار درم مشک دانگی بازرنبوی

ساذج هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جندبیدستر یکدرم و نیم بعسل بسرشند

شربتی یکمثقال دواء المسک کبیر صلابه کبد و طحال معده استسقا برودت معده را نافع

باشد و سده کبد بدرد و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و بدن را لاغر کند صفت

آن لک مغسول دو قو تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم کافیطوس و روفای

خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ جنطیانا دراوند مدحرج از هر یک یکدرم صبر سقوطری

و سنبل از هر یک دوازده درم فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطکی قصب الذریره

اسارون و مقل از هر یک شش درم کندر چهار درم دارفلفل دراوند طویل از هر یک سه درم

و نیم رب السوس بیست هشت درم ریوند چینی جعده اذخر کلی فلفل و قسط از هر یک ده درم سلیخه

دواء چاقی قلبه سیر

سنبل الطیب سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دواء الملک صغیر منافع اقرب

بمنافع کبیر است صفت آن لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک

ده درم ریوند چینی پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین یا باب کرم دواء الکرکم کبیر

امراض جگر و سپرز که از سردی باشد نافع بود صفت کبیر بدرد و باد را دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد

و بول براند و استسقا را نافع بود که بجهه ورم سپرز حادث باشد صفت آن زعفران دوازده مثقال مو و فو

اسارون انیسون فطراسالیون ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل الطیب شش درم قسط سلیخه فقاح اذخر

حب بلسان از هر یک یکدرم فوه دو درم رب السوس جعده مصطکی عصاره غافث از هر یک سه درم

روغن بلسان پنجدرم مرصاف چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از یکدرم تا دو درم بماء العسل

دواء الکرکم صغیر منافع اقرب بمنافع کبیر است صفت آن زعفران سلیخه سنبل الطیب از هر یک

دو درم قسط فقاح اذخر دارچینی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته یک شبانروز در شراب انگوری تر کنند

روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال دیددرد جهه استسقا صفت آن سنبل الطیب و

اسارون قسط مصطکی زعفران لک مغسول صندل سفید طباشیر سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال

ورق گل سرخ و حمر تا ده مثقال عسل سه وزن ادویه دواء الکربت امراض بلغمی و سودای

حسد عدد ما بین شنز یک مثقال

وتبهای کهنه و باقص و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ورم که از سینه بیرون آید و استسقا و درد سپرز
و حبس البول و اوجاع مزمنه را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و مضرت ادویه سمیه چون
افیون و شوکران و بیخ لفاح را دفع کند و از جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفت آن کوکرد
زرد بزر البنج سفید قردمانا امیون سابله مرکی از هر یک هشت درم سداب و قسط تلخ از هر یک ده درم
افیون و زعفران از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی یک مثقال دحمرثا با داء البکند و بیخ را نافع باشد صفت آن هزار اسفند و حلبه از هر یک سی درم درونج
عقربی فلفل دارفلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل
سرشند شربتی دو درم دواء الحلتیت تب ربع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند آن را نافع باشد
و از جهت گزیدن جانوران زهردار در شراب و از جهت تب در سکنجبین دهند و بعد از آنکه چهل روز در
گذشته باشد صفت آن حلتیت سداب فلفل ساذج کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی مقدار یک جوز بخورند دواء المادریون استسقا اکثر امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفت آن
مادریون در سرکه خیسانیده یک شبانروز در سایه خشک کرده یک درم و فربیون ماهی و نمک هندی
و پوست بلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون و تربد سفید از هر یک یک درم کوفته و بیخته شربتی دو درم

بخورند دواء الزبد

بخورند دواء التربد حمیات بلغمی را نافع باشد صفت آن زنجبیل و مصطکی از هر یک ده درم تربد
سفید بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربتی بیست یک مثقال دواء الترنجبین ضعف باه را که سبب آن
حرارت باشد نافع بود صفت آن ترنجبین سفید بیست درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید هر شب دو
ملعقه بنوشند دواء الحک در تقویت باه بی‌نظیر است صفت آن حک خشک را بکوبند و بیست
و در آب حک تر کنند سه شبانروز در آفتاب بپرورند و هر روز دیگر تازه میکنند چندانکه
آب حک تر سه دفعه خشک بکار رود و پس خشک کنند و سه از آن با ده درم شیر تازه و ده
درم نبات بنوشند و سرد مزاج قدری زنجبیل کوفته و بیخته اضافه نمایند دواء البصل تولید منی کند
و نفوظ و بغایت مقوی باه بود صفت آن آب پیاز بگیرند و عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید
در وقت خواب دو ملعقه از آن بخورند دواء الفرس هلیله سیاه بر دهن گاو بریان کرده ده
درم حرف مقلو پنج درم نانخواه و صعتر فارسی از هر یک سه درم خبث الحدید ده درم شربتی
دو درم با شراب کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع بود و چون بدان غرغره
کنند یا بر خارج حلق طلا کنند صفت آن تخم کرفس و انیسون و نانخواه و هزار اسفند و مرو
زراوند طویل و زعفران از هر یک ده درم گل سرخ بیست درم قسط و رماد الخطاطیف از هر یک

قرص فلفل بی درم نشاسته و سنبل الطیب از هر یک یکدرم مازوی سبز ده عدد کوفته و بیخته بعسل برشند و
استعمال نمایند دواء الزحیر همین خاصیت دارد صفت آن آزار اسپند و تخم ترب و حلبت و مرد
لو ما ازهر نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند دیاقوذا منع نزلات کند و سرفه خشک را
بسیار نافع بود صفت آن خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیار
بهدانه نشریتا از هر یک یکدرم اصل السوس بیست درم بزرقطونا ده درم مجموع را در سه رطل آب باران
خیسانند دو شبانروز تا نرم پس باتش نرم بپزند تا مهر شود و به نیمه آید بعد از ان صاف کنند
قند سفید
و یکمن اضافه نمایند و بقوام آورند دیاقوذا دیگر قریب النفع بنسخه اول صفت آن خشخاش
سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک ده مثقال بنفشه و صمغ عربی از هر یک پنجمثقال
اصل السوس سه درم آب انار شیرین بیست مثقال قند سفید صد درم شربت سازند چنانکه رسمست
دیگ بر دیگ الکل ملح ناصره و لحم زاید را نافع صفت آن زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد
از هر یک شش درم مرتکی ده درم آهک آب ندیده پانزده درم زنگار یکدرم کوفته و بیخته برگه کهنه
بسرشند و قرص سازند دارویی که موی بر رویاند و دراز و سیاه کند صفت آن برنجاسف برگ
مورد شونیز بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بر دهن سور دبار دهن زیت سرشته استعمال نمایند

دارویی که کندپایه برد صفت آن شب یمانی در آب حل کنند و پا را بدان بشویند یا پای را
باب برگ سوسن یا برگ مورد بشویند نافع باشد دارویی که حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج
کند صفت آن قنبیل ترخس ترمس حب النیل از هر یک یکدرم درمنه ترکی دو درم تربد و برنگ کابلی مقشر
از هر یک یکدرم نمک هندی دانکی کوفته و بیخته با شیره شکر حب سازند و بخشانند دارویی که همین خاصیت
دارد صفت آن برنگ کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم حب النیل و نمک هندی
از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با موی بز منقی سرشته بنا دل نمایند داروی دیگر که چون بر آتش نهند
از دود او جانوران گزنده بگریزند صفت آن زفت رومی گوگرد زرد شاخ گوزن بارآورد
مساوی زفت را بگدازند و داروها را کوفته و بیخته بان سرشند و استعمال نمایند دارویی
که حبس عرق کند صفت آن برگ مورد و ورق گل سرخ صندل گلاب بجوشانند و جامه را بدان
تر کنند و بپوشند دارویی که نافعست از جهت کرم که در گوش باشد صفت آن شراب [illegible] درم
عسل سه درم روغن گل یکدرم سفیده تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند به پشم پاره را بدان
تر کنند و نیمگرم در گوش نهند و بران جانب تکیه کنند یکساعت بعد از ان یکبار ان پشم را بیرون کنند
کرم بیرون آید دارویی که از جهت گزیدن عقرب و جبه بانی صبحی باشد صفت آن آهک برگ توت

کوفته بروغن دنبه بریشند بر محل زخم نهند با آهک در زرده تخم مرغ بهم آمیخته درد ساکن کرده و اگر باقلا
بدوشاب بریشته بر موضع گزندگی مالند فی الحال درد ساکن شود و اگر کژدم را در روغن بجوشانند
و بپالایند کسی را که کژدم بگزد آن روغن را بر موضع گزندگی مالند درد ساکن شود و اگر با عسل آن روغن بیامیزند
چون کودک از مادر متولد شود از ان یکدرم بکام کودک بمالند اگر در همه عمر کژدم اورا بگزد درد نکند
و اگر برگ گشنیز بر موضع گزندگی عقرب بمالند درد ساکن کند و اگر سیر بشنی بسرکه ترکنند و بمالند همین
عمل کند و آن کژدم که کسی را گزیده باشد بگیرند و نمک سوده در چراغ گرم کنند و بر زخم کژدم
نهند همین عمل کند و اگر برگ تاک بکوبند و بر موضع گزیده نهند درد ساکن شود و اگر مغز جوز و انجیر و
سیر بر زخم مار نهند نافع باشد **داروی آتشک** زیبق مقتول هفت مثقال حنا لادن مصطکی بوره نخان
از هریک دو درم زرد سفیدآب بنفشه از هریک سه درم روغن زیت تازه پانزده مثقال آب لیمو
نیم مثقال پیه بز بیست مثقال و اگر جراحت دانه باشد توتیا و سفیداب و مرداسنگ از هریک دو درم زنگار
یکدرم اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب نموده بدستور متعارف بمالند **داروئی** که بیهوشی آورد
صفت آن افیون یکدرم خشخاش سیاه ده درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطل آید و نیم رطل
گندم پاک بجوشانند تا آب تمام شود پس گندم یکمند را خشک کنند و بکوبند و یکمثقال ازان هر کرا

بدهند بیخود شود **داروئی** که همین عمل کند **صفت آن** خشخاش سیاه و تخم کاهو از هریک یکدرم بزر البنج
بجوشانند و صاف کنند با قند بقوام آورند مثقالی ازان سکر باشد و اگر آنرا در شراب کنند
هر که بخورد بیخود گردد و اگر خواهد که بیدار شود سرکه کهنه با گلاب بدهند یا دوغ گاو با برف
سرد کرده بنوشند **دوائی** که نافعست از جهت حکه و جرب و سعفه و آثار قشنگی بند **صفت آن** پوست
زرد هلیله شش درم سنا مکی و شاهتره از هریک دو درم افسنتین یکدرم و نیم کوفته و بیخته بکشمش کوفته
بسرشند شربتی مثقال بخورند **دوائی** که شهوت روی به زنان حامله را دفع کند **صفت آن** مصطکی یکدرم
عود خام نیمدرم زیره کرمانی دارچینی درم و نیم کوفته و بیخته و با ده درم گلقند برشته بنوشند **دوائی** که نافع است
از جهت درد دندان که از حرارت باشد **صفت آن** افیون بید انگشت در روغن گل حل کنند و قدری
پنبه بدان ترکنند و بر دندان نهند نافع بود **دوای دیگر** که نافع از جهت درد دندان که بسبب آن
برودت باشد و آنرا تریاق الاسنان خوانند **صفت آن** جند بیدستر حلتیت فلفل مرزراوند
مویزج زنجبیل میعه و افیون بزر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان ترکنند و
بر دندان نهند **دوای دیگر** که همین منفعت دارد **صفت آن** فلفل عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هریک
یکجزو بوره ارمنی یکجزو و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته استعمال نمایند **دوائی** که درد دندان را

دارا نافع باشد صفت آن فلفل عاقرقرحا بارزد ساذج فلفل و عاقرقرحا را بکوبند و با بارزد بسرشند
و در سوراخ دندان نهند دوای دیگر که لثه را محکم کند و گوشت رفته بر دیاند صفت آن کندر زراوند
مدحرج دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن ساذج کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی بسرشند و استعمال نمایند دوای
که درد دندان را ساکن گرداند صفت آن عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم تخم مرو یکدرم بابونه تازه
بیست مثقال سرکا ده مثقال جوشانیده مضمضه سازند و بر دندان نهند و اگر سداب تازه یا مویز سیاه
بکوبند و بر دندان نهند همین عمل کند

باب الدال

ذرور ملکایا در دبیج و ابتدای رمد را نافع باشد
صفت آن انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی نبات ساذج کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند
ذرور اصفر نافع است از جهت کمنه الدم در چشم که بسبب آن رطوبت باشد صفت آن انزروت
مربی یکدرم شیاف مامیثا دو درم صبر زعفران تخم گل از هر یک نیمدرم افیون چهار دانگ کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور اصفر دیگر انزروت مربی ده درم زعفران حضض از هر یک دو درم مرصافی یکدرم
کوفته استعمال نمایند ذرور احمر که قرحه و مورسرج را نافع باشد صفت آن سرمه اصفهانی ساذج
عدسی مغسول صلایه کرده ذرور سازند ذرور وردی ابیض ابتدای رمد را نافع باشد صفت آن
اقلیمیای نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا بیست درم صمغ عربی چهل درم گل سفید
ششصد درم

ششصد درم نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته بحریر بیخته با آب رازیانه پرورده ذرور سازند
ذرور رمادی جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفت آن مامیران چینی یکدرم توتیای کرمانی
پرورده شیح سوخته و پرورده و توبال مس سوخته پرورده مغسول و سرمه اصفهانی پرورده از
هر یک ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور وردی مورسرج و بثره و قرحه رطبه را نافع باشد صفت آن
سفیداب ارزیر سه درم اقلیمیای نقره دو درم و دو دانگ افیون دو دانگ صمغ عربی یکدرم و دو دانگ
انزروت نیمدرم مس سوخته دو دانگ و دو حبه شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذرور انزروت قرحه را پاک سازد صفت آن نشاسته سه درم انزروت مربی اسفیداج رصاصی از هر
یک دو درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور مسحل بیاض را نافع بود و چون در قرنیه نتو باشد صفت آن
سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار زوبا اقلیمیای کوفته و بیخته بعسل مصفی بسرشند و استعمال نمایند
ذرور که دمعه و جرب و ضعف بصر را نافع بود و پیران را موافق باشد صفت آن توتیای مغسول ده درم
پوست هلیله زرد و صبر سقوطری دار فلفل زردچوبه از هر یک نیمدرم فلفل دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور دیگر که نافع است از جهت درد چشم کهنه و سرخی و آب آمدن صفت آن توتیای مغسول
نشاسته سفیداب ارزیر ساذج کوفته و بیخته بکار برند ذرور سازند ذرور ظفره شیاف مامیثا ساذج هندی

حماما از هر یک دانگی سرمهٔ اصفهانی فلفل زنگار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته در دو بسازند ذرور دیگر
که نافع است از جهت جرب و سبل و ظفره واکحل حجر صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هر یک ده درم
زعفران فلفل شکوفه از هر یک دو درم افیون یکدرم و نیم صلایه کرده استعمال باید ذرور دیگر
که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد صفت آن انزروت مربی چسنک از هر یک ده درم مامیران دو درم
الاخوین از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال باید ذرور کمنه دار فلفل دو دانگ هلیله زرد
حضض مکی مر از هر یک ده درم زبد البحر یکدرم مامیران چینی دو دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته
استعمال باید ذرور سبل توتیای مغسول دو مثقال مامیران چینی دو درم زبد البحر حضض مکی صبر
سقوطری دار فلفل پوست هلیله زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی یکمثقال کوفته
و بیخته در دو بسازند ذرور بیاض ساذج هندی شش درم مس سوخته سرمهٔ اصفهانی توبال مس از هر یک
سه درم شادنج عدسی مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران چینی از هر یک دو درم صلایه
کرده استعمال باید ذرور کافور نافع است از جهت حرارت چشم و رمد صفت آن صدف سوخته مروارید
ناسفته از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه کرده در دو بسازند ذرور [illegible] گوشت برد باید
و خون رفتن از جراحت باز دارد و رعاف را نافع باشد صفت آن انزروت مرکند دم الاخوین

ساذج کوفته و بیخته استعمال باید ذروری که همین خاصیت دارد صفت آن انزروت دم الاخوین
مرکند زکلنار کل ارمنی از هر یک سه درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته در دو بسازند ذروری
که گوشت فاسد شده را بخورد و سر جراحت به بندد و نحت کند دو روقت به بندد و در
اول سر جراحت بکشاید و تری بر چند گوشت برد باید صفت آن انزروت چهار درم دم الاخوین
دو درم کل مختوم مرداسنگ مرتکی کندر از هر یک یکدرم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یکدرم
و نیم صبر سقوطری زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال باید ذروری که نافع است
از جهت خروج مقعد و سوزش رحم و درد مقعد صفت آن سفیداب ارزیز کلنار زنجار بانی مازو ساذج
کوفته و بیخته مقعد را بروغن کل چرب کنند و بران افشانند ذروری که استرخاء مقعد را نافع باشد
صفت آن جفت بلوط مازو قسار کندر شبح سوخته کلنار شاخ گوزن محرق مرداسنگ صدف سوخته
اقلیمیا ساوی صلایه کرده در دو بسازند ذروری که همین خاصیت دارد صفت آن جفت بلوط کلنار
جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد پاشند ذروری که سوختگی آتش و
روغن گرم و مانند آن را نافع باشد صفت آن مرداسنگ و حنا و آهک از هر یک قدری بکوبند و جای
سوخته را بروغن کل چرب کنند و این دارو بر آن افشانند در ساعت خوش شود و

باصلاح آید باب التاء روغن قسط روغن قسط فالج و معده و جگر سرد را سود دارد و سبلای

سوبرالنگاه دارد و اعصاب را قوة دهد صفت آن قسط ده درم فلفل و فرفیون از هر یک سه

درم عاقرقرحا چهار درم جندبیدستر دو درم و نیم شراب کهنه صد درم و روغن زیت

پنجاه درم قسط و فلفل و عاقرقرحا را نیم کوفته در شراب خیسانند یک شبانروز و صباح

شراب را بجوشانند تا به نیمه آید بعد از آن روغن زیت را دران ریزند و چندان بجوشانند

تا که شراب برود و روغن بماند بعد از آن جندبیدستر و فرفیون را کوفته و بیخته در آنجا بریزند در حالی

که از آتش فرو گرفته باشند روغن قسط نسخه دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع

باشد صفت آن قصب الذریره سنبل سادج هندی میعه سایله بیخ سوسن قرفه اشنه قسط از هر یک

بیست درم راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مرصافی قرنفل از هر یک پنج درم

مجموع را نیم کوفته در سه من آب بپزند تا یک من آید و با یک من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و

روغن بماند روغن قسط نوعی دیگر سردی جگر و معده را نافع بود چون بمالند و چون بر جایی که موی رفته

باشد بمالند موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت آن قسط تلخ صد درم مر ماحوز چهل درم سلیخه شش درم

مجموع را نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند یک شبانروز و دیگر بجوشانند و بپالایند و سه چهار یک روغن

٥٨

زیت با روغن کنجد بر وی بریزند و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط نسخه دیگر امراض بارده را

نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب صفت آن قرنفل و سلیخه از هر یک ده

درم قصب الذریره و سنبل الطیب سادج قرفه اشنه جندبیدستر قسط از هر یک بیست درم بخفته

سی درم مر بیست و پنج درم مرکی را نیم کوفته در آب بجوشانند تا تهرا شود بعد از آن صاف کرده دو من روغن

کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود

دارد صفت آن شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم بکوبند و روغن از آن بکشند روغن افسنتین

معده و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد صفت آن روغن زیت با روغن بادام تلخ روغن زرد آلو

تلخ نیمی افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بنهند و بپزند روغن

فرفیون همه دردها که از سردی باشد زایل کند و فالج و استرخا را نافع بود صفت آن قسط ده درم

عاقرقرحا هفت درم مویزج سه درم جمله نیم کوفته کنند و در چهار صد درم شراب کهنه بپزند تا شراب

رفته و روغن بماند پس در هر ده درم دو درم فرفیون تازه بیندازند یک جوش بدهند و بردارند

روغن سوسن برودت و اختناق رحم را سود دارد و درد گرده و مثانه سرد را گرم گرداند صفت آن

سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن بی عدد

زعفران ده درم ورزدی ارسوس بردارند دیگر رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و دارو ها را
کوفته بر روی آن کنند و نزدیک آفتاب نهند در سایه چهل روز بگذارند پس بیرون آورند
و نگاه دارند **روغن بیدانجیر ساده** مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک کند صفت آن
بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند
و آب زرد بماند و آن آب را بریزند و آن کفها را بجوشانند که تمام روغن صاف شود
روغن بیدانجیر مرکب فالج و لقوه و سده و جگر و سپرز را نافع بود و قولنج بگشاید صفت آن نانخواه صعتر
بودنه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک بیست درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوس
راسن خشک از هر یک ده درم شیطرج و مقل از هر یک پنج درم سکبینج جاوشیر زرنباد درونج
عقرب از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی قافله خیربوا کبابه جندبیدستر فلفل جوزبوا بسباسه تربد
قنطاریون از هر یک چهار درم مجموع نیم کوفته یک شبانروز در آب تحلیل نهند و بجوشانند تا نرم شود
و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بیدانجیر ساده بر روی آن کنند و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند شربتی دو درم تا سه درم بماء الاصول **روغن ترب** با تدر روغن زیت بود و گرم تر از
روغن بیدانجیر باشد درد گوش را نافع بود و بادکه در گوش بود دفع کند صفت آن آب ترب

گلزر شسته پاکیزه ده من سرد بی بیندازند و درم درم کنند و در دیگ
سنگین اندازند و آب بر بالای آن ها ریزند و سر دیگ را بگل با خمیر محکم کنند
چنانکه بخار بیرون نرود و با آتش آهسته بپزند و بگذارند تا سرد پس سر دیگ را
بگشایند و بپالایند و آب آن بگیرند و صاف کنند و با هشتگان عسل در دیگ
ریزند و سنبل و خولنجان و قرنفل و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع
نیم کوفته در کیسه کنند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست می مالند و می جوشانند
تا بقوام آید **شراب انجبار** اسهال دموی را و نفث الدم و سیلان طمث را نافع بود
و معده و جگر گرم را قوت دهد صفت آن صندل سرخ و سفید سائیده از هر یک
پنج مثقال انجبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید نیم من بطریق معهود شربت
سازند **شراب حب الآس** نسخه دیگر صفت آن آمله مقشر یکمثقال حب الآس
دو مثقال انجبار گلنار گل سرخ تخم حماض تبر از هر یک دو درم رب به شیرین
و گلاب از هر یک بیست مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور معهود
شربت پزند **شراب [illegible]** که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی را نافع است

صفت آن تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هر یک ده درم گاوزبان سه
درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ابرسا دو درم و نیم اصل السوس پنج درم راز یانه پنج
درم فستقی از هر یک سه درم و نیم در شش منّ ادویه گلاب رود و مقابل ادویه آب
سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی آید و با یکمن قند شربت بزنند شراب قند بلغم دفع
کند و سرد مزاجان را نافع باشد صفت آن زنجبیل و دارچینی از هر یک پنج درم هیل و فاقله
کبابه از هر یک دو درم قرنفل یکدرم مجموع نیمکوفته در هفت رطل آب بجوشانند
تا به پنج رطل آید و بپالایند و پنج من قند سفید بقوام آورند و نیم درم زعفران سائیده
اضافه نمایند شراب عسل معده و جگر را گرم کند صفت آن سنبل مصطکی و دارچینی
فاقله عود هندی جوز بوا هیل از هر یک یکدرم قرنفل نیم درم مجموع کوفته در
سه رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید و بپالایند و با رطل عسل بجوشانند
و بقوام آورند شراب ... در دفع خمار بی نظیر است صفت آن آلو سیاه تمر هندی
بیدانه از هر یک یکرطل عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند تا بدو
رطل آید و بپالایند و آب انار ترش و شیرین و آب سیب و آب لیمو از هر یک

نیم رطل اضافه نمایند و با یک رطل قند بقوام آورند شراب فیجویش سرعت انزال
را نافع است صفت آن آب انگور خام شش رطل سماق مازو گل سرخ کشنیز خشک
کندر صعتر سعد از هر یک ده درم زعفران مرتب بابی از هر یک یکدرم
جشالمد بدیبی مثقال بجوشانند تا ثلثی آید صاف کنند و استعمال نمایند شراب
دارو بخت مقوی اعضاء رئیسه است نسیان و امراض بلغمی و سوداوی را نافع
است و باه را قوت دهد و پیرانرا موافق باشد صفت آن آب انگور صد من به
شیرین سه من سیب اصفهانی دو من گلاب نیم من آب خالص ده من دار
چینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب کبابه چینی جوزبوا خولنجان از هر یک پنج درم
عود خام بسباسه دارچینی از هر یک سه درم زعفران ده مثقال
مشک نیم مثقال عنبر یکمثقال به و سیب را در آب انگور بجوشانند تا مهرا
شود بعد از آن برکشند و صاف کنند و مشک زعفران و عنبر را در
گلاب حل کنند و اضافه نمایند و ادویه نیمکوفته در کیسه کنند و در
محل جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند و زمان زمان کیسه را بدست

می مالند تا شیره باز دهد و چون شیره انگور را در خم ریزند کیسه را تر در
خم اندازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شراب خبث الحدید معده را قوت
دهد و هاضمه را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع بود
صفت آن تخم کرفس و رازیانه و زیره کرمانی انیسون نانخواه صعتر الخولنجان
کاشم کرویا کشنیز خشک فلفل دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوز
بویا تخم جرجیر تخم بیاز سعد زنجبیل از هر یک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال
در شش مقابل ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و
شربتی روزی سه درم کافی باشد شراب ریحانی نسیان و امراض بلغمی را نافع
باشد و معده را قوت دهد و پیران را موافق باشد صفت آن شیره انگور صد
من در خم ریزند و شش من قند اضافه نمایند دارچینی و قرنفل و بسباسه و جوز
بویا از هر یک ده درم مجموع نیکوفته در کیسه کنند و در خم اندازند و سر
خم را بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که خم را اول پاک
بشویند و اندرون ان موم گداخته بگردانند و بمشک و عنبر بویا کردانند

شراب که معده و دل را قوت دهد و امراض بلغمی و سوداوی را نافع بود
صفت آن آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ سنگین کنند و
قرنفل یکدرم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان بادرنجبویه و گل سرخ از هر یک
سه درم کوفته در کیسه بسته در دیگ اندازند و با آب سیب و به بجوشانند
تا به نیمه آید و در خم ریزند و شراب ریحانی ده من بر بالای ان ریزند و
قند سفید یک رطل و نیم اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز در افتاب بگذ
ارند و بعد از ان صاف نموده استعمال نمایند شیاف ابیض سلاق و غلظ
اجفان و آکو رمد را نافع باشد صفت آن شادنج عدسی مغسول ده درم مس
سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا و مرهاف از هر یک دو درم بسد مروا
رید ناسفته سادج هندی از چهار درم دم الاخوین و زعفران از هر یک یکد
رم صلایه کرده شیاف سازند شیاف احمر سبل و ظفره و سلاق و بیاض را
نافع باشد صفت آن شادنج مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم مس سوخته از
هر یک دو درم افیون صبر سقوطرا از هر یک نیم درم زنگار دو درم و نیم

زعفران و مر از هر یک دانگی درم کوفته و بیخته بحریر سرشته شیاف سازند شیاف احمر
جرب و سبل و بیاض را نافع بود صفت آن زنگار سه درم اقلیمیا نقره و
اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک دو درم صمغ را در آب سداب
حل کنند و داروهای دیگر را کوفته بحریر بیخته بدان برسرشتند و شیاف سازند
شیاف دیزج کهنه و جرب و سبل و سلاق و شعر زاید را نافع بود صفت آن
زنگار شسته درم صمغ عربی و اشق از هر یک چهار درم اقلیمیا طلا و افیون
از هر یک دو درم بارزد یکدرم کوفته و بیخته با آب سداب برسرشتند و
شیاف سازند شیاف ملوکی صعتون کهنه و جرب و سلاق و استرخاء جفن و ریح
سبل را نافع بود صفت آن شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده
درم زنگار و قلقطار سوخته از هر یک پنجدرم مس سوخته چهار درم افیون
زعفران از هر یک یکدرم با آب رازیانه برسرشتند و شیاف سازند
شیاف ابیض رمد گرم را نافع بود و درد صعب را بنشاند و تخدیر کند
صفت آن سفیداب ارزیز شسته درم صمغ عربی پنجدرم افیون و کثیرا از

هر یک یکدرم سفیده تخم مرغ برسرشتند و شیاف سازند شیاف ابیض
انزروتی ابتدای رمد را نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز شسته درم
انزروت مربی بشیر خر کثیرا از هر یک چهار درم سفیده تخم مرغ برسرشته
شیاف سازند شیاف کل بیرج نسخه محمد زکریا رمد را نافع است وحده
انکه از حدة ابیض است و بهتری و سبکتری شیاف در دست صفت
آن کل بیرج چهار درم مثقال زعفران و سفیداب ارزیز از هر یک دو
مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بدستور شیاف سازند
شیاف دینارینا رمد را در روز بصلاح آورد صفت آن شیاف مامیثا انزروت
مربی از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون پنجدرم کثیرا یکدرم کوفته
و بحریر بیخته با آب باران برسرشتند و شیاف سازند و سفیده تخم مرغ در چشم
کشند شیاف [illegible] نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی ببرد و آماس بنشاند
و درد ساکن کند صفت آن اقلیمیای نقره و روی سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا
و اقاقیا صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون و زعفران از هر یک یکمثقال کوفته

دیگر برنجه سفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر طفره در ابدرا نافع بود
صفت آن شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته از هر یک شش
درم قلقطار سوخته و زنگار از هر یک دو درم بآب دارنانه سرشته و
شیاف خلوقی بادها را پراکنده کند و آماس ملتحمه را بنشاند صفت آن مس سوخته سه
درم اقاقیا دو درم کتیرا صمغ عربی و سنبل و زعفران از هر یک یکدرم بآب
باران شیاف سازند شیاف اسود نافع است بادها را که در چشم و جفن باشد
کشیدن و طلا کردن شیاف لین مس سوخته و افیون از هر یک یکدرم و نیم و
زعفران شیاف مامیثا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته و بسد از هر یک یکدرم
اقاقیا نیم درم کوفته و بیخته بآب آن شیاف سازند شیاف ابیض قرحه و مده غلیظ را نافع
باشد صفت آن سفیداب ارزیز نیم درم افیون و انزروت مربی و کتیرا از هر
یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم بآب باران شیاف سازند شیاف
قرحه و مده ریم را نافع بود و حرارت بنشاند و جفن را برسازد صفت آن اقلیمیا
طلا سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی صمغ عربی کتیرا سرب سوخته از هر

یک هشت درم افیون یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف بار نوعی دیگر
منفعت آن قریب بمنفعت اول است صفت آن ابار سوخته سرمه اصفهانی توتیا
مس سوخته کتیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف
سازند و بعضی اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک شش درم کندر چهار
درم اضافه می کنند شیاف کندر مزه و قرحه را نافع باشد و کوفت بدو باشد
صفت آن اشق و انزروت از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران دو درم
اشق را در لعاب حلبه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان و شیاف سازند
شیاف [illegible] که ابتدا آب را نافع است صفت آن عربی سفید یکوقیه فلفل نیم وقیه
اشق یکدرم بآب ترب شاده سازند شیاف [illegible] جرب و ظفره و انتشار و
ابتداء نزول را نافع باشد صفت آن اقلیمیا نقره و اقلیمیا طلا مروارید نا
سفته از هر یک دو درم کافور و مشک از هر یک دانگی صلایه کرده بآب
باران شیاف سازند شیاف اصفر از جهت ابتداء نزول و تاریکی چشم نافع است
صفت آن انزروت مربی شیاف مامیثا از هر یک هشت درم مرو ره [illegible]

فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ زرد دو درم زعفران یکدرم بهم کوفته و بیخته
شیاف سازند شیاف اصفر نوعی دیگر صفت آن هلیله زرد توتیا هندی را از هر یک
پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران یکدرم با آب
رازیانه شیاف سازند شیاف سماقی جرب و خارش و سوزش و جحوظ را نافع بود
صفت آن سماق سی مثقال با آب باران بپزند و بپالایند و باز بجوشانند تا غلیظ
شود و بگذارند تا سرد شود و ده درم سفیداب ارزیز با آن بسرشند و شیاف
سازند و بعضی آب سماق را بجوشانند تا غلیظ شود و گرد سماق با آن سرشته
شیاف سازند شیاف دینار چون سبل رقیقی بردارد صفت آن
زرد چوبه شادنج مغسول صبر سقوطری شیاف مامیثا مساوی کوفته و بیخته
با آب باران شیاف سازند شیاف وردی صعوبت درد چشم را فی الحال بنشاند
صفت آن ورق گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده
درم سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند
شیاف اسود بنسخه دیگر رمد و جرب علی و دمعه و سبل را که با او حرارت

بلکه نافع بود

باشند نافع بود صفت آن اقلیمیای طلا سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون
از هر یک چهار درم مس سوخته سنبل الطیب نشاسته از هر یک یکدرم و نیم
اقاقیا مغسول پسته چهار درم کوفته و بیخته و بعضی را آب سود کرده با عنب الثعلب
شیاف سازند شیاف ... کسر حاجحفی و تاریکی بصر را ابتدای آب را نافع است
صفت آن اقلیمیا طلا فلفل سیاه افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی
شیاف مامیثا از هر یک شش درم انزروت دنگ هندی و زرنیخ زرد از
هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم با آب رازیانه شیاف سازند
چنانکه رسم است شیاف ... که نافع است جرب غلیظ جفن و سبل کهنه را که با آن
حرارت و حمره نباشد و بیاض و تاریکی چشم را زایل کند صفت آن افیون
اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم سفیداب ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر
یک دو درم با آبی که اشق در آن حل کرده باشند شیاف سازند شیاف ...
که نافع است ابتدای رمد را درد ساکن کند و خواب آرد صفت آن
شیاف مامیثا هفت درم زعفران افیون حضض مکی صمغ عربی از هر یک دو

لبیاض العین درم کثیرا و انزروت از هر یک چهار درم جدید سبز کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف که نافع بود قرحه چار جدید را و چشم را خشک سازد و کو
رو باشد صفت آن سفیداب ارزیز ده درم کندر و انزروت از هر یک
یکدرم افیون نیم درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف [illegible] جرب و باد سبل را نافع بود صفت آن صمغ عربی سفیداب
ارزیز زنگار راستی مساوی کوفته و بیخته با آب سداب شیاف سازند
شیاف غوره جرب و حکه و کمنه را نافع بود صفت آن زنجبیل نیم درم الیه زرد
صمغ عربی توتیا مغسول از هر یک ده درم حضض ملکی چهار درم زرد
چوبه زعفران از هر یک دو درم با آب غوره شیاف سازند شیاف
عرب صبر کندر کلنار انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک
یکدرم زنگار دانگی و نیم بگلاب شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک
کنند و در آنجا چکانند شیاف دردی قرحه و سبجه و شره و مورسرج و بثور
قرنیه و غبیه و کمنه الله و درد کهنه را نافع باشد صفت آن برگ گل تازه نعنا

مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال قرص دیمانطس
صغیر نسخه ثابت قره صفت آن حب الاس بیخ حماض مغز [illegible] از هر یک دو درم صمغ عربی
نشاسته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند شربتی دو درم
قرص [illegible] نسخه دیگر صفت آن طباشیر رب السوس از هر یک ده درم تخم کاهو [illegible] درم
تخم خرفه یازده درم گل سرخ کشنیز خشک از هر یک نیم درم اقاقیا صندل سفید گل ارمنی کلنار
از هر یک دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش
قرص [illegible] الدم کندر دم الاخوین کلنار از هر یک سه درم دو دانگ کهربا نیم درم شادنج گل مختوم
از هر یک ده درم شب یمانی دو درم و نیم افیون دار چینی از هر یک دو درم مجموع را کوفته ده
قرص سازند شربتی یکعدد با آب خرفه قرص مروارید دل و دماغ را قوت دهد و یرقان و خفقان حار
را نافع باشد صفت آن گل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته صندل سفید از هر یک یکدرم
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک نیم درم تخم خرفه سه درم زعفران نیم درم کوفته بلعاب بزر
قطونا قرص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین قرصی که تب و صداع و سرسام را نافع بود
و تشنگی بنشاند و خواب آرد و هذیان دفع کند صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو

بجهت تنقیه مزاج و رفع سفرا و سودا ... روزی ۲ مثقال تخم ... گلاب ... و بعد سرد ...

از هر یک ده درم رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته با آب کاهو

یا لعاب بزر قطونا سرشته قرص سازند شربتی یک عدد یا دو عدد **قرص دابه** رب السوس ده درم

بنفشه ده درم نشاسته کثیرا تخم خطمی رازیانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته به لعاب بزر

بزرقطونا یه ورنه سرشته قرص سازند شربتی سه درم به شراب بنفشه **قرص زوفا** نفس ربحی وورق

امتلایی را نافع است **صفت آن** کندر پنج درم زرس فوفه سد راب تام از هر یک سه درم

حنجر خواه سعد از هر یک یکدرم و نیم به گلاب قرص سازند شربتی یک مثقال طبیخ زیره

قرص ابو سیتق و رقی حار را نافع بود **صفت آن** تخم کاسنی ده درم مازریون غاریقون

عصاره غافت از هر یک یکدرم و نیم و چهار دانگ گل سرخ مغز تخم خیار از هر یک

دو درم و نیم کوفته و بیخته مجموع را آده قرص سازند و هر روز یک قرص بر هند **قرص** که استسقا

حار را و جگر و سپرز را که با اسهال بود نافع باشد **صفتها** طباشیر گل سرخ زرشک سماق

گزمازج تخم حماض تخم کاسنی فرنجمشک تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد تفاح اذخر

اذخر انیسون سنبل ریوند لک پوست بیخ کبر افیون از هر یک نیم درم کافور دانگ

کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم **قرص افیون** تولید از استسقا حاصل نماید **صفتها** ترید

افیول

بجهت ... زیره ... بجهت ...

افسنتین از هر یک ده درم سکبینج یکدرم کوفته و بیخته ده قرص سازند و هر روز یک قرص با

اصول بدهند **قرص** که نافع است زحیر را که با ریاح و فواق باشد و حرارت نباشد

صفت آن بزر البنج شبت رازیانه از هر یک یکدرم بالنخواه دو درم و نیم افیون سه درم تخم

کرفس ده درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی یک مثقال **قرص خرنوب** اسهال صفراوی و غیر صفراوی

را نافع باشد **صفت آن** مازو خرنوب گزمازج گلنار از هر یک یکجزو افیون صمغ عربی از هر یک

نیم جزو کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم برب به **قرص طباشیر افیونی** اسهال با افراط حرارت

را نافع باشد **صفت آن** طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هر یک یکدرم گلنار

صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی با آب خالص قرص سازند

شربتی یکدرم **قرص طباشیر** اسهال با سرفه را نافع بود **صفت آن** حب الاس ده درم بر سیاوشان

مغز تخم خربزه از هر یک یکدرم رب السوس صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص

سازند شربتی سه درم **قرص** که بول الدم را نافع باشد **صفت آن** مغز تخم خربزه مغز تخم خیار

مغز تخم کدو از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم کوفته و بیخته قرص سازند

شربتی دو درم به شراب خشخاش **قرص مر** حیض براند و تسهیل ولادت کند **صفت آن**

مرسه درم ترس بجدرم سداب بود به فرد مانا شکر اسیع فوه حلبت جاوشیر و
سکنج از هر یک دو درم کوفته وبیخته قرص سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل **قرص عشر اللادنه**
تب ربع و وجع کبد و ترهل را نافع باشد **صفت آن** انیسون وعصاره غافت از هر یک چهار درم
اسارون ساذج هندی افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم صبر
دو درم کوفته وبیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم با آب گرم **قرص منوم** تخم شبت
دو درم زعفران تخم بزر البنج سیعه از هر یک یکدانگ تخم کاهو ~~خشخاش~~ افیون مطبوخ کوفته وبیخته
بلعاب صمغ قرص سازند شربتی مثقال **قرص منوم دیگر** تخم کاهو خشخاش باقلا مغز تخم خرفه کاکنج
از هر یک یکدرم مطبوخ کوفته وبیخته بلعاب بزرقطونا قرص سازند **قرصی** که نافع است
از جهت افراط خون بواسیر **صفت آن** مرجان کهربا ودع سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله
سیاه بلیله آمله مغز از هر یک بجدرم تخم گندنا سه درم مقل ده درم در آب گندنای تازه
حل کنند و داروهای کوفته وبیخته بان بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب
اهنگران **قرصی** که قی وحیضه را باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد **صفت آن** یک قرص تعقل
از هر یک ده درم کربا زج پوست انار مازو از هر یک پنج درم افیون دانگی کوفته وبیخته بربت

بسرشند و قرص سازند شربتی یکدرم و نیم **قرص سعفه** زرد چوبه مغز بادام تلخ از هر یک
بکوز مقل در سرکه خیسانند سه روز شوالی زرد چوبه مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند
و با یکدیگر نیک صلایه کنند و قرص سازند و در وقت حاجت با آب کاسنی بسایند و طلا کنند
قرص مثلث صداع شقیقه و سهر را نافع بود و چون بر پیشانی و صدغین طلا کنند
صفت آن افیون مصری یا ترکی لادن کافور زعفران بزرالبنج پوست بیخ لفاح از هر یک
بجدرم کندر انزروت آمله گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته وبیخته باب کاهو و کلابه سرشته
قرص سازند سه پهلو تا از قرصهای دیگر ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند
قرص زریخ آکله دهن و لثه را نافع بود و عفونت دفع کند **صفت آن** زرنیخ زرد و سرخ
اهک زنده و مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار از هر یک بجدرم شب یمانی اقاقیا
گلنار از هر یک سه درم کوفته در سرکه خیسانند و یکهفته در آفتاب بگذارند و بعد از
ان قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت دانگی از ان بلثه و دهن
بمالند و یکساعت بگذارند بعد از ان بر دهن کل فدری در دهن نگاهدارند **قرص دارد**
بعد از انکه سبیل چیده باشند استعمال نمایند **صفت آن** نوشادر سوخته از هر یک دو

درم توتیا دوازده درم برزده تخم مرغ بشکنند و در پوست تخم مرغ کنند و در گل حکمت
گیرند و در کوزه نو نهند و در کوره فخاری بگذارند تا پخته شود بعد از آن صلایه کرده
استعمال نمایند قطوری که نافع است از جهت قرحه گوش و چرکی که از گوش آید پاک کند
۲ صفت انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر مر زنگار خبث الحدید کوفته
و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند بعد از چند مرتبه ماء العسل چکانیده باشند و فتیله را به
عسل بیالایند و دارو به مذکور بگردانند و در گوش نهند قطوری که درد گوش از گرمی باشد
ساکن صفت روغن گل شش درم روغن بادام شیرین پنجدرم سرکه ده درم با آن گرم
سازند چندانکه سرکه برود و در روغن بماند نیم گرم در گوش چکانند قطوری که طنین و گرانی
گوش ببرد صفت کندر زعفران فرفیون جندبیدستر خربق سفید از هر یک سه درم
نطرون بوره از هر یک دو درم کوفته و بیخته در شراب حل کرده در گوش چکانند
۶ قطوری که کرم گوش را بکشد صفت آب برگ شفتالو آب برگ بید آب برگ ترب از
هر یک پنجدرم خربق سفید بوره ارمنی شونیز افسنتین راوند از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آبهای
مذکوره بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود و بعد از آن بسایند و در گوش چکانند

دیگر که درد گوش را که از سردی باشد ساکن گرداند صفت افیون جندبیدستر از هر یک
دو درم کوفته در دهن منفتح بسرشند تا بقوام آید و در روغن سوسن حل کنند و نیم گرم در گوش
چکانند قطوری که طرش را نافع بود صفت خربق سفید یکمثقال جندبیدستر نیم مثقال نطرون
دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند با آب سرگین اسب تازه در گوش چکانند با آب
ترب با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را نافع بود صفت افیون
یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن گل چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیم
گرم در گوش چکانند قطوری که درد گوش ها را دفع کند صفت سیر کوفته با زهره
گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که نافع است از جهت آبی که در گوش رفته
باشد صفت آب ترب آب پیاز بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش
ببرد صفت تخم حنظل سه درم بوره ارمنی یکدرم جندبیدستر زراوند قسط فرفیون
افسنتین از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته به زهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در وقت
حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ بسایند و نیمگرم در گوش چکانند قطوری که شب کور
را ببرد صفت آب سداب آب گشنیز مساوی بجوشانند تا به نیمه آید و دو سه نوبت

درچشم چکانند قطوری که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع بود صفت آن
سفیداب کندر انزروت صمغ عربی کثیرا نشاسته دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته بگلاب شیاف سازند
و در وقت حاجت یکی از آن بشیر دختران بسایند و بچکانند قطوری که دوی وطنین گوش را
ببرد صفت آن شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی نیم درم جندبیدستر زراوند مدحرج
از هر یک یکدرم و نیم عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو
سرشته و گلولها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام دو قطره در گوش چکانند نافع بود

باب الثانی [illegible] استسقا و برودت معده و تبهای کهن و سرفه بلغمی و ضیق النفس و قو
لنج و وجع طحال و سلعه بلغمی و بهق و اختناق رحم را سود دارد و بول بگشاید صفت آن هلیله
سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک هشت درم فلفل دارفلفل زنجبیل [illegible] نمک هندی
نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نمک خمیر لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خیربوا
قرفه قرنفل صعتر نمک کابلی مقشر شونیز حب البلسان زیره کرمانی ساذج هندی [illegible] کرفس [illegible]
از هر یک یکدرم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس خیارشنبر ده درم [illegible] آمله [illegible] مویز و آمله را
در شش من آب بپزند تا بدو من آید و پالایند و خیارشنبر را در آن حل کنند و سه من فانید هم در آن آب بگدازند

بو نیم روغن کنجد بادام بیامیزند و بجوشانند تا بقوام آید داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی یکدرم
با شیر شتر یا با آب عنب الثعلب کلکلانج بارد استسقاء حار را نافع باشد صفت آن مازریون مدبر
غاریقون مغز [illegible] پوست هلیله زرد از هر یک پنجدرم عصاره افسنتین سه درم تخم کشوث گل سرخ تخم کاسنی مغز
تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم ترنجبین فلوس خیارشنبر فانید سنجری از هر یک پانزده درم
صاف کرده بقوام آورند داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم تا چهار درم
کلکلانج بارد نافع است استسقائی که با او حرارت نباشد صفت آن مازریون مدبر غاریقون د
پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنجدرم ابرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافت سنبل الطیب انیسون
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم کمونی برودت
معده و شهوت کلبی حمیات بلغمی و سودایی و فواق بلغمی و سردی کرده و استسقاء و فتق و قولنج
ریحی را نافع باشد و بادها بشکند صفت آن زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سفید سیاه پانزده درم
زنجبیل [illegible] و سداب از هر یک پنج درم بوره ارمنی پنجدرم عسل سه وزن ادویه معجون چنانکه
رسم است شربتی یکمثقال کحل زعفران که حفظ تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافع است
صفت آن زعفران سنبل از هر یک دو درم دارفلفل یکدرم فلفل سفید و کافور از هر یک دانگی د

نیم توتیا در نیم درم مازو سه درم کوفته و بحریر بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت دارد صفة
آن شادانج مغسول دو درم دم الاخوین و ساذج هندی سنبل الطیب دار فلفل از هر یک نیم درم
قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند کحل دیگر توتیای
مغسول ده درم لب هلیله زرد از هر یک چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
کحل الجواهر بصر را قوه دهد و تیز گرداند صفة آن سرمه اصفهانی هفت درم مارقشیشا پنج درم اقلیمیای
طلا دوازده درم مروارید ناسفته سه درم زعفران نیم درم ساذج هندی دو درم صلایه کرده در چشم
کشند کحل دیگر نسخه دیگر سرمه شش درم توتیا چهار درم لب مارقشیشا از هر یک دو درم مروارید
ناسفته هفت درم ساذج هندی یک درم مشک بطسوج صلایه کرده چنانچه رسم است استعمال نماید صفة آن
نوعی دیگر سرمه اصفهانی توتیای هندی از هر یک ده درم مارقشیشا مرجان سرخ دهانه فرنگی عقیق سرخ
طلا نقره مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیای طلا و اقلیمیای روی سوخته از هر یک چهار درم
سرطان بحری مروارید ناسفته ساذج هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران و
توبال مس سوخته از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال نماید کحل ... نافع است از جهت ضعف
بصر و شبکوری صفة آن مس سوخته شادانج مغسول از هر یک پنج درم فلفل دار فلفل شحم حنظل
زعفران از هر یک

زعفران نیم درم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک یک درم اقلیمیا دو درم صلایه کرده استعمال
نماید کحل ... بصر را تیز گرداند و تاریکی چشم را ببرد و دمعه و سبل را نافع بود صفة آن
سرمه اصفهانی سوخته پنج درم اقلیمیای طلا و نقره شادنج عدسی مغسول توتیای هندی مس سوخته
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد ساذج هندی فلفل دار فلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی
زعفران سرطان بحری از هر یک یک درم زنجبیل نیم درم کافور نیم دانگ مشک سه حبه قرنفل
دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند کحل بارد بصر را قوة دهد و دمعه را باز دارد و حکه جفن را سود
مند دارد صفة آن شادنج عدسی ساذج هندی از هر یک دو درم دار فلفل دم الاخوین از هر یک
نیم درم روی سوخته مازو از هر یک یک درم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور بطسوج کوفته و بحریر بیخته
بدان اکتحال نماید کحلی که نزول آب را نافع باشد صفة آن زهره کوهی ده درم شحم حنظل یک مثقال
فرفیون نوشادر از هر یک نیم مثقال سکبینج نیم درم کوفته و بیخته با آب ... ساب کرده بر کشند
که بغایت مجرب باشد کحلی دیگر استخوان خرما سوخته پنج درم دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک
سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر چشم کشند کحل ... تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه
را نافع بود صفة آن شادانج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب

از هر یک پنج درم سادج هندی دو دانگ فاقله مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بیخته
استعمال نمایند کحلی که صحت چشم را نگاه دارد صفت آن توتیا ده درم شیاف مامیثا ده درم
صبر سقوطری حضض مکی از هر یک یک درم کافور دانگی کوفته و بیخته با آب غوره یا آب سماق و پرورند و در
سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کنند کحل صفت آن زرد پاک چهار من بکوبند و بپزند و
بکمن کاغذ و نیمی نمک در آب بمالند تا حل شود بعد از آن گل بر سر آن ریزند و یکبار یک سوی سرادمی و
بمقراض چیده و یکبار یک سرکینی ... بیخته داخل کنند و نمک بمالند بعد و در باب ترین کنند
و می سرشند و انگاه وصله وصله کنند و خشک کنند و در وقت حاجت مقدار
که خواهند بکوبند و با آب سرشند و استعمال نمایند باب لعوق سرفه و خشونت
حلق و ریه را نافع باشد و سینه را نرم گرداند و نفث الدم را آسان گرداند و طبع
را نرم سازد صفت آن سپستان دویست عدد مویز طائفی منقی چهل درم فلوس
خیار شنبر پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست بمالند و
صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند لعوق زوفا ربو
و سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط غلیظه پاک گرداند صفت آن

زوفای خشک ایرسا از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
و صاف کنند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق حب الرشاد سرفه بلغمی را نافع
بود و سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن تخم تره تیزک ده درم اصل السوس
چهار درم بهدانه پنج درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیمکوفته در دو
رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند با یک رطل عسل صاف بقوام
آورند لعوق بزر الکتان ربو و سعال مزمن را نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک کند
و بر نفث الدم اعانه دهد صفت آن بزرک بریان کرده سی درم قردمانا ده درم کوفته و بیخته
بعسل سرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر سل و قرحه و شش و سرفه حار را
نافع باشد صفت آن نشاسته کتیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار
تخم کدو درم مغز جلغوزه هفت درم صمغ عربی فاقله از هر یک شش درم قند
سفید شصت مثقال کوفته و بیخته و با رطلی عسل بقوام آورند و بیست درم روغن
بادام داخل کنند و بر دهن بادام سرشند و استعمال نمایند لعوق خشخاش نسخه
یحیی ابن ماسویه ورم حلق و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع باشد صفت آن

عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم مویز منقی پنجدرم بنفشه اصل السوس پنجدرم کتیرا پانزده درم بزر قطونا بیست درم مجموع بکوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بثلثی آید صاف کنند و پنجدرم مغز خیارشنبر در آن بمالند و دیگر باره صاف نمایند و یکرطل مینفختج و سی درم فانید داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و باروغن بنفشه بادام بلیسند **لعوق خشخاش** سل و قرحه و نفث الدم و سرفه تیز را نافع باشد **صفت ان** پوست خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل بجوشانند تا بر رطل آید و یکرطل قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و بعد ازان رب السوس و مغز بادام مقشر و مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم کوفته بآن ممزوج سازند شربتی ده درم بلیسند **لعوق سیر** سرفه بلغمی را سود دارد و ماده را نضج دهد و سینه را پاک گرداند **صفت ان** سیر پاک کرده نیمی در نیمی روغن گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و نیک بمالند و با یکمن عسل صاف بقوام آورند **لعوق خلال** چون با شیر مادر در گلوی اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد **صفت ان** صمغ عربی فانیذ از هر یک چهار درم مغز بادام یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **لخلخه** که شقیقه را نافع

باشد **صفت ان** مغز تخم کاهو از هر یک یکدرم بزر البنج کتیرا از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته بسرکه بسرشند و بر کاغذ کشند و شقیقه چسبانند و در دراسکن کند **لخلخه** که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد **صفت ان** صندل سفید سائیده کشنیز خشک گلاب و سرکه در ظرفی کنند و بو بیند **لبوب کبیر** گرده گرم کند و قوی گرداند و منی بیفزاید و نعوظ آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ را نیکو گرداند و اعصاب سازد و در امر مجامعت نظیر ندارد و گفته که بدین مداومت ده روز بمالند هرگز نعوظ او ساقط نشود **صفت ان** مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حب الخضرا مغز کردکان مغز چلغوزه مغز حب البطم ماهر و بیان خولنجان شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید تودری سرخ و زرد زنجبیل کنجد مقشر دارچینی بسباسه از هر یک پنجدرم سنبل سعد کوزه قرنفل کبابه چینی حب القلقل تخم گزر تخم شلغم تخم پیاز تخم ترب تخم اسپست تخم لیمون لسان العصافیر دروغ عقربی زرنباد از هر یک سه درم جوز بوا بسباسه هالهٔ دار فلفل از هر یک دو درم قضیب گاو نر

بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم مایه شترا عراقیه زعفران مصطکی از
هر یک سه مثقال عود خام ۵ مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد
عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک یک مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون لبوب کبیر
منی بیفزاید و کلیه و مثانه را قوی سازد و نسیان را نافع باشد و روی را نیکو گرداند و دماغ
را قوت دهد و قضیب را محکم سازد و در امر مجامعت عظیم نافع است صفت آن مغز بادام
مغز گردکان مغز حب الخضرا مغز چلغوزه مغز حب الزلم مغز پسته نارجیل تازه حب القلقل خشخاش
سفید تودری کنجد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم اسپست تخم شلغم بهمن زنجبیل دارفلفل کبابه جزر
قرفه دارچینی شقاقل خولنجان هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه
شربتی دو درم باب السموم و ذکر قریب النفع بتریاق فاروق لیکن تریاق در دفع سموم ازین
انفع است و در امراض شربت در امراض مذکوره زیاده از آنست صفت آن مر زعفران [illegible]
زنجبیل دارچینی کبر از هر یک دو درم سنبل کندر خردل سفید عود بلسان اسطوخودوس سیسالیوس
فطراسالیون قنه علک البطم دارفلفل عصاره لحیة التیس اذخر جندبیدستر سادج هندی
میعه جاوشیر از هر یک سه درم سلیخه فلفل سفید و سیاه سورنجان اسقوردیون جعده

دود

دو دو اکلیل الملک حلبه با رزنی بلسان حب بلسان اقراص زرفیون مقل از هر یک یکدرم [illegible]
سداب دو درم اشق سنبل رومی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون قردمانا رازیانه
افیون گل سرخ مشکطرامشیع از هر یک پنج درم انیسون وج موم [illegible] اسارون انزروت از هر یک
سه درم اقاقیا ناردین سقنقور میوه فاریقون از هر یک چهار درم و نیم شراب ریحانی کهنه
چندانکه صمغها را حل کنند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نماید صفت اکبر صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه و فالج
و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و ربو بلغمی و قروح امعاء و مقعد
ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و نفث الدم را باز دارد و چون با آب لسان الحمل دهند
درد معده و سپرز را نافع باشد و چون با آب رازیانه دهند تبهای کهنه را زایل گرداند
و محلل اورام بود و دفع سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت آن
سلیخه اذخر از هر یک یک وقیه و نیم جندبیدستر فطراسالیون از هر یک یازده مثقال تخم
کرفس دو وقیه سیسالیوس یک مثقال قسط دارچینی اقراص اندروخما میعه سائله اسارون
از هر یک شش مثقال فلفل دوازده مثقال سنبل هفت مثقال حماما زعفران و دارفلفل

از هر یک چهار مثقال افیون و [illegible] از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون
سازند چنانکه رسم است و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال یکدرم تا یکمثقال
معجون [illegible] و از ماده الحیاه گویند حافظه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم رفع
کند و نسیان و سلس البول و درد پشت دور کرده و اوجاع مفاصل را نافع بود
و منی زیاده کند و باه زیاده کند و دندانها را سخت کند و دل را قوت دهد و
و رنگ رو را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران و سرد مزاج را موافق باشد
زنجبیل فلفل دار فلفل دار چینی [illegible] مقشر [illegible] شیطرج زرنباد [illegible] خصیة الثعلب
جلغوزه [illegible] بابونه [illegible] از هر یک ده [illegible] بابونه پنجدرم [illegible] سفید [illegible] عسل
مصفی مقابل ادویه بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم معجون [illegible] این
معجون [illegible] گویند همه دردها را تسکین کند صفتش افیون بزر البنج از هر یک
ده مثقال فرفیون سنبل زعفران [illegible] قرحا [illegible] قاقله دار فلفل از هر یک پنج مثقال
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از نیم مثقال معجون [illegible] صعب را در زمان [illegible]
صفتش [illegible] قرفه [illegible] دار فلفل زنجبیل [illegible] مقشر قرنفل از هر یک یکمثقال تخم

باترنجبین

تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال زربد سفید سقمونیا از هر یک ده
مثقال کوفته و بیخته باسه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون [illegible] که همین
خاصیت دارد صفتش زر الذهب چهار درم [illegible] زربد سفید از هر یک پنجدرم تخم کرفس
انیسون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم معجون
[illegible] ریح بکشد و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن گرداند صفتش سقمونیا ده درم
قاقله کبار و صغار زنجبیل و دارچینی و قرفه و [illegible] قرنفل فلفل از هر یک پنجدرم شکر سرخ
زربد سفید از هر یک صد مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم
معجون [illegible] صفرا و بلغم دفع کند صفتش مقشر [illegible] مغز بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران
یکدرم نبات بیست و پنج درم در گلاب بگذارند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی
یکمثقال معجون اسود زهیر و اسهال کهنه را سود دارد صفتش افیون جند بیدستر میعه
بزر البنج زعفران اسارون [illegible] تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی جلنار ساری کوفته
و بیخته باسه چندان عسل معجون سازند شربتی یکدرم با آب سرد یا آب [illegible] معجون [illegible]
سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفتش مقشر تخم خیار مغز تخم خربزه مقشر تخم کدو حب
کاکنج از هر یک پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم صلابه کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم

تا سه درم معجون [illegible] سنک کرده و مثانه بر براند و گزنده کی عقرب را بغایت نافع بود
[illegible] عقرب محاق سه درم و نیم جنطیانا یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم فلفل دار فلفل
از هر یک ده درم کاکنج پنجدرم و نیم جند بیدستر چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی دانکی با آب کرفس معجون [illegible] فرجه کرده و مثانه و بول الدم را نافع باشد [illegible]
بزر البنج تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم متو تخم خربزه تخم حماض افیون مغز
جلغوزا بریان کرده فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یک سه درم زعفران دو
درم و نیم کاکنج پنج عدد کثیرا چهار درم کوفته و بیخته بمیبختج بسرشند شربتی یکدرم
با خندیقون یا ماء العسل یا شراب خشخاش [illegible] لقوه و فالج و رعشه و
برص و خدر را نافع باشد [illegible] زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج عسل بلادر
از هر یک ده درم سداب جلنبث زراوند مدحرج جنطیانا شیطرج حب الغار
جند بیدستر خردل از هر یک پنجدرم با عسل صاف معجون سازند شربتی یکمثقال
[illegible] نسخه محمد ذکریا و قولنج بکشاید و استسقاء طبلی و جمیع امراض رنجی که
با آن حرارت نباشد نافع بود [illegible] سداب خشک پنجدرم نانخواه زیره کرمانی
کاشم شونیز صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل فودنج دارفلفل وج

زوفا حب الغار جند بیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها
را در شراب حل سازند و داروها کوفته داخل نمایند و به عسل بسرشند شربتی دو
مثقال معجون [illegible] و آن را معجون ربو نیز گویند از ترتیب محمد ذکریا است چون ضیق
النفس و سرفه بلغمی را نافع بود [illegible] زراوند مدحرج قردمانا فلفل کرسنه تخم
سپندان سفید مغز بادام تلخ انجره از هر یک پنجدرم رب السوس پرسیاوشان زوفا
از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا [illegible]
[illegible] مواد بارده را دفع کند و بادها بشکند [illegible] اسهل نانخواه کندروج دارچینی
مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند چنانکه رسم است شربتی دو درم
[illegible] نافع است سرفه را که سبب آن رطوبت باشد [illegible] مقو جلغوزا و مغز
پسته مغز بادام مقشر بزرک از هر یک ده درم فانیذ سی درم بطریق معهود معجون
سازند شربتی مقابل کردکان [illegible] ورم جگر را نافع بود [illegible] گل سرخ
چهار درم تخم کشوث هفت درم ریوند صبر لک مغسول از هر یک یکمثقال و نیم سنبل زعفران
از هر یک سه درم و نیم مثقال زعفران در سرکه حل کنند و داروها کوفته و بیخته
بدان مخلوط سازند و به عسل بسرشند [illegible] قولنج را در ساعت بگشاید

صفت آن فلفل و دار فلفل زنجبيل زيره كرماني سداب خولنجان قرفه از هر يك ده
درم سقمونيا هفتاد درم عسل صد و پنجاه درم معجون سازند شربتي يك مثقال
معجون ابتداء نزول را نافع باشد صفت آن وج حلتيت زنجبيل را از هر يك مساوي با
عسل معجون سازند معجون ... تركيب جالينوس است بغايت منفعت دارد قضيب را
سخت گرداند و اوعيه مني گشايد و شهوت زياد كند و اعصاب را قوت
دهد و در جوف تغييري عظيم پيدا و نعوظ بسيار آورد و دوستي مرد و زن و دل زن
پيدا كند صفت آن مرواريد ناسفته بسد از هر يك يكدرم انيسون بهمني از هر يك
سه درم كاكنج نخلبلاب از هر يك يكدرم فقاح اذخر سعد كرمانج سليخه داچيني
اسارون مصطكي از هر يك نيم مثقال صمغ عربي كتيرا از هر يك نيم درم كوفته و بيخته
و عسل برابر آن و به سرشند و در وقت خواب و نزديك مجامعت يك مثقال
با آب نيم گرم بنوشند معجون ... اعضاء رئيسه را قوت دهد و باه را زياده
كند و نشاط آورد و معده را قوي گرداند و اشتهاء آورد و رنگ را نيكو گرداند
و طعام را هضم كند صفت آن دار چيني سنبل الطيب پوست بيرون پسته جوز بوا
سنعات خولنجان بهمن سرخ و سفيد شقاقل دواله پوست بليله باد رنجبويه كافيان

از هر يك سه درم مصطكي قاقله زنجبيل قرنفل اسارون سادج هندي كبابه چيني
پوست ترنج درونج رومي زرنباد و صندل سرخ و سفيد حب الفلفل انيسون نعناع بسباسه
هليله سياه پوزيدان زعفران ماه فرفين كهربا مرواريد صلايه كرده باشند مرجان ابريشم
ده درم سعد كوفي ورق گل سرخ از هر يك پنج درم ... عنبر اشهب يك مثقال
ورق طلا سي عدد ورق نقره پنجاه عدد ... نيم معجون سازند چنانكه
رسم است معجون ... تقطير البول و سرعت انزال را نافع بود صفت آن علك
رومي كندر جفت بلوط بزر القطونا مساوي كوفته و بيخته باد و مقدار آن عسل بسرشند
شربتي دو مثقال معجون ... كه همان خاصيت دارد صفت آن كندر گلنار بلوط شونيز
كشنيز خشك از هر يك ده درم زيره كرماني كرويا نانخواه از هر يك پنج درم پوست
بليله هليله سياه پوست هليله زرد و آمله مقشر از هر يك سه درم كوفته و بيخته با
چندان عسل بسرشند شربتي دو مثقال صباح و مسا بنوشند و غذا كباب و ...
غلبه مناسب است معجون ... كه همان منفعت دارد صفت آن كبابه چيني قرنفل فو
فل خصيت الثعلب مصطكي سنبل نانخواه از هر يك ده درم با نيم عسل معجون
سازند شربتي ده درم معجون ... در تقويت باه بي نظير است صفت آن

تخم کرفس تخم شلغم تخم ترب تخم هلیون تخم انیسون تخم جرجیر مغز جلغوزه حب الفلفل تخم با[دیان]
مغز حب الزلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمن
سرخ و سفید دارفلفل قرنفل حلتیت قرفه مساوی کوفته و بیخته بعسل ببرشند شربتی
سه درم در شیرباز [illegible] مفرحات است و بعضی از تریاقات شمرده اند
و منافع بسیار دارد [illegible] زنجبیل سنبل دارفلفل خیربوا جوزبوا
فاقله کبار شیطرج هندی لسان ال[illegible] درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی لسان
الثور خولنجان فرنجمشک مروارید [illegible] صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل
سرخ یاقوت رمانی بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم بسباسه شش درم پوست
ترنج سه درم پوست هلیله یکدرم عنبر اشهب زعفران از هر یک درم و نیم مشک نیم درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکدرم تا دو مثقال [illegible] درد معده
و جگر که از سردی باشد زایل گرداند و استسقاء را نافع باشد صفته انیسون
تخم کرفس [illegible] مغز بادام تلخ مساوی کوفته با سه چندان عسل ببرشند
شربتی دو درم [illegible] معده و جگر را نافع بود صفته سنبل فقاح
اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم موی زمنقی سلیخه از هر یک پنج درم

زعفران انیسون [illegible] از هر یک یکدرم فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل و موی[ز]
را در مثلث حل کنند و داروها کوفته و بیخته بران بپاشند و با عسل معجون سازند
[illegible] سرفه و درد جگر و درد معده و سینه را سود دارد و آواز صاف گرداند و بول
براند صفته موی زمنقی بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از
هر یک یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم و مقل از هر یک ده درم
انچه حل کردنیست حل کنند و انچه کوفتنیست بکوبند و ببیزند و با عسل مصفی ببرشند شربتی
یکدرم بشراب دوفا با آب گرم بنوشند [illegible] مفاصل و نقرس و درد [illegible]
و تبهای کهن و ضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی چشم نافع بود و با
دهای غلیظ را دفع کند صفته جنطیانا رومی اسطوخودوس قردمانا جاوشیر و
کمافیطوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون سلیخه از هر یک پنج مثقال
مر زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل فرفیون پوست بیخ لفاح اشق فودنه را
زبانه دوقو ورق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه مثقال قرد[مانا]
مثقال سلیخه شانزده مثقال عصاره غافت تخم خندوقی صمغ عربی بادام از هر یک
چهار درم افیون بزرالبنج سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم [illegible]

مل کردنی است در مثلث یا در عرق اذخر حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند و با آب مرزنجوش
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند معجون مفرح خفقان بارد و صرع و درد معده را که از
سردی باشد و فواق امتلائی را نافع بود و سده بگشاید صفت آن جند بیدستر زرنب السوس بهمن
قسط تلخ فلفل سیاه افیون میعه زعفران بسباسه از هر یک سه درم جاوشیر یکدرم درونج عاقرقرحا
زرنباد مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربت
مقابل نخودی معجون که از جهت درد معده نافع است صفت آن پوست سنگدان خروس
از هر یک دو مثقال گل سرخ ۳ درم نعناع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج
پوست بلیله زرد از هر یک یک مثقال بهمن سرخ و سفید و صندل سرخ و سفید صعتر
کشنیز خشک بریان کرده حب الآس از هر یک دو درم کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند
معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت آن هلیله سیاه
پوست بلیله کابلی پوست بلیله آمله افسنتین افتیمون از هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس
زبد سفید از هر یک پنج مثقال غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم عسل سرشته شربت پنج مثقال تا هفت مثقال
معجون مسهل صفرا و سودا و بلغم بود صفت آن زبد سفید ... درم ... هندی ... السوس از

۷۸

هر یک هفت درم رازیانه و انیسون و مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم
سه درم روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک سه مثقال مغز خیار شنبر در عسل و قند
حل کنند و داروها را کوفته به روغن بادام چرب کنند و با یکدیگر بسرشند شربت از پنج مثقال
تا هفت مثقال معجون مسهل صفرا و سودا و بلغم و خصوص مفاصل و نقرس بود و عرق
النسا را دفع کند صفت آن سورنجان شش مثقال ماهی زهره زیره کرمانی تربد تخم کبر
شیطرج هندی بوزیدان از هر یک دو درم پوست بلیله زرد هفت درم تخم کرفس تخم
هندی برگ حنا زبد البحر فلفل سفید رازیانه صعتر از هر یک یک مثقال گل سرخ و تخم سقمونیا
کشنیز خشک از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم و نیم عسل
صاف صد و پنجاه درم شربت پنج مثقال تا هفت مثقال معجون ... درد جگر و ضعف معده را
نافع بود و سده بگشاید و ادرار ... کند صفت آن مشک سنبل الطیب سادج هندی
مغسول ریوند چینی ... از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی
از هر یک سه درم عود هندی ... قرنفل از هر یک نیم مثقال با سه چندان عسل معجون سازند
معجون ... معده را پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن صعتر
زوفا و نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال ... رازیانه ...

جوزبوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال جاوشیر دو مثقال کوفته با سه چندان عسل سرشته و بخورند

[illegible] درد پشت و درد [illegible] را نافع بود و باه را قوت دهد و معده را پاک کند و موی را دیر

سفید کند و سودا را نافع باشد و سرعت انزال را دفع کند [illegible] گل سرخ سعد عاقرقرحا

قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلتین صغار و کبار خولنجان جوزبوا مساوی قند و عسل با

نصفه بقدر احتیاج قند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته

و بیخته با آن سرشته [illegible] اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ صحت نماید و منی زیاد کند

[illegible] زعفران عاقرقرحا بذرالبنج فرفیون جوزبوا قاقله کبار دارفلفل جند بیدستر مساوی

کوفته و بیخته با سه چندان عسل سرشته [illegible] لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق

و برص اسود دارد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت هضم

[illegible] و رنگ را سرخ کند و حرارت غریزی را افروزد و پیران را نافع بود [illegible]

سیر پاک کرده [illegible] در یکمن شیر گاو تازه ماده بپزند تا مهرا شود و سه چهاریک عسل

[illegible] روغن گاو [illegible] بریزند و با یکدیگر [illegible] بسازند و [illegible] دارو را

کوفته و بیخته بر آن [illegible] قرنفل جوزبوا [illegible] فلفل مصطکی قاقله صغار و کبار [illegible]

دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم عود خام زعفران از هر یک پنج درم شربت مثقال گردکان

[illegible] معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی را باز دارد و دوار بلغمی و سوداوی را نافع باشد

[illegible] هلیله سیاه بلیله و آمله تربد هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم

نمک هندی دو درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته [illegible] سرشته

سه درم با آب گرم [illegible] اوجاع کبد را نافع بود [illegible] دارچینی سلیخه قسط از هر یک [illegible] درم

افیون و [illegible] ریوند چینی تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون [illegible] درم زعفران

هشت درم قفاح اذخر از هر یک [illegible] چهار درم مر را در شراب خیسانیده تا حل شود

و ادویه دیگر را کوفته با آن سرشته و بعسل صاف معجون سازند [illegible] فالج و لقوه و استرخا

و امراض بلغمی را نافع باشد و چون بر عضو مفلوج و مسترخی طلا کنند نافع بود [illegible] افیون

فرفیون جند بیدستر دارچینی فلفل بذرالبنج [illegible] زنجبیل زعفران مساوی کوفته بعسل سرشته

[illegible] که لغرش بلغمی را نافع بود [illegible] هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا از هر یک [illegible]

فلفل سفید یک درم و تخم [illegible] کرمانی هفت درم [illegible] چهار درم زنجبیل دو درم افیون نیم مثقال

کوفته و بیخته بعسل سرشته شربت دو مثقال [illegible] قولنج را نافع باشد [illegible] تخم کرفس سکبینج

جند بیدستر سقمونیا از هر یک [illegible] سقمونیا را در روغن بادام بسایند و سکبینج را در عسل حل کنند

و با یکدیگر بیامیزند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن سرشته شربت سه مثقال [illegible]

رانافع باشد صفته دقوار نوید جلبنی ذهر حب بلسان افیون و دهن بلسان سلیخه زعفران دارچینی اسارون
کمافیطوس از هر یک سه درم مغز حلغوزه سی درم نعناع خشک یکدرم کوفته بعسل سرشند معجون زرنباد
درد معده و جگر و اورام رحم را نافع بود صفته زرنباد درونج جبلی شهدانه وج بیخ انجدان تخم کرفس بزر بادیان
بان خواه مساوی کوفته بعسل سرشند و بعضی بعوض شهدانه راسن کنند شربت یکمثقال با ماء العسل
معجون شهوات رقیه را نافع بود و صداع را مفید بود صفته ایاره فیقرا دوازده درم تربد
بلیله کابلی بهیت بلیله بله از هر یک دو درم ملح نفطی دو درم و نیم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربت دو درم با چهار درم در طبیخ بود نه معجون درد جگر و معده و تبهای کهنه و تب سرد را
نافع بود و بادها بشکند و طعام را هضم کند صفته بود نه برگ سداب فلفل زنجبیل بادیان خولنجان
کرویا کاشم دارچینی دار فلفل مساوی بعسل معجون سازند شربت دو درم معجون نوکیس
اورام مقعد را نافع بود و بادهای امعاء را بشکند و خون ریختن زر بود بسیار دارد صفته
تربت بلیله کابلی بوبت بلیله داملة مقشر تخم گندنا تخم ریحان تخم سفیدان سفید از هر یک پنجدرم مقل
پنجاه درم مقل را در آب کنند تا حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان سرشند شربت دو درم
معجون ازکوتوال ادرار بول را نافع بود و سیلان منی باز دارد و خواص بسیاران را
اقاقیا گلنار از هر یک سه درم صندل سرخ و سفید قلومس قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
طباشیر از هر یک دو درم حب الآس و مثقال کندر یکدرم کوفته و بیخته بگلاب سرشند شربت
یکدرم غذا کباب مرغ معجون اسهال مزمن و زحیر را نافع بود صفته افیون جند بیدستر میعه

سائله بذر البنج زعفران مر اسارون تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار مساوی
کوفته و بیخته با سه چند آن عسل سرشند شربت یکدرم مرتب با آب مورد یا با آب سماق معجون
امراض صفراوی را نافع بود و حرقة البول را نافع بود صفته مغز بادام شیرین از هر یک چهار
درم تخم کاسنی سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سلیخه از هر یک پنجدرم کتیرا یکدرم اصل السوس
دو درم کوفته و بیخته بگلاب معجون سازند شربت یکدرم بگلاب گرم کرده معجون نسیان
مالیخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع مفاصل و درد معده را سود دارد و داء الحیة و داء الثعلب را
و داء الفیل و تقطیر بول و سده کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی را و عسر البول را نافع بود
و بواسیر و یرقان سدی و طحال را نافع و دفع سموم غائله کند و دل را قوت دهد و باه را زیادت
کند و حب القرع را دفع کند و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن و بوی عرق
خوش کند و گرانی گوش و زبان را ببرد و صداع را زائل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را
سود دارد و پیران را بغایت مفید بود صفته ثابا فرد مانا از هر یک تخم فرنجمشک حب الغار زرنباد درونج
طویل از هر یک یکمثقال اسطوخودوس جند بیدستر حب بلسان عود بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک یکدرم
مروج درونج عقربی زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر تخم سپارا تخم گندنا از هر یک درم صبر سقوطری درم
زنجبیل مجوف درم عود خام دوازده درم جوز بوا زنجبیل چینی قرنفل قاقله نشیل الطیب
زعفران اسقیل بریان کرده زرنب شیطرج افتیمون از هر یک سه درم درونج گل سرخ بادرنجبویه
لک مغسول از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بروغن بادام ملح معجون سازند و با عسل سرشند در ظرف

عنب الثعلب یک درم و شکر و شیره گاو
بادام

ایلیه کنند و در میان شش ماه بکذارند شربت از هر درم تا پنج درم معجون فولاد ان معجون هندیان آ
و ترکیب عجیب است عنی فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان و عرق النساء و مفاصل بلغمی را و امراض
بارده را نافع بود و حفظ را زیاد کند و معده را قوت دهد و باه را برانگیزد و سرعت انزال و سلس البول را
نافع و پیران را موافق باشد نسخه زعفران فلفل دار فلفل زنجبیل مغول ماش لیمو صلایه کرده کیابه
جینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور بسباسه قرنفل دارچینی صندل تره کرمانی سیاه تخم جرزه تخم کابلی تخم خشخاش
عاقرقرحا بهمن سرخ و سفید بلیله کهربا مرجان مروارید ناناشقیقه لسان العصافیر تخم کرفس تخم دانه کرم
باتوره زیره کرفه بریان کرده حنظل نانخواه اعوادی زنجبیل مغز تخم خیار مغز بادام کنجد مغز کدو
یا پونه و جوزبوا آمله فاقله بلیله کشنیز تخم نخواه جوز هندی بادیان تا سنجه از هر یک دو مثقال شیر غاز مغز جلغوزه
بعار کرده کان حب الصنوبر هندی حبة الخضراء زنجبیل دارا بلادر زیره کرفه بریان کرده افتیمون مصری
زراوند طویل بادر نخصل زراوند مدحرج حشیش سبز خشک از هر یک نیم مثقال افیون چهار مثقال عنبر خالص
و مشک تبتی از هر یک یکمثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک پنجاه عدد جمیع اجزا عسل صاف
مقابل ادویه فولاد مکلس بر صد مثقال و زرد ده مثقال دستور معجون معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربت یکدرم و طریق تکلیس فولاد آنست که فولاد خوب را خالی از زنگ
نسانند و صلایه کنند و پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال کوکرد زرد پاک کرده صلایه کرده
بان ضم کنند و در بوته ریزند و در کوره نهند و آتش کنند چندانکه کوکرد بسوخت و دود کوکرد در آید
بعد از آن خوب صلایه کنند باز پنجاه مثقال دیگر کوکرد بان صلایه کنند و همان طریق در بوته ریزند و در

و پوست سیاه
او باز عنوان
... و کلابه مجرب
... مجرب

مجرب

... بوابیر
عدد و زق بکر ...
با روغن گاو
بسوزانند و با پنبه
بردارند مجرب
... سه روز مجرب

ودر کوره آتش کنند تا کوکرد تمام بسوزد پس از بوته بیرون آورند و با آب صبر که به کهنه صلایه
کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن ... بشویند تا تلخی از آن برود پس باب بشویند تا شیرین شود
بعد از آن خشک کنند و باب برگ صلایه کنند چندانکه در آب ریزند به ته نرود تا تمام زرد زرد
بالای آب بماند ... که نافع است از جهة کسی که بواسطه درد معده طعام را قی کند اصول
اذخر سعد از هر یک یکدرم است بلیله فلفل کندر تخم از هر یک نیمدرم دانه موبیز منقی زنجبیل دارچینی
سلیخه قوه از هر یک دانکی و نیم مصطکی عود خام از هر یک دو دانگ قرنفل سک از هر یک دانگی
مویز را کوبیده بدان سرشند و هر روز مقابل بکبار دو نم تناول نمایند ... اسهال کهنه و ... تیر را
نافع بود ... چند عدد اسارون افیون میعه سائله بذر النبج کندر مساوی بعسل معجون سازند شربت
درم تا سه درم ... بسیاری بول که از سردی بود نافع باشد و بار دارد ... جفت البلوط بهر یک درم
شور کندر که در سرکه خیسانیده باشد تا شش روز پس خشک کرده و کوفته بیخ درم طباشیر چهار درم
خشک سه درم شوکران ... درم میعه ساده هر شش شربت بامداد سه درم ... درم میعه
درم صلب کبد و معده را نافع بود ... ابو بند حلبی راس ... انیسون غار از هر یک
یک جزو تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه از هر یک یکدرم کوفته و بیخته عسل سه چندان ادویه شربت یکمثقال
که منع مستی کند ... شاخ برکوهی سوخته مغز بادام تلخ تخم کرفس کوفته کوهی ... نفطی
سداب تا کلا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند ... درد معده و درد جگر

سعوط ...
ابونیا ...
دو ... ارا ...
ابیب با ...
ابیب ... بسل ...
مجرب
... مجرب
بجوز ماثل ...

درزار نافع بود [illegible] بشکند صفت [illegible] تماما نخواد [illegible] تخم [illegible] سبب [illegible]

[illegible] رزاوند طویل مصطکی ۲ [illegible] کرد یا اجزا المساوی با عسل [illegible]

[illegible] معجونی با قعت [illegible] کسی که [illegible] زرار [illegible] صفت [illegible]

زنجبیل دارچینی [illegible] شقاقل [illegible] لسان العصافیر مصطکی زعفران دار فلفل

[illegible] کل [illegible] بهمن سفید و سرخ تخم [illegible] تخم [illegible] از هر یک دو مثقال [illegible] عنبر

از هر یک یکمثقال حب القلقل [illegible] زاید العکرنت [illegible] مثقال عسل [illegible]

[illegible] معجون [illegible] از هر یک [illegible] کل [illegible]

[illegible] حب اللعلی [illegible] زن العصفر [illegible] تخم [illegible]

ورق ان از هر یک ۳ [illegible] صفا [illegible] از هر یک [illegible] زعفران

مصطکی از هر یک [illegible] از هر یک [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] عنبر ۲ مثقال [illegible]

[illegible] مروارید [illegible] از هر یک [illegible] ورق طلا ورق نقره [illegible]

[illegible] ۲ [illegible] عسل [illegible] معجون [illegible]

[illegible] مساوی وزن [illegible]

[illegible] بمقدار نخود دو دانه [illegible]

٨٢

دقیق [illegible] بد [illegible] جگر و دل و معده را قوت دهد و هاضم طعام [illegible]

حافظه [illegible] دوزن [illegible] تسبیح [illegible] صفت [illegible] سنبل [illegible]

[illegible] زنجبیل دار صینی [illegible] زعفران [illegible] سرخ و [illegible] مصطکی [illegible]

از هر یک [illegible] درم تخم [illegible] مثقال [illegible] تخم [illegible] از هر یک [illegible] مثقال

[illegible] از هر یک [illegible] مثقال [illegible] از هر یک [illegible] مثقال

عسل [illegible] بقدر [illegible] معجون [illegible]

[illegible] صفت [illegible] درم [illegible] یکدرم [illegible]

[illegible] یکمثقال [illegible] معجونی که [illegible]

قلب و معده صفت [illegible] مروارید [illegible] ۳ مثقال [illegible]

[illegible] از هر یک ۲ مثقال [illegible]

[illegible] ۲ مثقال [illegible] از هر یک ۳ مثقال [illegible]

[illegible] از هر یک ۲ مثقال [illegible] ۳ مثقال [illegible] از هر [illegible]

[illegible] از هر یک ۳ مثقال [illegible] ۲ مثقال [illegible]

از هر یک [illegible] مثقال [illegible] مثقال [illegible]
[illegible] از هر یک ۲ مثقال [illegible] بذر البنج تخم [illegible] مثقال
[illegible] از هر یک ده مثقال عسل [illegible] ادویه که [illegible] مثقال باشد **معجون** [illegible]
[illegible] کرم [illegible] کند **صفت ان**
[illegible] از هر یک [illegible] مثقال [illegible]
یک [illegible] از هر یک [illegible] مثقال [illegible]
[illegible] بذر البنج [illegible] از هر یک ۲ مثقال [illegible]
[illegible] تخم [illegible] از هر یک مثقال [illegible] مثقال [illegible] ادویه همه عسل
[illegible] همه عسل [illegible] ادویه **معجون** [illegible] نافع باشد **صفت ان**
[illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] درم
[illegible] معجون [illegible] **معجون**
[illegible] **صفت ان** [illegible] از هر یک [illegible] درم
[illegible]

[illegible] از هر یک دو درم [illegible]
[illegible] **معجون** [illegible] **صفت ان** [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible]
از هر یک [illegible] درم [illegible] **معجون** که [illegible]
صفت ان [illegible] ده درم [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible]
[illegible] **معجون** [illegible] **صفت ان** [illegible] درم
[illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] **معجون** [illegible]
[illegible] **صفت ان** [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible]
از هر یک [illegible] درم [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] **معجون** [illegible]
[illegible] **معجون** [illegible] **صفت ان** [illegible]
[illegible] ده درم [illegible] ده درم [illegible]
معجون [illegible] ده درم [illegible] از هر یک
[illegible] درم [illegible] **مفرح** که [illegible]
[illegible] **صفت ان** [illegible] از هر یک [illegible] درم

قرص ساز

عاریسابه بوزیدانج وزنجبیل [illegible] از هر یک ۳ درم [illegible] مجلاب [illegible] مفرح معتدل

[illegible] وخفقان [illegible] آورد [illegible] صندلان

[illegible] صندل [illegible] گاوزبان [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] از هر یک

[illegible] از هر یک هشت درم [illegible] از هر یک [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] از هر یک چهار درم

زعفران [illegible] از هر یک [illegible] درم کافور یک درم [illegible] نیم درم [illegible]

[illegible] مفرح بارد خفقان وضعف دل را [illegible]

صندلان [illegible] از هر یک [illegible] درم

[illegible] درم گل [illegible] مروارید ناسفته از هر یک [illegible]

زعفران [illegible] کهربا [illegible] از هر یک [illegible] درم

[illegible] از هر یک ۳ درم [illegible] صندل [illegible] از هر یک نیم درم [illegible]

[illegible] از هر یک نیم درم درونج [illegible] یک درم [illegible]

[illegible] بقوام آورند [illegible] مفرح بارد خفقان

۸۴

حار [illegible] دل را قوت دهد صندلان گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان ابریشم خام

بریان کرده صندل سفید از هر یک یک درم مویز تخم خیارین تخم کدو از هر یک چهار درم

تخم خرفه یازده درم زرشک منقی [illegible] مروارید ناسفته کهربا زعفران کافور از هر یک

نیم درم نبات [illegible] صد درم [illegible] بید مشک [illegible] مثقال اب سیب

بقوام آورند [illegible] مفرح بارد نسخه دیگر صندلان مروارید ناسفته

سوخته طباشیر بهمن سفید گاوزبان کهربا گل ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم قند

سفید سی درم معجون سازند چنانکه رسم است مفرح دیگر بارد خفقان وضعف دل را

زایل کند [illegible] هر صباح [illegible] صندلان بهمن سرخ ناسفته [illegible] درم [illegible] بلیله

کابلی [illegible] پوست ترنج ابریشم [illegible] مروارید ناسفته از هر یک [illegible] درم گاوزبان

شاهتره [illegible] از هر یک ده درم [illegible] طباشیر از هر یک سه درم [illegible] کهربا [illegible]

درونج رومی از هر یک یک درم عود خام [illegible] مثقال اب انار اب [illegible] اب سیب [illegible]

از هر یک ده درم قند سفید [illegible] از هر یک صد مثقال [illegible] قند [illegible] بقوام

آورند [illegible] مفرح دیگر بارد خفقان وضعف دل را که از

سردی بود سود دارد صندلان پوست ترنج [illegible] گل سرخ گاوزبان مویز تخم خیارین

از هر یک نیم درم [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] بلیله سیاه [illegible] سفید

نکهت بعضی از هر یک سه درم زعفران دو درم ملا[illegible] سه درم تخم کرفس یک درم مشک [illegible] مثقال
[illegible] مثقال نبات مصری [illegible] از هر یک [illegible] نبات [illegible] را در گلاب
حل کنند بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته [illegible] مفرح [illegible] طباشیر
سفید [illegible] سرخ [illegible] مروارید [illegible] از هر یک [illegible] مثقال صندل سفید کبیر [illegible] از هر یک
دو درم تخم خرفه هشت درم در محلول [illegible] از هر یک نیم درم [illegible] بروند [illegible] یک درم [illegible]
سفید [illegible] مثقال [illegible] معجون سازند مفرح دیگر مصطکی دارچینی
قرنفل [illegible] سعد [illegible] دارفلفل [illegible] بهمن سرخ سفید ساذج
هندی [illegible] مروارید [illegible] از هر یک سه مثقال تخم [illegible] از هر یک [illegible]
عود خام [illegible] ابریشم [illegible] زعفران [illegible] از هر یک
نیم مثقال مشک [illegible] مثقال [illegible] طلا [illegible] مثقال عسل [illegible]
ادویه معجون کنند مفرح مسیحی [illegible] دل و دماغ را قوت دهد [illegible] طعام [illegible]
و باه را قوی گرداند صفت آن [illegible] از هر یک نیم درم [illegible]
[illegible] قرنفل [illegible] زعفران [illegible] مصطکی [illegible]
[illegible] از هر یک سه درم [illegible] مروارید [illegible] ساذج هندی [illegible]
عنبر [illegible] از هر یک دو درم [illegible] دارفلفل از هر یک یک درم [illegible] ده درم مشک

در محلول از هر یک نیم درم [illegible] از هر یک [illegible] جوز [illegible] مثقال عسل [illegible]
ادویه معجون سازند چنانکه رسم است مفرح [illegible] از هر یک [illegible] مثقال زعفران
[illegible] مثقال [illegible] ده مثقال [illegible] مثقال [illegible] در گلاب [illegible] و بقوام آورند
و داروها را کوفته و بیخته [illegible] مفرح [illegible] که خفقان سوداوی را نافع [illegible] صفت آن
ساذج سعد [illegible] تخم کرفس [illegible] از هر یک سه درم مروارید
[illegible] از هر یک [illegible] درم عصاره [illegible] زعفران [illegible] از هر یک [illegible] درم
[illegible] ده درم [illegible] دو درم [illegible] هفت درم [illegible] نبات [illegible]
[illegible] معجون سازند [illegible] سه درم [illegible] معده را قوت [illegible] را قوی گرداند
و طبع را [illegible] و باه را [illegible] گرداند [illegible] کنند [illegible]
نگاه دارد صفت آن [illegible] در ظرف کنند [illegible]
کنند [illegible] چهار [illegible]
در [illegible] چنانکه [illegible] کنند [illegible]
[illegible] کنند [illegible]
بیرون آورند و دیگر [illegible] و هر [illegible] و در ظرف کنند [illegible]
عسل [illegible] بعد از آن [illegible] عسل [illegible] آورند

وان عسل را نگاه دارند دیگر باره عسل تازه بر سر آن ریزند ده روز دیگر بگذارند بعد از آن
با عسل اول در یک دیگ بجوشانند تا بقوام آید و اگر این مربا را اصلاح کنند [illegible] قرنفل
و قرنفل و زنجبیل و دارچینی و فلفل و جوز بوا و مصطکی و عود از هر یک نیم مثقال مشک یک دانگ زعفران یک مثقال
در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز استعمال مربای شقاقل باه را قوت دهد و [illegible]
تمام آورد و گرده و مثانه را سود دارد صفت آن شقاقل تازه در آب جوشانیده تا زرد آب را بریزند
دیگر بار در دیگر در آب تازه جوش دهند بعد از آن قشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته گردد
آنگاه عسل صاف بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید و در ظرفی کنند بعد از چهل روز
مربای بلیله معده را قوت دهد و فرح آورد صفت آن پوست بلیله را در دیگ کنند
و آب بجوشانند تا نیم پخته گردد و بیرون آورند و [illegible] ریزند و عسل صاف بر سر آن کنند تا بلیله
نیم بجوشانند تا بقوام آید و اگر قند [illegible] اما مربای هلیله و بلیله [illegible]
گردکان [illegible] مربای گزر
باه را قوت دهد و سینه را نرم کند و پشت را محکم کند صفت آن گزر زرد را پوست بگیرند
و پاره پاره کنند و میان آن را بیندازند و در آب و عسل بجوشانند تا پخته گردد بعد از آن
بیرون آورند و در عسل اندازند و اندکی جوشی زنند و در ظرفی کنند و بعد از چهل روز استعمال
نمایند مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده بارده را نافع باشد و بول براند و [illegible]

سودا را [illegible] و باه را زیاد کند صفت آن زنجبیل تازه خوب را در دیگ کنند و شب و روز هر روز
آب بر سر آن ریزند بعد از آن بیرون آورند و بشویند و در [illegible] کنند و با عسل بجوشانند
تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوت دهد و باه را زیاد کند صفت آن بیاید گردکان
تازه که هنوز صلب نشده و پوست از وی جدا کنند و با عسل بجوشانند تا بقوام آید
مربای ترنج و لیمو و نارنج فالج و صرع را نافع باشد صفت آن ترنج [illegible]
در آب جوش دهند و بعد از آن بیرون آورند و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible]
حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن [illegible]
و سه روز [illegible] روز چهارم در آب [illegible] بگذارند روز دیگر
بگذارند پس بیرون آورند [illegible] روز در آب [illegible] بعد از آن در آب [illegible]
تا نیم پخته شود [illegible] و بگذارند تا آب [illegible] دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید مربای کدو [illegible] صفت آن کدوی تازه را
بتراشند و [illegible] و پاره پاره کنند و با عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای
تمر هندی صفرا دفع کند و تشنگی را [illegible] و مزاج را موافق باشد صفت آن
تمر هندی را از چوب و دانه پاک کنند و در [illegible] بعد از آن قند [illegible]
آورند و [illegible] مربای سیب معده و دل را نافع [illegible]

صفت آن سیب را از پوست پاک کنند و دانه بیرون آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته گردد پس
تا به قوام آورند مربای به مربای به مثل مربای سیب است اما سیب را در شربت مربا کنند و
منفعت آن معده را قوت دهد و تهوّع و غثیان و ذرب و خفقان و درد جگر را نافع باشد صفت آن
سیب ترش را پوست باز کنند و دانه بیرون کنند و با عسل مصفا دو من مجموع را در دیگ
زیر بند ... مصطکی قاقله صغار ... دارچینی کبابه قرنفل از هر یک ... درم زعفران سه درم
همه را هم کوفته کنند سوای زعفران و در کیسه کنند و در آن اندازند و بجوشانند و ...
تا به قوام آید بعد از آن زعفران سوده اضافه نمایند و به قوام آورند منفعت آن معده را قوت
دهد و اشتها آورد و بول براند و مفاصل و ... را نافع است صفت آن عسل ...
... بجوشانند تا ... آید ... مقوی ... دارچینی ... مصطکی زعفران
... به قدر احتیاج اضافه نمایند ... آملج ...
و امراض ... نافع است ... صفت آن ...
صحیح البدن که ... روز ... کشنیز ...
... بجوشانند ... رطل ...
... رطل سکنجبین ... الحموضه ...

الله

زبربند و بچوب انجیر پوست بر هم بر زنند و بجوشانند تا به بند و پس از آتش فرود گیرند و در برابر بکار اندازند
و پیاده بر بندند آب از او بچکد آنرا بگیرند دو بار بجوشانند و کف بردارند با سکنجبین بنوشند
هر روز یک رطل آب ... چنانچه ... دو ساعت ... بعد از نوشیدن ... برند
ماء الاصول نوش ... مفاصل بلغمی و کودکان را نافع باشد صفت آن پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه
تخم کرفس کرنجان زیره کرمانی ... از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک بیست درم
در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند هر روز سی درم با ده درم گلقند
اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صفت آن عناب سپستان از هر یک سی عدد پوست
بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم تخم کاسنی ... از هر یک پنج درم ... سه درم
در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند هر روز سی درم با ده درم گلقند بنوشند
ماء الاصول دیگر لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی و کودکان را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه
براند و سده جگر ... و استسقاء و اوجاع مفاصل را سود دارد صفت آن
پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس انیسون
رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار درم حب ... اسارون از هر یک دو درم ...
از هر یک ... درم ... از هر یک سه درم مویز منقی بیست ...

در اول آب بپزند تا به یکمن آید پالایند شربتی سی مثقال با ده مثقال روغن بیدانجیر
و پنج درم روغن بادام تلخ [illegible] دیگر که سده جگر و سپرز بگشاید و برودت معده و جگر و
سپرز و استسقاء بلغمی را نافع باشد [illegible] پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه
از هر یک هفت درم بیخ اذخر و فقاح اذخر از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک یکدرم
نیم قوه لک منقی عود بلسان از هر یک دو درم غافث افسنتین شکاعی بادآورد
بولس بیخ کبر از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجو
شانند تا بنیمه آید و صاف کرده هر روز چهل درم با یکدرم روغن بادام تلخ و یکدرم
و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند [illegible] بادها پراکنده کند و اخلاط غلیظ را
دفع کند و استسقاء طبلی را نافع باشد [illegible] نخواه کاشم زیره کرمانی کرویا صعتر
شونیز از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیک رطل آید و صاف کنند و هر
صبح و شام بیست درم از آن با سه درم روغن بیدانجیر بنوشند [illegible] الاسهال سپید
سفرالکه پوست هلیله زرد کشنش الوی سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره
و سنا مکی از هر یک پنجدرم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد رازیانه تخم کاسنی
تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه نیلوفر از هر یک
سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی

از هر یک ده مثقال ترنجبین و مغز خیار چنبر بروغن بادام چرب کرده از هر یک پانزده مثقال
دران حل کرده بنوشند [illegible] حمیات حاده را نافع باشد [illegible] سنا مکی
هفت درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان الوی سیاه از هر یک
بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و تمر هندی
و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست درم دران حل کرده و بنوشند [illegible]
معده گرم ضعیف را نافع باشد [illegible] افسنتین پنجدرم گل سرخ شش درم تمر هندی
بیست درم ترنجبین سی درم گل و افسنتین را بجوشانند و صاف کنند و تمر هندی
دران حل کرده و یکدرم ایارج فیقرا حب ساخته فرو برند و از عقب آن این مطبوخ بنوشند
مطبوخ افتیمون صفرای سوخته و بلغم را و سودا را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد ۴
[illegible] سنا مکی هفت درم گل سرخ چهار درم افتیمون را در لته بسته و پوست هلیله
زرد و هلیله سیاه از هر یک پنجدرم بسفایج فستقی اصل السوس رازیانه از هر یک ۲ درم اسطو
خودوس برسیاوشان شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی
سپستان از هر یکی سی دانه در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده گلقند
[illegible] ده درم مغز خیار چنبر بروغن بادام چرب کرده و ترنجبین از هر یک پانزده درم دران حل
کنند و بنوشند [illegible] اوجاع مفاصل را نافع باشد [illegible] سنا مکی هفت

درم ملح سرخ پوست بلیله زرد از هر یک چهار درم کوزکان راز یانه تخم کرفس پوست بیخ راز یانه

انیسون قنطوریان وقیق از هر یک دو درم برسیاوشان کاوزبان بادرنجبویه از هر یک سه درم

جوش بنده صاف کرده کلقند انشاء پده منقال ترنجبین بیست منقال درآن حل ساخته بنوشند

مرهم مشابه این بواسیر و شقاق مقعد را نافع بود صفت آن شادنج مغسول حل ازمنی

عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم افیون نیم منقال و چهار حبه سفیداب دو درم زعفران

یکدرم روغن بنفشه بادام و روغن گل بادام از هر یک ده درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن

بگدازند و داروها را کوفته و بیخته بدان مخلوط سازند و باده درم شیر دختران در هاون نیک بمالند

تا مرهم شود مرهم کافوری ترکیدن لب و مقعد و گوش ناسور و سوختگی آتش را نافع باشد

مردارسنگ سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک پنجدرم روغن گل بیست

درم موم را در روغن بگدازند و ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند تا هموار شود

و بگذارند تا خشک شود یک سفیده تخم مرغ و قدری کافور داخل نمایند و مرهم سازند مرهم عسلی

اورام صلبه را مثل خنازیر و سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحتها را از گوشت مرده و ریم پاک

سازد و ناسور را اصلاح آورد صفت آن جاوشیر زفت رطب زرد و مر از هر یک دو درم اشق

هفت درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم مقل مرداسنگ از هر یک چهار درم موم دو را

تنبیح از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را در سرکه حل کنند و مومها را در روغن

شیاف ... که نام مقام مرارتست صفت آن زهره بزکوهی را در ظرف مس

خشک کرده ده درم شحم حنظل نیم درم سکبینج ده دو درم فرفیون و نوشادر

از هر یک یکدرم با آب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف

... حکه و جرب و سلاق و ظلمت و دمعه و سبل و ظفره و خشونت

اجفان را نافع باشد صفت آن توتیای مغسول شش درم مامیران چینی

و شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم دارفلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی توبال

هلیله زرد ساذج هندی از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا و

صمغ عربی از هر یک دو مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند

شیاف ... خیالات و ابتداء آب را نافع است صفت آن حلبیت

عربی سفید از هر یک ده درم سکبینج سه درم بعسل سرشته شیاف

شیاف ... چون بنوعی دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع است و چشم

را جلا دهد صفت آن اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده

درم کتیرا و مر از هر یک پنجدرم مروارید ناسفته نیم درم الاخوین از هر یک

سقمونیا زبد حب النیل صمغها را با آب سداب حل کنند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته با آن سرشند و شیاف سازند هر یک دو درم شیاف
که درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی و بلغم بوده باشد
نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق زنجبیل سورنجان و
شقاقل شحم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت جندبیدستر
زرنبا و قسط ماهی زهره سعد سداب خشک مساوی کوفته و بیخته با آب سداب
تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر که درد پشت و اوجاع مفاصل و
بواسیر را نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بارزد شحم حنظل بید انجیر
ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم
جندبیدستر نیم درم با آب کنند تا شیاف سازند شیاف حب قولنج بگشاید و طبع
را نرم کند صفت آن بنفشه ده درم خطمی سه درم سنا مکی نیم درم نمک هندی
یکدرم عسل خیار شنبر و شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند بنفشه
شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بنفشه پنج درم سقمونیا نمک هندی

چهار درم زرنیخ سرخ نبات اقاقیا از هر یک نیم درم افیون هشت درم و
زعفران نشاسته روی سوخته از هر یک دو درم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف که جرب و سبل و شحم زاید را نافع باشد صفت آن سادج هندی
شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار سه درم مس سوخته قلقطار سوخته
از هر یک دو درم افیون و مر از هر یک یکدرم زعفران نیم درم با آب سداب
شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زنگار سه درم
سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره صمغ عربی اشق از هر یک دو درم اشق را با آب
حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند
شیاف که بثره و قرحه را سود دارد و نشان قرحه را ببرد صفت آن شاخ
گوزن سوخته مغسول چهار درم توبال مس مغسول محرق دو درم صمغ عربی
سه درم افیون یکدرم شیاف سازند چنانکه رسم است و در چشم
کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند و درد پشت را
نافع بود صفت آن سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی تخم حنظل بوره ارمنی

تخم بابد

از هر یک دو درم بوره ارمنی و تربد سفید از هر یک سه درم فرافروت وجابند
از هر یک بحسبه بجمثقال شیاف سازند شیاف قولنج بوره ارمنی ده درم شحم
حنظل مقل سکبینج از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم و
شیاف سازند شیاف مرفرواه ضعف مثانه و سلس البول و فتق را نافع بود و باه
را قوت دهد صفت داروها ار جیل حب الصنوبر حب المحلب مغز مغز بادام تلخ کرم دانه
حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جندبیدستر سداب از هر یک سه درم
مقل ده درم با آب کندنا شیاف سازند شیاف که مقوی باه است صفت آن
حلتیت فرفیون از هر یک یک درم مشک نیم درم کوفته شیاف سازند شیاف
که همین خاصیت دارد صفت آن سوسمار زهره کرگ حب القطن عاقرقرحا
ساذج کوفته بروغن سنبل شیاف سازند شیاف که استسقاء طبلی را
نافع بود و بادها دفع کند صفت آن سداب جرمل را زیانه تخم کرفس تربد سفید
بوره ارمنی از هر یک یک درم شکر سرخ پنج درم با آب سداب شیاف سازند
شیاف ثقل سمع و دوی و طنین که سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغم گوش

و طرشی که سبب آن اخلاط غلیظ بود و زایل گرداند صفت آن شحم حنظل یک درم
بوره ارمنی سه درم جندبیدستر زراوند مدحرج عصاره افسنتین از هر یک
نیم درم قسط دانگی و نیم فرفیون دانگی کوفته و بیخته بزهره گاو سرشند و شیاف
سازند و در وقت حاجت یکی از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش
چکانند شیاف که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت آن کندر انزروت دم
الاخوین گلنار سرمه زاج سفید از هر یک یک درم زنگار دانگی کوفته و بیخته و
بعسل سرشته و شیاف سازند شیاف که همین خاصیت دارد صفت آن
قنطوریون دقیق نخود انزروت از هر یک یک مثقال بازرو و نیم مثقال
زنگار دانگی بعسل سرشته شیاف سازند شیاف که همین عمل کند صفت آن
عصاره لحیة التیس اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین از هر یک یک درم مر
سفیداب صدف سوخته از هر یک نیم درم با آب لسان الحمل سرشته
شیاف سازند شیاف که در عقب مسهل کنند اگر در اسهال تقصیری باشد
و گرم مزاجان را اسراف باشد صفت آن ترنجبین پنج درم صابون رقی و خطمی

حب سوداء دنك طعام از هر يك دو درم شكر سرخ پنجدرم شياف سازند شياف

كه اسهال را نافع بود صفت آن مر اقاقيا بزر البنج صمغ عربي برنج بريان كرده

ساوي كوفته وبيخته باب مورد شياف سازند شياف كه شكم به بندد

صفت آن اقاقيا صمغ عربي كلنار كزمازج بلوط برنج بريان كرده ذره بريان كرده

كوفته وبيخته شياف سازند شياف كه نافع است از جهت زحير واغراس

واسهال صفت آن صمغ عربي اقاقيا افيون مازو بزر البنج كندر گل برنج

بريان كرده ساوي كوفته وبيخته باب مورد باب گشنيز تازه شياف

سازند شياف عدسي اقاقيا آمله كلنار صمغ عربي كوفته وبيخته باب مورد

سرشند وشياف ويس مجامعت استعمال نمايند شياف از جهت كرم كوچك

كه در امعاء اسفل اطفال باشد سود دارد صفت آن شحم حنظل قنطوريون و

نمك هندي مغز استخوان زرد آلوي تلخ ساوي كوفته وبيخته شياف سازند

باب الصاد صبغي كه بهق ابيض را برنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب شيطرج

فوه كندش خردل كوفته وبيخته بسركه كهنه تر كنند ودر آفتاب بمالند نافع بود

صبغی

صبغی كه برص را از ان رنگين كند صفت آن شوره مرشب يابي فوه

كوفته وبيخته بدرد شراب تر كنند وچند نوبت بمالند صبغي كه بهق

خاصيت دارد صفت آن شيطرج عاقرقرحا حضض خردل گل سقاني شونيز

مرزنجوش زرد فوه ساوي كوفته وبيخته نحو با سرشته بمالند صبغي

كه بهق عمل كند صفت آن شيطرج فوه نيل ترب يابي گل سرخ كوفته يكشب بروز

در سركه خيسانند روز ديگر بمالند صبغي كه بهق اسود را ابيرد و برنگ

بدن آورد صفت آن تخم ترب ده درم كندش وقسط مر مصطكي از هر يك دو

درم بسركه كهنه بمالند صبغي كه نشان آبله وجراحات در شبها ببرد

و برنگ بدن آورد صفت آن مرداسنگ شستنج بي كهنه آرد نخود

برنج استخوان پوسيده مغز تخم خربزه حب البان قسط كوفته وبيخته ولعاب

حلبه وبزر كتان شب بمالند وصباح سبوس واب گرم بشويند صبغي كه

بهق خاصيت دارد صفت آن ابرسا قسط مرداسنگ مغسول شاخ گوزن

سوخته بوره ارمني اشق كوفته با الشعير بمالند باب الضاد ضماد البنن صلابة

طحال را نافع است صفت آن مقل دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنه نخود

اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس سنبل از هر یک نیم درم آجر زرد بیست
چهار درم کوفته و بیخته بر وغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند ضمادی که
نافع است از جهت اورام صلبه معده و جگر صفت آن زعفران و صبر از هر یک
یکدرم و افسنتین و سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب گرم ضماد کنند
ضماد حی العالم نافع است از جهت حرارت و ورم جگر صفت آن بنفشه چهار
مثقال حی العالم گل سرخ صندل سفید از هر یک چهار درم قصب الذریره
دو مثقال کافور یکدرم کوفته و بیخته با آب کشنیز تازه ضماد کنند ضماد دیگر
دیگر که ورم جگر را نافعست صفت آن جو در سرکه خیسانند نیم درم با مهرانود
طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره
صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته در
لعاب کتان مالند و بر موضع اندازند ضماد سوسه بنفشه سبوس کندم آرد
جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک بمساوی کوفته بر وغن بنفشه بادام ضماد
کنند

کنند ضماد ده مبلد بزرک و حلبه از هر یک ده سبوسه سایله چهار درم موم سفید
بیست درم بر وغن یاسمین ضماد کنند ضمادی که شکم ببندد صفت آن
اقاقیا آمله کندر سعد اذخر سنبل مصطکی از هر یک پنج درم لک ده درم
کوفته و بیخته با آب به سرشته ضماد کنند ضمادی که معده بارده را گرم کند
صفت آن سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین از هر یک پنج درم اذخر اکلیله قرنفل
دارچینی قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب ضماد کنند
ضمادی که ورم کهنه معده را تحلیل دهد صفت آن مقل حب البان تخم کرنب از
هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه
درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه
را کوفته و بیخته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند ضماد دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن حلبه شبت بانی خطمی بزرک بابونه مصطکی
از هر یک نیم درم سنبل سعد قصب الذریره از هر یک دو درم موم سه
درم روغن بابونه پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد [illegible]

از جهت معده و جگر گرم را نافع است صفت آن صندل سرخ و سفید گل سرخ
بلوط شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته بآب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد
کنند ضمادی که استسقاء زقی و استسقای را که بان حرارت باشد نافع است
صفت آن آرد جو سعد اشنگ کوسفند کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته
و بیخته بسرشند و ضماد کنند ضمادی که نفخه طحال را سود دارد و صلابت آن
را نرم کند صفت آن اشق هفت درم سداب ده درم بوره ارمنی بودنه از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد اشق صلابت طحال را سود دارد
صفت آن اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه و کرمانج
از هر یک شش درم سداب شش درم کوکرد دو درم انجیر ده عدد انجیر را در
سرکه خیسانند و بپزند و اشق و مقل را دران اندازند و باقی ادویه را کوفته
و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع رحم و بواسیر را تسکین کند
صفت آن زعفران افیون بزر البنج بیرون از هر یک دو درم خطمی بیدکنجیر از هر یک
پنج درم زرده تخم مرغ نیم بخته بکیفه بروغن استخوان زرد آلو ضماد کنند

ضمادی که از جهت فتق نافع بود صفت آن جوز السرو دو درم سعد مرضع
برگ خوش بار و اقاقیا کندر از هر یک یک درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد
کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت آن جوز السرو و صبر ورق سداب
بار زد بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی دیگر
که همین منفعت دارد صفت آن مصطکی کندر انزروت جوز السرو برگ
سرو لسان الثور مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که نقرس
بارد را سود دارد و بقایای اورام بارد را تحلیل دهد صفت آن مقل کندر
حلبه برنک اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی که بیماران از بدن
بدن بیرون آورد صفت آن اشق پیاز نرگس بیخ بی کوفته بعسل ضماد کنند
ضماد اسطمخیقون برودت معده و کبد و طحال را نافع بود صفت آن
افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان
زعفران از هر یک دو درم موم سفید شش درم موم زرد روغن
باردین یا روغن قسط یا روغن زنبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته بان

بسازند و ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را که بسبب آن حرارت باشد نافع بود

صفت آن حب الآس آمله عود گلنار برگ مورد پوست به پوست سیب گل سرخ

قصب الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته به گلاب و آب سیب ضماد کنند

ضمادی که نقرس و اورام حارّه را نافع بود صفت آن صندل سرخ عدس مقشّر فوفل

شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضماد زرد صفت آن

زبان لغوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان را نافع بود و نزلات

را از چشم منع کند چون بر صدغین ضماد کنند و چون بر شانه ضماد کنند

دل براند و چون بر گزنده کی عقرب مالند درد ساکن شود و چون بر شکم

ضماد کنند اورام اعضا باطنه را نافع بود صفت آن رعی الحمام ده درم موم

سفید ده درم راتینج سه درم روغن زیت چهل درم موم و راتینج را در روغن

زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی

که اگر بر معده نهند قی آورد و اگر بر ناف ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه

نهند حیض براند صفت آن برگ کابلی عصارهٔ قثاء الحمار از هر یک سه مثقال

خرنوب سفید و مرداسنگ از هر یک چهار درم روغن زیت ده درم موم

سفید پیه بز از هر یک پنج درم پیه را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را

کوفته و بیخته بآن ضم کنند و بر روی کاغذ پاره کشند و ضماد کنند ضمادی

که چون بر لته کشند بر فم معده اندازند اسهال سودا دفع کند و چون بر بغل

ضماد کنند اسهال صفرا کند و چون بر ما بین الورکین ضماد کنند بلغم راند

و این ضماد از اسرار اطباست اطفال و پیران و کسانی را که طاقت اسهال بدوا

مسهل نباشد بدین معالجه کنند صفت آن ترمس مقشّر یک کف بکوبند و در دیگ

کنند و آن مقدار شیر تازه که از آن بپوشانند و بر سر آن ریزند و بجوشانند تا

ترمس شیر را جذب بکند و بعد از آن مساوی روغن گاو اضافه کنند و بجوشانند

تا بقوام آید استعمال نمایند و چون خواهند که قطع اسهال شود لته تر دارند و

موضع را بگلاب بشویند ضمادی که جبر کسر و وثی را نافع بود صفت آن

مغاث ماش گل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی و مر از هر یک دو درم اقاقیا

و صبر از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند

ضمادی که عرق النسا و وجع الورک را نافع است صفت آن پوست
بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم عصاره قثاء الحمار حب الغار
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب و عسل ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت
دارد صفت آن نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط و تخم ترتیزک از هر یک
یکدرم زفت پنجدرم زفت را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته
و بیخته اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که پوست برگرد ناخن بر خیزد و
باصلاح آورد صفت آن مصطکی سه درم در یازده درم روغن گل بگدازند و
دو درم نمک بآن بیامیزند و بران موضع ضماد کنند ضمادی که از جهت
نقرس و اطفار نافع بود زرنیخ سرخ شب یمانی کوکرد از هر یک
یکدرم زفت رومی ده درم زفت در سرکه و عسل بگدازند و داروهای دیگر
کوفته و بیخته بآن بسرشند و ضماد کنند ضمادی که استسقاء طبلی نافع بود
صفت آن بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت فودنه از هر یک ده درم زیره
کرمانی سه درم کوفته و بیخته باب سداب ضماد کنند ضمادی که ورم بلغمی معده

٩٦

نافع بود صفت آن جعده پنجدرم اکلیل حماما بابونه شبت مصطکی از هر یک
ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم تخم خطمی یازده
بسه بطه دو از ده درم بپرورغ بیست درم موم سفید سی درم ضماد سازند ضمادی که
صفت آن تخم کتان بازرک سعل ازرق از هر یک پنجدرم روغن گاو سرشته ضماد کنند
ضمادی که قروح معده را نافع باشد صفت آن افسون زعفران از هر یک بندانک
مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز نیم درم روغن گل پنجدرم ضماد سازند
ضمادی که اوجاع سینه و جنبین نیست کند صفت آن شحم حنظل قسط سداب از هر یک
سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته بر زهره گاو بسرشند و بر عانه و ناف ضماد کنند
ضمادی که صداع بارد را نافع است صفت آن بابونه اکلیل الملک ورسته تر کبر
شبت ورق الغار مرزنگوش سادی بر روغن خیری ضماد کنند ضمادی
که اسهال صفرائی را نافع بود صفت آن برگ مورد گل سرخ کلنار صندل بارد
اقاقیا لادن سماق اقاقیا حضض سادی کوفته و بیخته باب مورد سرشته بر شکم
ضماد کنند ضمادی که ریح الامعاء بلغمی را نافع بود صفت آن لادن سعد مصطکی

ضمادی قصب الذریره اد فرمر زنگوش تمام از هر یک نیم درم عود خام جوز بوا قرنفل
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب سود ضماد کنند ضماد که بول الدم را
حبس کند ضماد گل ارمنی گل مختوم وصمغ عربی تخم خرفه کثیرا ورق گل سرخ و
گلنار شاخ گوزن محرق عصاره لحیه التیس از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته
کوفته و بیخته با آب سود ضماد کنند ضماد که اورام ثدی را سود دارد
ضماد نان گندم آرد جو خطمی باقلا حلبه از هر یک ده درم زعفران نیم درم
کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد که نگذارد که پستان بزرگ
شود ضماد دوغ سوخته آرد جو سادی اگر که اگر شسته و در هر ماهی سه روز
متوالی ضماد کنند ضماد که آماس چشم بنشاند و درد ساکن کند ضماد
آرد جو ده درم آرد باقلا نیم درم اقاقیا یکدرم سفیده تخم مرغ یک بیضه با آب
گشنیز تر و آب کاسنی ممزوج ساخته ضماد کنند ضماد که از جهت اختلاط
عقل در امراض حاده نافع است ضماد آرد جو سبوس گندم بنفشه
از هر یک نیم درم خطمی سه درم با آب برگ بید و روغن و قدری سرکه ضماد
کنند ضماد

کنند ضماد که آماس بن گوش را بنشاند ضماد پیه بط و پیه مرغ از
هر یک نیم درم بگدازند و نیم درم پشک کهنه گوسفند کوفته و بیخته با ن سرشته
ضماد کنند ضماد که اسهال را که سبب آن ضعف قوة هاضمه و برودت
جگر باشد نافع بود ضماد سنبل قصب الذریره افسنتین قشور کندر
مصطکی لادن برگ مورد ورق گل سرخ صندل از هر یک ده درم پوست انار
ترش آمله از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضماد
که درد نواسیر را بنشاند ضماد مقل کوهان شتر مغز ساق گاو مغز استخوان
زرد آلو سبعه زرده تخم مرغ سادی در روغن گاو که پیاز در آن جوشانیده
باشند حل کنند و ضماد سازند و پیاز بر روغن گاو بریان کرده نیز ضماد
نافع است ضماد که قبله الالارا سود دارد ضماد آرد جو پشک کهنه گوسفند
گل ارمنی سرگین گاو خشک از هر یک دو درم سعد بوره ارمنی زریره کرمانی
سوخته حنظل صبر سقوطری قثاء الحمار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بسرکه ضماد
کنند ضماد که اوجاع طمث را نافع بود ضماد عدس مقشر پوست انار ترش

مازو برگ مورد ساذی کوفته و بیخته بسرکه تر کرده بر پشت و بر شکم در بر عانه ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاده کند صفت آن آرد باقلا ده درم تخم بادروج

پنج درم کوفته و بیخته با آب بادروج ضماد کنند ضمادی که نگذارد که ناف بیرون آید صفت آن شب یمانی سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته و بسرشند در آب ضماد کنند

ضمادی که نقرس گرم را سود دارد صفت آن آرد جو بیست درم افیون سه درم با آب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که نقرس مرکب را نافع باشد صفت آن خطمی

تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع مفاصل را نافع بود صفت آن بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک

بیست درم اشق جاوشیر مقل از هر یک از هر یک ده درم موم و سرکه از هر یک پنج درم روغن شبت بیست درم ضماد کنند ضمادی که جمیع اورام حاد

را در ابتدا نافع بود و ماده را دفع کند صفت آن شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که در بواسیر و درد مقعد

و زحیر را نافع بود صفت آن مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا و

دم الاخوین کندر مر از هر یک پنج درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یکدرم و نیم مقل یکدرم افیون دانگی روغن گل بیست درم بطریق ضماد ضمادی که

مخصوص به بواسیر است روغن مغز هسته زرد آلو پنج مثقال پیه بط پنج درم سعد سایله سه درم مقل دو درم زفت یکمثقال و نیم ضماد سازند ضمادی که همین

عمل کند و خاصیت او همین است صفت آن پیاز دکنند تا آنچه در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنج درم مقل یکدرم زعفران نیم درم افیون دانگی و نیم ضماد

سازند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت آن روغن استخوان زرد آلو ده درم کوهان شتر ده مثقال برگ شفتالو خشک ده موم سفید از هر یک سه درم مقل

یکمثقال مرداسنگ دو درم ضماد سازند ضمادی که ورم بارد خصیه را نافع است صفت آن آرد باقلا حلبه بابونه زیره مویز منقی بروغن کنجد ضماد کنند

ضمادی که خنازیر را تحلیل کند صفت آن کتیرا پنج درم نانخواه دو درم صبر یکدرم با برگ تر تازه ضماد کنند ضمادی که از جهة صداع حار نافع باشد

صفت آن صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از

٢٠

هر یک چهار درم زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم

بیخ لفاح یکمثقال برگ کاهو ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلائی

که ورم پس گوش را نافع بود صفت ان صندل سرخ شیاف مامیثا فوفل صبر زعفران

[illegible] ساوی بگلاب طلا کنند طلای دیگر آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیه التیس

[illegible] دا افیون صندل سفید از هر یک سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی

طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت ان اقاقیا ثبت گل ارمنی گلنار

ساوی کوفته و بیخته باب مورد یا اب تاک یا اب لسان الحمل سرشته بر پیشانی

طلا کنند طلائی که موی را از ریختن نگاه دارد صفت ان پرسیاوشان لادن افسنتین

حب الغار ساوی بکوبند و با روغن مورد بسرشند و طلا کنند طلائی که شکستن و

شکافتن موی را نگاه دارد صفت ان برگ چغندر لعاب بزرقطونا در حمام بر سر

ریش طلا کنند طلائی که سر سه سر را ببرد صفت ان آب برگ چغندر چهل

درم بوره دو درم زهره گاو یکدرم بعسل بسرشند و بر سر طلا کنند طلائی

که منع ابنات موی کند صفت ان ورغ را در سایه خشک کرده بسایند و خون لاک پشت

لنزلة الحزن الترکی

نهری خشک کرده الک و بوره و مرداسنگ و صدف سوخته از هر یک قدری

باب تر سرشند و چون موی بغل و عانه بر کنده باشند طلا کنند و نیک بمالند دیگر

بر انجا موی بر دید و جمیع محذرات و مبردات همین خاصیت دارد مثل انکه

اگر موی از موضع بر کنند وان موضع به بنگ و افیون و شوکران لخچه طلا کنند

و چند بار منع ابنات کند طلائی که در این باب مجربست صفت ان شیره الکرفایه

مورچه و زبد البحر و ترشی ترنج از هر یک قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی

بر کنند و سه بار بران موضع طلا کنند منع ابنات کند و اگر پیش از

بلوغ و ابنات عانه این طلا کنند و موی از انجا زود طلائی که موی را برود

ودا الثعلب را نافع باشد صفت ان لادن سوخته چوب کتان گل شقایق با روغن

مورد طلا کنند یا برگ مورد بالادن و مرو در روغن و مصطکی بمالند یا

فقاح اذخر و زنجبیل و سعد و مازو کوفته و بیخته با شراب طلا کنند یا سم

اشتر محرق با روغن دنبه بمالند بعد از انکه بپارچه خشن چند مالیده باشند که ابلیه

کرده باشند نافع بود و اگر زبد البحر و برنج سفید سوخته با روغن زیت طلا کنند

و سبز [illegible] بنفشه [illegible]

بهق عمل کند طلائی که حکه و جرب یابس را نافع بود صفت آن مغز استخوان زرد
آلوی تلخ تخم ریباس از هر یک بیست درم نمک طعام زیبق مقتول از هر یک ده درم
مجموع را در بیست درم ممزوج سازند و در حمام طلا کنند و یکساعت بگذارند
پس بشویند طلائی دیگر که بهق خاصیت دارد صفت آن زیبق مقتول حنا تخم حنظل و
اقلیمیا نوره عدس مقشر ساوی بسرکه و روغن گل طلا کنند طلائی که جرب
رطب را نافع باشد صفت آن زردچوبه بوره ابهل قسط کندش از هر یک
یکدرم سیعه سایله پنجدرم روغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت
بگذارند و پس بسبوس و آب گرم بشویند طلائی که بهق خاصیت دارد صفت
آن کوکرد زرد یکمثقال سیر بزد و مثقال روغن گل ده مثقال پیه را در روغن
بگذارند و کوکرد را صلایه کرده بدان ممزوج سازند شب بمالند و صباح در حمام
بشویند طلائی که بهق منفعت دارد صفت آن زیبق مقتول پنجدرم کندش
ده درم زراوند طویل هفت درم روغن گل سه روز طلا کنند طلائی که
بهق عمل کند صفت آن عاقرقرحا مویزج خردل زیبق مقتول حنا کوکرد موم ساوی

ممزوج ساخته طلا کنند طلائی که از حکه و جرب بطر بدارد صفت آن کوکرد
حنا از هر یک یکمثقال پوست هلیله زرد زیبق مقتول شیطرج هندی از یک
نیم مثقال فلفل دانگی روغن دنبه بیست مثقال بطریق معهود بگدازند و ممزوج سازند
شب بمالند و صباح در حمام بسبوس و سرکه و آب گرم بشویند طلائی که از حکه
حکه نافع است صفت آن تخم خشخاش و اسفاج کوفته در سرکه ضماد کنند و در حمام
بمالند طلائی که حکه خصیه را نافع باشد صفت آن شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک
چهار درم اشنان نوشتاله دو درم نوشادر دانگی زعفران یکطسوج کوفته و بیخته
بروغن گل و سرکه تر کرده طلا کنند طلائی که بهق خاصیت دارد صفت آن
خربق سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون از هر یک سه درم کوفته
و بیخته بسرکه تر سازند و طلا کنند طلائی که بهق منفعت دارد صفت آن
اشق ترمس از هر یک یکدرم بوره ارمنی دو درم بسرکه کهنه سرشته طلا کنند
و بعد از ساعتی بآب گرم بشویند طلائی که قلع ثآلیل صفت آن مازو شب
یمانی تخم جرجیر کوفته و بیخته بزهره گاو سرشند و چند نوبت طلا کنند طلائی

که سوختگی آتش را نافع بود صفت آن عدس مقشر گل سرخ بپزند تا مهرا شود پس سفیداب
دار دجو در روغن گل بالان بهم بیامیزند و طلا کنند طلاء که ترهل و آماس را نرم کند
که بعد از بیماریهای دراز در پادلنت چشم دردی پیدا شود زایل کند صفت آن
صبر اقاقیا مر سعد شیاف مامیثا زعفران حضض گل ارمنی کوفته و بیخته ببرگ و آب
عنب الثعلب طلا کنند طلاء که صداع نافع بود صفت آن مر زعفران افیون بزرالبنج
کندر مساوی کوفته بگلاب ترسازند بر صدغین مالند طلاء مجرب نیلوفر بنفشه تخم
کاهو از هر یک سه درم پوست خشخاش و شیاف مامیثا از هر یک دو درم صندل
سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته بآب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی
و صدغین طلا کنند طلاء که اسهال وقی باز دارد صفت آن گل سرخ نیم درم
اقاقیا گلنار طباشیر از هر یک دو درم مازو شب یمانی جوز السرو و صندل
سرخ و سفید عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر بآب به بر شکم و پشت
و معده طلا کنند طلاء که ورم حار جگر را نافع بود صفت آن بنفشه خطمی
آرد جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندل سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک

تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم ریوند چینی یکدرم
سنبل نیم درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلاء که ورم حار خصیه را
نافع بود صفت آن بنفشه صندل سرخ و سفید از هر یک دو درم کوفته و بیخته بآب
کاسنی و گلاب طلا کنند طلاء که افراط حیض را باز دارد صفت آن گل سرخ
عدس مقشر از هر یک نیم درم اقاقیا صندلین از هر یک سه درم گل ارمنی چهار
درم بلوط طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بآب به بر عانه و پشت طلا کنند
طلاء که از جهت بنات اللیل نافع باشد صفت آن خطمی بابونه اکلیل الملک از هر
یک چهار درم ترمس پوستی درنبدی از هر یک ترشیاف مامیثا از هر یک
یکدرم و نیم آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته بآب کرفس طلا کنند طلاء که از جهت
سعفه نزکه بر روی اطفال باشد نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز سه درم گل
سرخ دو درم گلنار زرد چوبه از هر یک یکدرم کافور رطوبی موم سفید دو درم
و نیم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ممزوج
ساخته طلا کنند طلاء دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن اشنان سبز مردا سنگ

از هر یک پنج درم گل ارمنی حضض پوست انار هر یک سه درم حنا و قنبیل
از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو درم بگلاب
سرشته طلا کنند طلاء دیگر که جهت صعفه صفت آن برگ مهک چهار درم
حنا و مازو از هر یک دو درم بروغن دنبه طلا کنند طلاء که همین منفعت دارد تجربه
و موثر است صفت آن آب برگ چغندر روغن دنبه از هر یک صد درم بجوشانند
چندانکه آب برود و روغن بماند و بعد از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته با آن ممزوج ساخته طلا کنند طلاء که از جهت صعفه که در بدن اطفال
پیدا شود صفت آن زردچوبه حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن
گل و سرکه طلا کنند طلاء که از جهت صعفه کهنه نافع بود صفت آن نمک محرق
کوکرد خاک زیبق مازو زاج محرق زردچوبه زراوند مرداسنگ کوفته و بیخته
بروغن گل و سرکه طلا کنند طلاء که صعفه تر را نافع بود صفت آن نمک دشتان
بسرکه تر کرده چند نوبت بالند و اگر صابون رقی بگلاب بزنند و کف بردارند
و بعد از آن پیه بنفشه موم سفید روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند

و طلا کنند و یک ساعت بگذارند پس باب گرم بشویند صعفه را مستاصل نماید
طلاء که شپش را دفع کند صفت آن مویزج شوره از هر یک دو درم زرنیخ سرخ
یک درم و نیم زیبق مقتول یک درم بسرکه و روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن کافته
چرب کنند و بآبی که در آن روغن گل و برگ مورد در آن جوشانیده باشند بشویند
بغایت نافع باشد طلاء که همین خاصیت دارد صفت آن مویزج زرنیخ سرخ زراوند و
طوبل ساذج بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آن که عرق نماید
که کلف را ببرد طلاء پوست تخم مرغ اشنان باب خربزه پرورده آرد جو بیخ نی
عدس آرد باقلا فوفل کف دریا مامیران چینی ساذج باب ترب طلا کنند طلاء
که برش را ببرد صفت آن سپندان سفید زرنیخ سرخ سیاه دانه بشیر تازه طلا کنند
طلاء که اثرهای زردی از رو ببرد صفت آن زراوند مدحرج شیطرج هندی
از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس سرخ از هر یک پنج درم بسفیده
تخم مرغ تر سازند و شب طلا کنند و صباح بابی که تخم خرفه نکوفته در آن جوشانیده
باشند بشویند طلاء که حصف را نافع باشد صفت آن حنا نمک کوفته و بیخته

حکایات وصایا و روغن کلاو ... ضماد صبر ... الساك

ضمادی که جذام را نافع باشد مقدسی ...

طلای که جذام را نافع باشد ابرکه ترسازند و در حمام بمالند یکساعت بگذارند پس بآب سرد و سبوس بشویند

طلائی که جذام را نافع باشد صفت آن بطرون اشق فرفیون کوکرد زرد برگ الحجر

ساذج بسرکه طلا کنند طلائی که کلف را نافع بود صفت آن نرگس تخم ترب

تخم جرجیر قسط معز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل ساوی بآب برگ ترب طلا کنند

طلائی که بهق و برص را زایل کند صفت آن فوه کندش شیطرج خردل تخم ترب و

مادریون شحم حنظل عرب سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک بگیرند شقایق

دو جزو کوفته در سرکه حل سازند یکشبانه روز و روز دیگر طلا کنند طلائی که

بهق ابیض و اسود را سود دارد صفت آن گل شقایق سقمونیا شیطرج تخم

ترب خردل صمغ آلو از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته در سرکه حل سازند یکشبانه روز

و بعد از آن که کسی در حمام بران مالیده باشند طلا کنند و برو ارند تا سفید

صلابه کرده با سرکه بمالند همین خاصیت دارد طلائی که حب القرع و کرم دراز

اطفال را اخراج کند صفت آن افسنتین سه درم برگ شفتالو ده درم زهره گاو

بکوبند در حوالی ناف طلا کنند طلائی که چون بر سر اقرع مالند موی بر دیاند

طلائی که ... صفت آن فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک سرشته طلا کنند طلائی از برای سوس شعیره و برون

نافع است صفت آن کندر نشا از هر یک یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک

دانگی و نیم موم نیم درم روغن زیت طلا کنند طلائی که چون بر پیشانی مالند دست

چشم مالند ابتدا ... راسوده دارد و ماده را ردع کند صفت آن شیاف مامیثا و

صبر حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران ساوی بآب گشنیز تازه و بآب کاسنی

طلا کنند طلائی که شرناق را نافع باشد صفت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا

مر از هر یک ده دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته بآب مورد و بآب

کاسنی طلا کنند طلائی که ورم چشم را بنشاند و درد را ساکن کند صفت آن

عدس مقشر صندل گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم بآب کاسنی و حی عالم

طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت آن صبر شیاف مامیثا حضض مکی و

زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ ساوی بآب عنب الثعلب با کلاب

طلا کنند طلائی که صداع بارد را نافع باشد صفت آن مشک صبر فرفیون جند

بیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی و نیم بآب کرفس

باآب مرزنکوش ترسازند وبرکاغذ پاره کنند وبرپیشانی وصدغین اندازند طلا

که حمره را نافع بود صفت آن صبر زعفران اقاقیا فوفل گل ارمنی صندل سرخ شیاف ماميثا

باآب کاسنی یاآب عنب الثعلب طلا کنند طلائی که سکته را نافع باشد صفت آن

خردل چند بیدستر ببرکه کهنه بر سر طلا کنند بعد ازانکه سر را تراشیده باشند

طلائی که لقوه را سود دارد صفت آن صبر حضض مکی مر از هر یک یکدرم زعفران دودانگ

بگلاب طلا کنند طلائی که جحوظ عین را سود دارد صفت آن صبر حضض اقاقیا

عصاره لحیه التیس باآب عنب الثعلب طلا کنند طلائی که اورام حاده را نافع

بود صفت آن صندل سرخ شیاف مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم فوفل

اقاقیا حضض مکی از هر یک دو درم سفیداب ارزیز مرداسنگ از هر یک

یکدرم فیلزهرج نیم درم کوفته وبیخته وباآب کاسنی تر سرشته وگلولها سازند بر مثال

کعبتین ودر وقت حاجت یکی ازان باآب گشنیز تر لباید ودلا کنند طلائی

که شکم ببندد واسهال بازدارد صفت آن اقاقیا سعد مرکبد رکلک و

جوز السرو مازو گل سرخ آمله گل ارمنی کاورس برنج عدس بلوط کلنار برزالبنج و

صندل باآب سورد باآب به طلا کنند طلائی که چون برخصیه مالند نگذارد

که بزرگ شود صفت آن فیلزهرج ... و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی مازو

از هر یک یکدرم بنگ یکدرم ونیم کوفته وبیخته بعسل وروغن سوسن چند نوبت

طلا کنند طلائی که استسقاء لحمی را نافع باشد صفت آن درمنه ترکی صدف

سوخته بوره ارمنی سرکین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا کنند طلائی که منع آبستنی

کند و منع اگر آبستن باشد بچه بیندازد صفت آن سداب خشک نطرون مساوی کوفته

وبیخته بسداب تر سرشته وبر قضیب طلا کنند وبگذارند تا خشک شود بعد ازان

مجامعت کنند زن آبستن نگردد طلائی که بر آبستنی معین باشد صفت آن حب البلسان

جاوشیر مقل بادآورد مساوی کوفته وبیخته بازهره کاو برقضیب مالند وبگذارند

تا خشک شود بعد ازان جماع کنند زن آبستن شود طلائی که همین خاصیت دارد

صفت آن برگ سنجد خشک بکوبند وبازهره کاو برقضیب طلا کنند ومباشرت نمایند

طلائی که کراهیت عرق زیر بغل کند صفت آن گل سنبل سعد شب یمانی مر از هر یک

قدری کوفته وبیخته بگلاب ترساخته بربدن طلا کنند طلائی که ضنان زیر بغل

صندل بابسورد

كند صفت راسن را آوند طويل برگ كافد آبگينه مجموع سوخته زعفران بساي

كوفته و بيخته با آب مورد برشته كلوله ها سازند و خشك كنند بعد ازان

بعسل بر اشند تا خون آلوده گردد و يك كلوله ازان بگلاب سرده در آن مالند

و بكشا بر در بگذارند ديگر بنى نباشد صفت كه حبس عرق كند صفت برگ

گلنار مازو سادي كوفته و بيخته با آب غوره يا آب برگ مورد تر سازند و بر

بدن طلا نمايند صفت كه ضنان را نافع باشد صفت سبابي مركل بيخ برگ

مورد و مرداسنگ بغل را باب شستان بشويند و دارو ها كوفته و بيخته بگلاب

تر سازند و بران طلا كنند صفت كه منع ترلات كند صفت اقاقيا صبر سياه

ماميثا حضض گل ارمني صمغ عربي كوفته بسفيده تخم مرغ بر شنند و بر پيشاني

و شقيقه طلا كنند صفت كه حبقي براند صفت اسارون يكدرم سداب نيم درم

رازيانه دو درم لوبيا سرخ پنج درم عسل ده درم بجوشانند و صاف كنند

و بنوشند سه روز بتوالي باز خورند نافع است صفت كه بهي خاصيت دارد و نافع

است مردانرا چون بعل ايشان محتبس شده باشند صفت افستين درمنه تركي

ترس سداب رازيانه تخم كرفس از هر يك دو درم الخبر پنج عدد گلقند ده مثقال بجوشانند

چنانكه رسمست و صاف كنند و سه روز بتوالي باز خورند و سه روز ديگر استراحت نمايند باز

سه روز ديگر بنوشند و هم چنين عمل مي كنند تا ادراري تمام واقع شود صفت كه باز دارد

و معده را قوت دهد صفت انار دانه ده درم مصطكي و نعناع خشك از هر يك يكدرم كوفته

در يك رطل آب بجوشانند تا به نيمه آيد صاف كنند و عود و سك از هر يك يكدرم كوفته و بيخته

اضافه كنند و بنوشند صفت كه حيض را براند صفت لوبيا سرخ حلبه نسون فوه از هر يك

چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا رطلي آيد و صاف كنند و قدري

شكر اضافه نمايند و هر صباح چهار درم بنوشند صفت كه بهي منفعت دارد

صفت لوبياي سرخ سه درم فراسيون فوه از هر يك چهار درم خودنه ده درم در پنج

رطل آب بجوشانند تا به نيمه آيد و صاف كنند و قدري سنجبين اضافه كنند و هر صباح

سه روز بنوشند صفت كه فالج و سكته و لقوه و امراض بارده راس را نافع بود و

شقيقه و دماغ از اخلاط پاك كند و عسر البول را سود دارد و افواج تسميه كند صفت

كندش شونيز فرفيون فلفل چند بيدستر زراوند طويل ... اسك ... فرزجاوه

بوره ارمنی ساوی کوفته و بیخته در بینی دمند عطوس که همین خاصیت دارد صفت تخم حنظل و

فلفل اسطوخودوس جندبیدستر از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بیخته قدری

در بینی دمند عطسه آرد جهت سرعت انزال نظیر ندارد صفت زیبق نیم مثقال با قدری که

بدسته ابگینه با آهن سنگ صلایه نمایند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل

نماید و معرقه آهنی را برابر که سازند و آنها را دران معرقه ریزند و بر سر آتش نهند

بجهت سوزنک و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده بجوردان بید نهند و بدسته ابگینه با آهن بهم بیزند تا

الف بنک با شیر ملو شود بعد ازان آنرا بوصله مثقالی پاک بپالایند آنچه در کرباس بماند بستانند و چندان

بجهت حرقة البول آب بشویند که تمام پاک شود و چرک ازان برود پس ازان گلوله سازند و میان آنرا

سوراخ کنند و ریسمانی دران بگذرانند و در آب لیمو اندازند و یکشب بگذارند

تا محکم شود مانند حجری و بعد ازان آنرا در روغن تازه بجوشانند و در محل حاجت در

دهن نگاهدارند و چون خواهند که انزال شود از دهن بیرون آورند باب العرغره

از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی

شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ایاره فیقرا ایرسا از هر یک هفت درم بوره ارمنی ج

از هر یک پنج درم زرد فاو دار فلفل از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و با

سکنجبین غرغره کنند غرغره که قروح حلق را نافع بود صفت زاج سفید و سیاه

کاغذ سوخته مازو سبز کندر حضض زعفران از هر یک یکمثقال نمک سوخته نوشادر

از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که همین خاصیت دارد

مازوی سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که

همین منفعت دارد صفت اصل السوس خرنوب کوفته بیخته بعسل و گلاب غرغره

کنند غرغره که همین عمل کند صفت کندر یک درم مازوی سوخته یکعدد زنگار نیم درم

کاغذ فرنگی سوخته نکورقا زعفران دانگی کوفته و بیخته در سرکه و عسل کرده نیم گرم غرغره

کنند غرغره که فالج و لقوه و وجع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظ پاک

کند صفت ایاره فیقرا و ج خردل مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس

پوست بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند غرغره که ثقل لسان و سکته و فالج را

سود دارد صفت مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل دار فلفل بوره ارمنی ایرسا

مرزنگوش مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق و ذبحه صفرائی

ودموی را نافع باشد و حرارت لهات بنشاند صفت آن گل سرخ طباشیر نشاسته
تخم گل زعفران از هر یک دو درم تخم کرفس سه درم مازو سماق از هر یک نیم درم قند
ده درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت آن
عاقرقرحا و خردل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند غرغره
که قلاع و استرخاء لهات را نافع باشد صفت آن سماق برگ مورد گل سرخ زنجبیل
وصاف کرده رب توت از هر یک ده درم اضافه نموده غرغره کنند غرغره که
سقوط لهات را که سبب آن رطوبت باشد نافع است صفت آن گلنار شش درم
شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال و نیم اقاقیا الرمان تخم گل از هر یک یک درم
و نیم کوفته و بیخته برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سوداوی را سود دارد
صفت آن سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ مورد در نوب جوشانیده غرغره کنند
غرغره که نافع است از جهت سرفه که سبب آن نزله باشد صفت آن گل سرخ گلنار و
نوب بجوشانند وصاف کنند و بعضی از خواب غرغره کند غرغره که روی را سفید
وصاف و براق گرداند صفت آن آرد جو آرد باقلا نخود نشاسته کتیرا تخم ترب کوفته

و بیخته بشیر سازند و شب بر روی مالند و صباح به آب گرم و سبوس بشویند غازه
که همین خاصیت دارد صفت آن آرد جو آرد باقلا آرد نخود از هر یک یک جزو عدس
مغز کتیرا نشاسته زعفران از هر یک نیم جزو مغز تخم خربزه دو جزو سفیده تخم مرغ
سرشته شب بمالند و صباح به آبی که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند
بشویند غازه که همین منفعت دارد صفت آن باقلای مقشر ترمس کرسنه تخم ترب
مغز تخم خربزه نخود نشاسته کوفته و بیخته روی را بدان بشویند باب [illegible] فی الجوارش
معده را قوه دهد و بواسیر را نافع بود و باه را زیاده کند و رنگ را نیکو گرداند و
دفع سرعت انزال کند صفت آن پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه پوست بلیله و آمله
مقشر و شیطرج هندی سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل سعد از هر ده درم تخم شبت
و تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن ادویه خبث الحدید
را چهار شبانروز در سرکه خیسانند بعد از آن خشک کنند و صلایه نمایند چند
آنکه بر روی آب بایستد و بنه آب فرو نرود و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و عسل
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بعضی دو درم شکر اضافه

نموده اند **فرودنوش** نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض زنان حامله را که سبب آن برودت

سوء دارد و بادهای غلیظ دفع کند **صفت آن** فرنبون عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک

هفت درم افیون و بزرالبنج از هر یک بیست درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه

استعمال نمایند **فرودنوش ممسک** معده را قوه دهد و باه را زیاده کند و سرعت انزال را نافع باشد

صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه

قرنفل بسباسه خولنجان بادرنگ از هر یک شش درم پوست هلیله آمله مقشر نانخواه دارفلفل از

هر یک چهار درم تودری فرفیون سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه از هر یک شش درم سعد

ده درم رشک دو مثقال عنبر یکمثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال و

عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه ادویه را بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال

نمایند شربتی دو درم به نبیذ زبیب یا شیر گوسفند باشامند **فنداديقون** درد معده و

را سود دارد و معده را گرم کند و باد را بشکند **صفت آن** زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس

زنجبیل حاشا سنبل جلغوزه از هر یک شش درم فلفل شش درم عسل سه وزن ادویه شربتی یکمثقال

تا دو مثقال **فندادیقون** نسخه دیگر منافع هر دو قریب بیکدیگر است **صفت آن** زنجبیل فلفل

سنبل از هر یک شش درم مصطکی نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنه از هر یک دو درم

ساذج هندی یکدرم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **طلوبیا رومی** این معجون مبارکست ترلها

باز دارد و دردها ساکن گرداند و قی الدم و اسهال دموی و قولنج و سفه و سیلان طمث

را نافع باشد **صفت آن** فلفل سفید دارفلفل و بزرالبنج از هر یک بیست درم مثقال ساذج

هندی حب بلسان سلیخه عاقرقرحا فرفیون از هر یک یکمثقال تخم کرفس کوهی و سنبل الطیب

از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی ربع مثقال و در بعضی نسخها بعوض تخم کرفس نبطی و

قرنفل مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت

دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ شبت و از جهت درد کرده در طبیخ جعده و از جهت

درد معده در طبیخ انیسون و از جهت سپرز با سکنجبین و از جهت کرده و مثانه در طبیخ را

زیانه و از جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند **طلوبیا فارسی** استفراغ خون از

هر موضع که باشد باز دارد و رحم را قوت دهد و بادهای رحم را دفع کند و قی و خفقان

حبس کند و اسهال و قی باز دارد و دردها بنشاند و دماغ قوت دهد و حافظه

زیاده کند **صفت آن** فلفل سفید بزرالبنج از هر یک بیست درم دکل مختوم افیون از هر یک

ده درم زعفران پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جندبیدستر یکدرم
زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال باید شربتی یکدرم نوع دیگر درد معده و جگر
که سبب آن برودت باشد و حمیات بلغمی و تب ربع و تبهای کهنه را سود دارد صفت آن
فودنه نهری و فودنه کوهی و فطراسالیون و سیسالیوس از هر یک دوازده درم تخم
کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل چهار درم
کوفته و بیخته باسه وزن عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم فلافلی درد معده
و شهوت کلبی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را هضم گرداند صفت
آن این فلفل دارفلفل از هر یک سه درم جبلسان ده درم حماما و سنبل از هر یک
دو درم زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن از هر کدام یکدرم کوفته
و بیخته با سه مقابل ادویه عسل بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم فلدفیون اگر وعونة
لثه را نافع باشد و گوشت مرده را ببرد صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ سرخ
و زرنیخ زرد از هر یک یکدرم مرچار درم آهک زنده شش درم شب یمانی شش درم

کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت
استعمال باید فتیله که رعاف باز دارد صفت آن کلنار کرد سیاه مازو از هر یک نیم درم
افیون دانگی کوفته و بحریر بیخته بعصاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت بکردانند و در
بینی نهند بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله که بینی خاصیت دارد
صفت آن مار دی سوخته در سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی
شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله را از کتان بسازند و بدان بکردانند و در بینی
نهند فتیله دیگر که بینی منفعت دارد صفت آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته
اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب یا در روغن با آب لسان الحمل بسرشته
فتیله را بآن تر سازند و در بینی نهند فتیله که گند بینی ببرد صفت آن مر پوست انار
ترش از هر یک دو درم قصب الذریره بزر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج و
قرنفل از هر یک یکدرم بشراب تر کنند و داروها را کوفته و بیخته بدان آلوده
و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را نافع باشد صفت آن زاج سیاه شب یمانی
زرنباد و نوبال مس محرق از هر یک پنج درم زراوند طویل شش درم کندر دوازده

خدایگان را اصل پناه ملت و دین
که با تو چرخ ستیزه درای نستیزد
توان طبیب مسیحا دمی در این ایام
که در زمان تو علت ز خلق بگریزد
دریست رنجی از ضعف است سستی را
حزین غم دل مسکین به هم برانگیزد

درم مجموع کوفته در دو من آب بپزند و بپالایند و بار دیگر بجوشانند تا بقوام آید و
و فتیله را بدان بیالایند و در پیچ نهند فرزجه که چشم را نافع باشد صفت آن سعد صبر
سنبل گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب خود نه بسرشند و در پیچ نهند بعد از آنکه
مثی بالعلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر شونیز را بریان کنند و یک شبان
روز در سرکه کهنه خیسانند و با قدری روغن زیت در پیچ چکانند همین عمل کند
فرزجه که نافع است از جهت وجع گوش و ریم که از گوش آید صفت آن انزروت تخم
ترو بعسل سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش
ببرد صفت آن انجیر سفید فربه نشاسته قند و تخم و عسل از دو جدا کنند و بوره و
قردمانا و خردل کوفته بعسل آن سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند
و خردل و انجیر کوفته در گوش نهادن همین عمل کند فرزجه که اخراج مشیمه و
و جنین میت کند صفت آن زراوند مدحرج ابهل ترمس [illegible] از هر یک جزوی کوفته
و بیخته بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن تخم خیار [illegible] خردل سفید مقل ازرق از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران

خدایا من دلخسته را علاجی کن … که گر نه یار زند … بگریزد . الشند …

جواب … که وقت کار سخن
ای چیده خصال که … فروزنده … آله
زبدهٔ طبع لطیفش … ز ضعف است سستی را
سؤال … از او خیزد

بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که مانع آبستنی گردد از مجربات مکنونه است صفت آن تخم حنظل
فوفل سرگین فیل خردل سرخ حب فلفل استخوان [illegible] ساوی کوفته و بیخته بمیعه سایله بسرشند و
بپشم پاره بر دارند و هرگز آبستنی نشود و اگر آبستنی باشند بچه بیندازند و گفته اند که هر
زنی که حبه از حب الخروع بلع کند یکسال آبستنی نشود و اگر دو دانه … و قس علی هذا فرزجه
که بچه مرده و زنده بیندازد صفت آن اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک
قدری کوفته و بیخته بروغن زیت بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی نافع باشند
صفت آن سرگین [illegible] مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند
در پشم پاره [illegible] فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مشک و
زعفران بزهره گاو بسرشند و به پشم پاره بر دارند فرزجه دیگر که همین منفعت دارد صفت
آن مایه خرگوش [illegible] عنبر زراج نبات ساوی کوفته و بیخته بلعاب بسرشته استعمال
نمایند فرزجه دیگر که همین عمل کند صفت آن مامیران حضض سورنجان صبر زرنباد زبد البحر
از هر یک دانگی با شکر سرخ فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین نفع دارد صفت آن
میعه سایله چند بیدستر قسط بارزد جاوشیر مقل مشک کوفته فرزجه سازند بعد از

هر آن نگار سیم که … آن بیند
چنان … که با تو …

طهر چند نوبت و بعد از چهار ساعت مباشرت نماید فرزجه که همین عمل کند صفت
ماء فرکوش و سرکین او و عسل را بسرشند و به پشم بردارند سه شب و بعد از آن مجامعت کنند
فرزجه که بچه مرده را فرود آورد صفت ان جاوشیر خربق سفید مساوی کوفته و بیخته
بزهره گاو بسرشند و بردارند فرزجه که حیض براند صفت ان اشنان عاقرقرحا جاوشیر
سداب از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته بقطران بسرشند بردارند فرزجه
که منع حمل کند صفت ان مازو حب الاس مساوی کوفته و بیخته بآب کرم سرشته فرزجه و پیش
مجامعت استعمال نماید فرزجه که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود و ورم صلب
رحم را نرم کند صفت ان بابونه پیه بط افیون موم مساوی به پشم بردارند فرزجه که ادرار
اورام را نافع است صفت ان کندر انزروت دم الاخوین حب الاس گل ارمنی اقاقیا
کوفته و بیخته بآب لسان الحمل سرشته به پشم بردارند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را
تنگ و خوش کرداند صفت ان سباره سنبل برگ مورد گلنار کندر صعتر اذخر جوز ماکل
پوست بیخ کبر ترس مساوی کوفته و بیخته بروغن بان بسرشند و به پشم پاره بردارند
فرزجه که همین خاصیت دارد صفت ان تفاح اذخر سعد عود قرنفل از هر یک یکدرم

قرنفل درم

۱۲۱

عنبر نیم درم مشک دانگی آمله نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و به پشم پاره بردارند
فرزجه که حکه رحم را نافع بود و انرا ابنه آلت گویند صفت ان سداب نعناع پوست انار
عدس مقشر در گلاب و قدری سرکه بپزند و به پشم پاره بردارند فرزجه دیگر که همین منفعت
دارد صفت ان زعفران کافور از هر یک دانگی مرداسنگ دو دانگ حب الغار نیم درم
کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ در روغن گل بسرشند و نخود برگیرند فرزجه که حیض ببندد
صفت ان گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا شب یمانی مساوی کوفته و بیخته بآب لسان الحمل سرشته
فرزجه سازند و ترش و عانه طلا کنند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت ان کاغد سوخته
اقاقیا گلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو وصله کتان سوخته مساوی کوفته و
بیخته ببرگه بسرشند و استعمال نماید فرزجه که حیض براند صفت ان مر فودنه از هر یک
چهار درم ابهل هشت درم سداب ده درم مویز منقی بیست درم کوفته و بیخته بزهره گاو
بسرشند و نخود برگیرند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع باشد صفت ان کندر مقل بارزد
از هر یک دو درم زعفران جاوشیر واشق از هر یک یکدرم مصطکی و جند بیدستر میعه
سایله بروغن سوسن و پیه بط و روغن بابونه از هر یک سه درم صمغها را در میفختج حل

فرزجه که حیض براند
بچه مرده را فرود آورد

نسازند و پیه را در روغن بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال

نمایند که نافع بود **دواء القضيب قرص** بیار عنصل کوچک بستانند و در خمیر گیرند و در تنور

نهند تا پخته شود و بعد از آن مغز او را که نرم شده باشد بگیرند و در هاون بکوبند و بوزن

آن آرد کرسنه اضافه نمایند و باقدری شیر آب برسرشند و دست را بروغن گل چرب کنند

و قرص سازند و بعد از دو ماه استعمال نمایند **قرص افعی** بدانکه انواع افعی بسیار است

و آنکه در تریاق فاروق مستعمل است اشقر باید زیرا که سیاه سخت زهرناک باشد

و زهران بد باشد و سفید ضعیف بود و اشقر معتدل بود و جوان وی درست باید

و نشان جوانی آنست که سر برافراشته دارد و حرکتهای او قوی باشد و سریع الحرکه باشد

و نشان تندرستی و قوه او آنست که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ بود و در دلیری باشد

و ماده باید زیرا که زهره ضعیف تر باشد و نشان مادگی او آنست که در دهان چهار دندان

زهر باشد که اثر آنست دندان گویند از هر جانبی دو و نر را یک دندان باشد و مخرج امور

ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک بود و در دنبال او دراز باشد و این را مارگیران کلاه دم

خوانند و نیز باید که پوست شکم او صلب باشد زیرا که صلابت علامت او آن بود که بد

بهتر تن او و رطوبات فضلیه کمتر است و سر بهی باید از برای آنکه سر بهی علامت قوه دماغ است

و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد و اگر بهار طبع زمستان داشته

باشد در آخر بهار یا در اول تابستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای او در میان درختان

نباید و خاصه درخت بلوط و با آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای

پاکیزه باید و بهتر آن باشد که در محلی او را بگیرند که تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلوده

نگردد و تشنه و بیمار نشود و کشتن آن چنان باید که مقدار چهار انگشت از سر و دنبال او بیک

بار ضرب بیندازند به تیشه تیز چنانکه قطعا هیچ پوست بر وی نماند و بیک ضرب جدا شود زیرا

که در دهان در جانب سر او باشد و فضلها بد در جانب دنبال و چون کشته باشند نظر

کنند اگر از وی خون بسیار آید تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد اگر زود از حرکت بایستد

ضعیف باشد بدین کار نشاید و آنکه شایسته این کار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند

و پوست او باز کنند و آنرا با آب صافی چند مرتبه بشویند پس در آب صاف و اندکی نمک

با چند شاخه چوب شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا گردد و بگذارند

تا سرد شود و آب از و بپالایند و آن گوشت را با چهار یک وزن آن نان سفید پاکیزه

بریان کرده و بکوبند و بالان آب که ازان پالوده باشند سرشته کنند و دست و پلی را بروغن
بلسان چرب کرده و اقراص سازند که یکی یکمثقال در سایه خشک چنانکه مطلقا
اثر نم دران نباشد و در ظرفی آبگینه نگاهدارند و باید که در محل پیچش افعی و کوفتن قرص
ساختن بینی را بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد [illegible] مستعمل در تریاق فاروق
بینی نسخه اختیار حسین بن اسحق است [illegible] دار شیشعان قصب الذریره
روغن عود بلسان مصطکی و سلیخه از هر یک شش مثقال فقاح اذخر زعفران از هر یک ده
مثقال دارچینی و حماما از هر یک بیست و چهار مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب
ریحانی سرشته و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و در سایه خشک
[illegible] مستعمل در مثرودیطوس [illegible] مو برنتی چهار درم علک البطم ابیت
چهار درم اذخر دوازده درم دارچینی سنبل اطفاء الطیب سنبل رومی سلیخه اکلیل الملک
سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم زعفران یکدرم قفر الیهود
دو درم و نیم کوفته و بیخته بشراب سرشته و اقراص سازند [illegible] که در مخلص
اکبر مستعمل است [illegible] حماما دار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فقاح

ابیض با نخواه از هر یک سه مثقال فو یکمثقال سنبل الطیب ساذج هندی از هر یک هفت مثقال
مرداسنج مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب صاف سرشته و اقراص
سازند قرصی یکمثقال و در سایه خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت دهد و نگذارد
که فضول بآن مندفع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع باشد و نزلات کند و چون
بار زدبان بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن کند و چون با آب مرزنگوش در گوش
چکانند درد بنشاند و نفث الدم و سیلان خون از هر موضعی که باشد باز دارد و سرفه کهنه را
سود دارد و [illegible] را نافع باشد و چون با آب مرزنگوش دهند و چون با آب سداب بیاشامند
جمیع زهرها و گزیدن جانوران را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال و سوء القروح
امعاء و مثانه را نافع بود [illegible] مر حنظل بدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح
از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب درونج افراطیقی [illegible] از هر یک پنج درم
خشخاش سفید و سیاه از هر یک هفت درم انیسون [illegible] سالیوس بزر البنج میعه سایله
تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ عربی را در شراب ریحانی حل کنند و داروها کوفته و بیخته
با آن سرشته و اقراص سازند قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند [illegible]

سرفه وخشونت سینه وتبهاء محرقه را نافع بود وطبع را نرم کند وتشنگی بنشاند قرص طباشیر ممسک

طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش

کثیرا از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند قرص طباشیر دیگر تبهای صفراویه

را نافع بود وشکم ببندد وخون باز دارد وتشنگی بنشاند صفة آن گل سرخ پانزده درم

صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از

از هر یک هفت درم کوفته وبیخته بگلاب سرشند وقرص سازند قرص طباشیر کافوری مروارید

ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال بسد کهربا تخم حماض بزرطرانیث صمغ عربی از هر یک

دو درم خشخاش بریان کرده پنجدرم کوفته وبیخته بگلاب قرص سازند قرص طباشیر کافوری

مسهل تب دق محرقه وسرفه گرم را نافع بود وتشنگی بنشاند صفة آن طباشیر گل سرخ

صندل سفید مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته وبیخته

بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند قرص کهربا خون رفتن را از شکم باز دارد صفة آن

کهربا بسد مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک پنجدرم شاخ بز کوهی سوخته پوست بیضه محرق

صمغ از هر یک سه درم کشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید وسیاه از هر یک شش درم

ودع سوخته بزرالبنج از هر یک دو درم کوفته وبیخته بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص باز دارنده

خون رفتن باز دارد صفة آن سلیخه گل ارمنی صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا

از هر یک سه درم کثیرا دو درم کوفته وبیخته باب گلنار قرص سازند قرص طباشیر کبیر ورم معده

وجگر وتبهای بلغمی واستسقا را نافع بود صفة آن عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز

تخم خربزه از هر یک سه درم گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب السوس و

طباشیر تخم کاسنی مصطکی سنبل الطیب عصاره غافث قوه لک مغسول ریوند چینی از هر یک

دو درم زعفران نیمدرم کوفته وبیخته باب ترنجبین سرشته قرص سازند قرص زرشک صغیر

زرشک منقی پانزده درم تخم کاسنی تخم خرفه مغز تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ پنجدرم

ریوند چینی سنبل از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص ریوند زرشک

پنجدرم لک مغسول ریوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون مصطکی از هر یک یکدرم کوفته

وبیخته قرص سازند قرص ریوند مسهل بارد زرشک پنجدرم رب السوس یکدرم ونیم مغز تخم خیارین تخم خرفه

تخم کاسنی از هر یک دو درم ونیم بگلاب قرص سازند شربتی دو مثقال بسکنجبین وآب کاسنی

وآب عنب الثعلب بنوشند قرص ورد مسهل ورق گل سرخ بیست مثقال اصل السوس ده مثقال سنبل

الطیب ده مثقال کوفته وبیخته قرص سازند از کیفیه محمد ذکریا کل سرخ پنج مثقال سنبل الطیب نیم مثقال و
مصطکی نیم مثقال تخم کاسنی یکمثقال رازیانه یکمثقال تخم کرفس یکمثقال انیسون یکمثقال قرص سازند
هرکدام یکمثقال قرص ریوند ورم وصلابت جگر وسپرز وتبهای کهنه را نافع باشد صفت آن
ریوند چینی شش درم فوه لک مغسول سنبل از هریک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافث از
هریک یکدرم کوفته وبیخته بآب خالص قرص سازند قرص خشخاش ارتپس سینه وششس را نافع باشد
صفت آن کل سرخ صمغ عربی از هریک چهار درم نشاسته وکثیرا رب السوس از هریک دو درم
خشخاش سیاه وسفید از هریک سه درم زعفران نیم درم طباشیر پنج درم بآب خالص قرص
سازند خوراکی یکمثقال با دو مثقال شراب خشخاش قرص [illegible] درد معده وتبهای بلغمی را نافع
بود صفت آن ورق کل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو
درم عصاره غافث کوفته وبیخته بمیفختج سرشته قرص سازند قرص ورد بنسخه دیگر اقوی
از اول صفت آن کل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین از هریک چهار درم
مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از هریک یکدرم کوفته وبیخته بگلاب قرص سازند
قرص ورد بنسخه دیگر شطر الغب وتبهای مرکبه را نافع باشد صفت آن کل سرخ اصل السوس

از هریک چهار درم طباشیر سنبل افسنتین از هریک دو درم ترنجبین سه درم بگلاب قرص
سازند قرص غافث یرقان ودرد جگر وسپرز وتب ربع وتبهای کهنه را نافع باشد وسده
بگشاید صفت آن عصاره غافث بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم
کوفته وبیخته بآب صافی سرشته قرص سازند قرص کاکنج قروح کلیه ومثانه وبول الدم را نافع
باشد صفت آن مغز تخم خیارین کاکنج مغز بادام [illegible] رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین
کثیرا کندر از هریک ده درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم بآب صافی قرص سازند
شربتی یکدرم تا یکمثقال قرص [illegible] ورم صلب معده را نافع باشد صفت آن کل سرخ ده
درم سنبل الطیب دو درم زعفران مر از هریک یکدرم قسط مغز بادام تلخ از هریک
یکدرم ونیم مصطکی دو درم ونیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند وداروهای
دیگر را کوفته وبیخته بآن سرشته قرص سازند قرص کافور یرقان وتب گرم را سود دارد
صفت آن زرشک منقی یکمثقال طباشیر کل سرخ از هریک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم
کاسنی کثیرا از هریک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هریک پنج درم صندل سفید رب
السوس از هریک دو درم کافور یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند شربتی دو

ام کوفته و بیخته بآب چالس سرشته و قرص سازند خوراکی یکمثقال قرص کبر اوجاع طحال
را نافع بود و سده بگشاید صفت آن پوست بیخ کبر فقس اشق از هر یک چهار درم زراوند
طویل دو درم تخم پنج انگشت فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته و قرص سازند قرص سنبل تب بلغمی جگر ضعیف را
نافع بود صفت آن انیسون افسنتین مغز بادام تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم
عصاره غافث سادج هندی اسارون از هر یک سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین قرص اربا سپرز
صلب را نرم سازد صفت آن ارسا چهار درم فلفل سفید اشقار از هر یک دو درم اشق را
در سرکه خیسانند و حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته و قرص سازند
شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجنکشت سده جگر و سپرز بگشاید صفت آن تخم فنجنکشت
تخم کاسنی تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته بسکنجبین سرشته و قرص سازند شربتی دو درم
با سکنجبین قرص فوه طحال را نافع بود صفت آن فوه دوازده درم پوست بیخ کبر ارسا
زراوند طویل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین سرشته و قرص سازند شربتی

دو درم با سکنجبین بزوری بخورند قرص کافور نسخه دیگر دق تب دق و غب محرقه را
نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم تخم کاسنی
رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت درم تخم خیار
ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص [illegible] استسقا زقی را نافع باشد
صفت آن سبر هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دانگی با سکنجبین بتدریج
قرص لک استسقا لحمی را سود دارد و سده بگشاید صفت آن لک مغسول ریوند
چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند مدحرج جنطیانا سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون
نانخواه اذخر ابهل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافث از هر یک دو درم فلفل
[illegible] زنجبیل از هر یک یکدرم قرص سازند شربتی یکمثقال قرص افسنتین درد معده را که از پس
طعام پیدا شود سود دارد صفت آن افسنتین ورد تخم کرفس انیسون از هر یک پنج درم
[illegible] بیست درم فلفل جند بیدستر افیون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بآب [illegible] قرص
سازند قرص افسنتین نسخه دیگر حمیات بلغمی و عسر البول و برودت معده و جگر را نافع
بود سده طحال و کبد بگشاید صفت آن افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی
کوفته و بیخته

طبیخ انیسون استعمال نمایند قرص عود فی دهیضه را باز دارد صفت آن عود چهار درم کبابه
مصطکی قرنفل سنبل از هر یک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
دو درم قرص عود نسخه دیگر معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و اشتها آورد صفت آن
قرنفل مصطکی از هر یک سه درم قاقله سنبل بسباسه از هر یک دو درم عود خام قرفه [illegible]
[illegible] ترنج از هر یک پنجدرم زعفران جوز بویا زنجبیل دار فلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن ادویه
کوفته و بیخته قرص سازند قرص کندر فی دهیضه را باز دارد صفت آن کندر سه درم قرفه پنجدرم
کبابه چینی قاقله سک از هر یک دو درم مشک و کافور از هر یک دانگی قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرص
سازند شربتی یکمثقال با ده درم شراب انار منفع قرص [illegible] فی دهیضه را باز دارد و خواب آورد
صفت آن قرنفل ده درم مشک و قرفه [illegible] راس الذهب [illegible] درم مصطکی [illegible] پوست بیخ لفاح از هر
یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت آن سماق حب الآس
کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار و مازو از
هر یک پنجدرم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با آب به یا آب سیب قرص [illegible] که قی
بلغمی و سوداوی را قطع کند و معده را قوت دهد صفت آن پوست بیرون پسته گل سرخ از هر یک

چهار درم عود خام و مصطکی از هر یک سه درم سک پنجدرم کوفته و بیخته با آب سیب قرص سازند
شربتی یکمثقال قرص [illegible] فی الدم را نافع بود صفت آن [illegible] مغسول ده درم کندر اقاقیا
گل انار صمغ عربی از هر یک چهار درم کثیرا گل مختوم از هر یک سه درم دار چینی یکدرم کوفته و
بیخته قرص سازند شربتی یکمثقال بشراب الجبار قرص قرفه قرب النفعت بقرص [illegible] صفت آن
سرمه اصفهانی نشاسته عدسی مغسول دم الاخوین از هر یک سه درم گلنار و مازو از هر یک دو
درم شاخ بز کوهی محرق و اقاقیا از هر یک یکدرم لادن و زعفران از هر یک نیمدرم [illegible]
یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم قرص طین قرحه مثانه و بول
الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ [illegible] صمغ بادام تخم خرفه مغز
تخم خربزه مغز تخم خیارین مساوی کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند قرص سنبل
فقاح اذخر سنبل ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران انیسون مر قسط تلخ فلفل
از هر یک یکدرم مقل و مصطکی از هر یک دو درم [illegible] نیم درم [illegible] و مقل را در مثلث حل کنند و ادویه
دیگر را کوفته و بیخته با آن سرشته قرص سازند شربتی دو درم [illegible] ورم معده نافع است و از [illegible] ورم جگر
بگشاید [illegible] قرص کاکنج [illegible] صفت آن کزمازج چهار مثقال

فلفل سفید سنبل اسارون انیسون از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کنند
و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند و قرص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین بنوشند
قرص کهربا نسخه دیگر بول الدم را نافع باشد صفت آن کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز تخم کدو
مغز تخم خیارین از هر یک سه درم گلنار اقاقیا از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
سرشته قرص سازند شربتی دو درم با شیره تخم خرفه قرص نشا همین خاصیت دارد صفت آن
نشا بانی شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص
قرص نشا نوعی دیگر نشا بانی دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کثیرا شش درم صمغ عربی
دو درم کوفته و بیخته با آب خرفه سرشته قرص سازند و با شراب حب الآس بدهند قرص بزور
جرب مثانه را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم کدو تخم
خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم
بزرالبنج یکدرم کوفته قرص سازند و با شراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع
باشد صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار کثیرا گل سرخ از هر یک
پنجدرم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یکمثقال سنبل یکدرم کوفته

قرص سازند

قرص سازند شربتی یکمثقال قرص بنفشه نسخه دیگر چون تب با سرفه و قبض طبیعت باشد
نافع بود صفت آن بنفشه ده درم تربد سفید پنجدرم رب السوس سه درم گل سرخ پنجدرم و نیم
سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم کثیرا پنجدرم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم و نیم بجلاب
دهند قرص غاریقون سپرز غلیظ بگدازد صفت آن غاریقون گل سرخ از هر یک پنجدرم طباشیر
و زرشک از هر یک دو درم عصاره غافث سنبل الطیب مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر
در سرکه خیسانند و خشک کرده از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم و نیم
با سکنجبین قرصی که ضعف معده و ضیق النفس و سلس البول را نافع باشد صفت آن گل
سرخ و سنبل از هر یک سه درم صمغ عربی نارمشک از هر یک دو درم مصطکی یکدرم گلنار
طباشیر از هر یک یکمثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم با گلقند قرص ...
دشواری وضع حمل را آسان گرداند و بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون آورد
مر جاوشیر از هر یک یکدرم حلتیت پنجدرم مجموع یک شربت است با آب سداب یا طبیخ
حلبه و بخور ایشان نیز همین عمل کند قرصی که نفث الدم را نافع باشد صفت آن اقاقیا تخم گل
افیون بزرالبنج گل ارمنی گلنار صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند شربتی یکمثقال

بارب به بارب سیب قرص کهربا نسخه دیگر اسهال دموی و افراط طمث خون لو آید

رحیض با فقعود صفت آن خشخاش کهربا مصطکی از هر یک ده درم زعفران دو درم

کوفته بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص النسا معده را قوت دهد و قی اسهال

باز دارد صفت آن گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک بریان کرده از هر یک دو

مثقال پوست بیرون پسته مصطکی از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی

مدبر یکمثقال کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی یکمثقال قرص الملک نسخه دیگر لک مغسول

خوه تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک یکدرم رازیانه انیسون دو فو از هر یک یکمثقال تخم کاکنج

تخم کشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند قرص بیمارستان تب دق و حرقت و

تبهای حاره و یرقان را نافع باشد و تشنگی را بنشاند صفت آن گل سرخ ترنجبین از هر یک

یکدرم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم خربزه چهار

درم تخم کاسنی سه درم مغز تخم کدو دو درم رب السوس یکمثقال کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته قرص سازند

قرص الجلنار اسهال دموی و افراط طمث و قی الدم را نافع بود صفت آن بیخ الجبار چهار

درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار شسته گل ارمنی پد طباشیر

رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته بآب مورد قرص سازند قرص

که استسقا را نافع باشد صفت آن گل سرخ سه درم عود و سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر

دارچینی فستین از هر یک یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند قرص دیگر که همین خاصیت دارد

صفت آن مغز بادام تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته قرص سازند

قرص ایلادیکن تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار

درم فلفل مر افیون جند بیدستر از هر یک دو درم بآب خالص قرص سازند شربتی

یکمثقال قرص که فواق امتلائی را نافع است صفت آن قسط تلخ صبر سقوطری اذخر نانخواه

فودنه کوهی نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک یکدرم افیون

دانگی و نیم گل سرخ نیمدرم کوفته و بیخته بمثلث سرشته قرص سازند قرص زرشک خون شکم و زحیر

و نفث الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم گلنار فرط طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار

حب الآس از هر یک دو درم تخم حماض بری صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم پسته گل سرخ

از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک یکدرم بازو زیره کرمانی در سرکه خوابانیده

و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص ...

سل ودق ونفث الدم را نافع باشد صفت آن گل گندم گل ارمنی نشسته گل سرخ از هر یک

شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا طباشیر رب السوس مغلول از هر یک پنج درم

سه درم کوفته وبیخته باب لسان الحمل قرص سازند قرص دیگر تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصل

السوس از هر یک چهار درم طباشیر سرطان محرق از هر یک دو درم نشسته کثیرا از هر

یک یکدرم کوفته بلعاب بذر قطونا سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال قرص دیگر [illegible]

و سعال ونفث الدم را نافع باشد صفت آن تخم خماص بریان کرده زرشک منقی نشسته و

طباشیر حب الآس شاهبلوط از هر یک پنج درم زعفران یکدرم گل مختوم صمغ از هر یک ده

درم کهربا ربدا از هر یک سه درم کوفته وبیخته باب خالص قرص سازند شربتی دو درم

کی تبخ قدیم را نافع است قرص دیگر رب السوس صمغ عربی نشاسته تخم کدو از هر یک دو مثقال

انزروت مربی در تنور چینی از هر یک یکمثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بذر قطونا ولعاب

مرو سرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص مسک نسخه محمد ذکریاست معده و دل

جگر بارد را قوة دهد وغشی وخفقان بارد واوجاع معده بارده را نافع است صفت آن مصطکی

قرنفل عود دارچینی سنبل مشک جوزبوا کبابه قاقله صغار وکبار پوست ترنج از هر یک یک

مثقال

ویکثر من الامراض ...

دو مثقال اقلیمیا نقره محرق مغسول وصمغ عربی از هر یک چهار درم مثقال

زعفران شش مثقال افیون وسرب از هر یک سه مثقال مرصافی چهار مثقال

زنگار وتوبال نحاس وسنبل هندی از هر یک دو مثقال کوفته وبیخته باب

باران شیاف سازند شیاف دینار چون نسخه دیگر رمد سوداوی را نافع بود

صفت آن سفیداب ارزیر اقلیمیا از هر یک ده درم افیون ونشاسته

از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم ونیم بطریق معهود شیاف سازند شیاف ابار

نسخه دیگر صفت آن اقلیمیا طالوتیا سرمه سفیداب ارزیر روی سوخته کندر

از هر یک دو درم دم الاخوین وقیموتا از هر یک یکدرم انزروت یکدرم

ونیم کوفته وبیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه وبثور را نافع بود صفت

آن انزروت از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب

حلبه شیاف سازند از برای ظفره نافع است شیاف کندر روی سوخته پنج درم

زنگار دو درم نوشادر کلقند نبات امیر از هر یک یکدرم زرنیخ نیم درم

سرکه کهنه سرشند یکهفته بگذارند پس شیاف سازند واستعمال نمایند

شیاف مرارة طرفه را نافع بود صفت کندر مر زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ
سرخ نیم درم با آب گشنیز تازه شیاف سازند و در چشم چکانند شیاف مرارات
انتشار و ابتدا نزول را نافع بود صفت آن زهره کلنگ زهره شبوط زهره
بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده درم شحم
حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم با آب دازیانه شیاف سازند شیاف
مرارات نسخه دیگر ضعف بصر و ابتدا آب را نافع است صفت
زهره باشه زهره عقاب زهره خروس زرباه زهره شبوط خشک کرده ده
درم سادی با آب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات نوعی دیگر زهره کلنگ
زهره کبک زهره کرگ زهره بز کوهی زهره باشه زهره خوکدر زهره کبوتر
زهره شیر زهره لقلق زهره خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره
آهو زهره ماهی خشک کرده از هر یک یکدرم سکبینج فرفیون شحم حنظل از
هر یک یکدرم سکبینج را با آب بادیان حل کنند و داروهای دیگر را کوفته
و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند شیاف که قائم مقام مرارات است

مرهم داغ موم سفید روغن زراریح

دوای داغ پیه بز موم سفید زراریح مساوی

وانچه کوفتنیست بکوبند و بیزند و با آن جمع کنند و در یکدیگر بمالند تا مرهم شود مرهم
اورام صلبه را نرم کند و بپزاند و از ریم پاک کند و گوشت برویاند صفت آن زفت و انبیاج
موم سفید از هر یک بیست مثقال بارزد چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن زیت
بگدازند و باقی ادویه را در آن حل کنند و مرهم سازند مرهم گوشت نو برویاند و جراحتها را
خشک کند صفت آن مردارسنگ ده درم صلایه کنند با ده درم موم و بیست درم روغن
گل حل کرده قدری سرکه با آن مرهم سازند مرهم لحم زاید را بخورد و ریشهای کهنه را خشک کند
صفت آن زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم و زاتیانج از هر یک پنج درم و سی درم
روغن زیت گداخته در هاون کنند و یکدرم انزروت کوفته و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود
مرهم دیاخیلون اورام صلبه را نرم کند و پخته گرداند صفت آن مردارسنگ ده درم صلایه
کرده با چهار رطل روغن زیت در پاتیله کنند و بچوب شورانند تا رنگ بگرداند و از آتش
فرو گیرند و بگذارند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب بزرکتان و لعاب بذر
قطونا و لعاب خطمی و لعاب مرو از هر یک پنجاه درم بهم گرم کنند و بر سر آن میریزند و به آتش
نرم بجوشانند و کفچه میزنند تا غلیظ شود و مرهم پذیر گردد مرهم سرطان و خنازیر را
نافع بود و ورمها پخته گرداند صفت آن مردارسنگ پنج درم کندر بارزد اشق موم
از هر یک ده درم علک البطم و سریش از هر یک هشت درم آنچه گداختنیست در روغن

دیگر جهة سوختگی آتش مرهم شنجره یک مثقال سفیداب ارزیز سه مثقال مرداسنگ
دو مثقال کافور یک مثقال روغن گل بیست مثقال موم سفید چهار مثقال مرهم سازند
مرهم سفید که گوشت برویاند و جراحت خشک کند و حرارت بنشاند سفیداب ارزیز
موم سفید از هر یک ۱۲ درم روغن گل ده درم بطریق معهود مرهم سازند مرهم اخضر سرطان و خنازیر و داد
و ام صلیبه را نافع باشد مرهم مرداسنگ پنج درم کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم
شش درم شنگرف هشت درم روغن زیتون با روغن گل سرخ پنجاه درم بدستور معهود مرهم سازند
مرهم نمله نمله متاکله را نافع باشد مرهم مازوی سبز مرداسنگ زرد چوبه از هر یک یک جزو گلنار
مورد عصاره قسط ملح از هر یک ۲ جزو با موم سفید و روغن مرهم سازند چنانکه رسم است
مرهم درد بنشاند و جراحت را بصلاح آورد مرهم بوکش در بغدادی انه قیا از هر یک ۲ درم صندل
سفید بلیدرم شباف ماميثا چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم سازند
چرک از جراحات و دماميل پاک کنند مرهم عسل را بجوشانند تا غلیظ شود و برابران انزروت
کوفته بان ممزوج سازند و مرهم سازند مرهم که جراحت آتشک را نافع باشد مرهم
سفیداب توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم مرداسنگ ۲ درم زنگار پنج درم موم پنج درم

در روغن زیتون بگدازند و آنچه کوفتنیست بکوبند و بان ممزوج سازند و در هاون
بمالند تا مرهم شود مرهم که گوشت مرده بخورد و ریشهارا بصلاح آورد مرهم مرداسنگ
یک چهارک زفت رومی بیست درم علک البطم بیست درم روغن زیتون نیمن موم بیست مثقال
که اخضبها را در روغن زیتون بگدازند و مرداسنگ را صلایه کرده بر آن ریزند و مرهم سازند
مرهم زنگار جراحت قضیب را سود دارد مرهم توتیا بیست درم صلایه کرده با
بیست درم موم در پنجاه درم روغن گل که افکنده مرهم سازند مرهم جراحت گوش را نافع
باشد مرهم سرکه هفت درم عسل هشت درم در یکدیگر بجوشانند و بقوام آورند و دو
درم زنگار سوده بجهت آن ریزند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته در گوش نهند
مرهم عجیب جهة ترکیدن پاشنه یا دست و دستها مرهم مغز
تلخ ۲ دو در روغن گل و روغن بادام مساوی مرهم سازند مرهم که گوشت برویاند
مرهم سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین انزروت صبر مر کندر از هر یک ده
ده درم موم سه درم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند و داروها را کوفته و بیخته بان
ممزوج سازند و در هاون بسایند تا مرهم شود مرهم که سوختگی آتش را نافع باشد
مرهم مرداسنگ نیم الف سفیداب قیمولیا آهک شسته روغن
روغن گل که موم سفید سفیده تخم مرغ با هم ممزوج سازند و بسایند چنانکه رسم است و مرهم سازند

روغن بیست درم مرهم سازند مرهمی دیگر جهت القشف و درد اعصاب بسیار مفید است و مکرر به تجربه
رفته است صفت آن مرداسنگ باملا حرز مهره توتیای قلعی پنج بنفشه برگ حنا مغز تخم خربزه کوکرد زرد زیبق مقتول
موم سفید هر یک پنج مثقال جدوار یک مثقال نیم خبطیانا سه مثقال پای مرغ سه مثقال کره
صاف هفت مثقال روغن گل پانزده مثقال مرهم سازند سه روز یک روز بمالند مرهم مختصر
بطبات مرداسنگ توتیا عناب پخته لب کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند مرهمی که بواسیر را
نافع باشد صفت آن میعه سایله بیلدرم مقل ۵ درم روغن مغز زردالو ده درم مقل و میعه را در روغن
بگدازند و مرهم سازند مرهمی دیگر که همین خاصیت دارد بلکه از آن اقوی و انفعست صفت آن
مقل کوهان شتر مغز ساق گاو استخوان زردالو کرخته میعه [illegible] سفیده تخم مرغ روغن گل سرخ بیلدیکر
ممزوج ساخته مرهم سازند مرهمی که بانی تجربه رسیده است صفت آن امله مقدار اندکی [illegible]
و [illegible] است کبیسه انداخته بهم ممزوج کنند در ظرف آهنین کنند و بعد از ۵ روز بر ریشهای کهنه و پلید
بمالند بغایت خوب میکند مجرب است مرهمی که بواسیر را که دارد و در بستگی کرداند صفت آن
مغز ساق گاو پای مرغ کوهان شتر روغن مساوی یکدیگر بکوبانند و قدری افیون
اضافه کنند و درم و [illegible] بمالند و مرهم ساخته استعمال نمایند مرهمی که از جهت بواسیر عظیم

النفع البر

عمل مصفا

صفت آن پیه بط پیه مرغ پیه بز از هر یک پنج درم مغز قلم گاو پنجاه درم روغن مغز زردالو
تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن گل از هر یک ده درم میعه سایله ۵ مثقال مقل ازرق بیست
درم آب گندنا بقدر حاجت موم سفید پنج درم مقل را در آب حل کنند و روغنها را با موم و میعه بگدازند
و با مقل محلول در هاون بیکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند والله اعلم باب [illegible] نوع [illegible]
صفرا براند و صداع حار را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم آلو سیاه سپستان عناب از هر یک
سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه [illegible] تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز خیار چنبر ده درم ترنجبین پانزده
درم شب در پنجاه درم آب خیسانند و صباح صاف کرده بیاشامد نوع دیگر صفرا دفع کند و تشنگی
بنشاند صفت آن آلو سیاه آلو بخارا و عناب و سپستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زرد
آلو خشک ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم شب بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند
نوع دیگر که بنوع دیگر هلیله اصفر ده درم اجاص بیست عدد عناب سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه
خشک پنج درم سپستان سی عدد ملوکی خیار شنبر ده درم شب در آب اندازند و صباح بیست درم ترنجبین
در آن بمالند و صاف کنند و بنوشند نوع دیگر صداع حار را نافع باشد صفت آن آب کاسنی [illegible] مثقال
[illegible] چهار دانگ در آن حل کنند سه روز در آفتاب بنهند و شب در جای [illegible] بنهند روز سیم بپالایند و بنوشند
نوع دیگر صداع بلغمی را نافع باشد صفت آن سعد سنبل افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه
زیره [illegible] کفی در یک من آب بپزند تا به نیم آید بپالایند و بیست درم [illegible] در آن حل کنند [illegible]

بگذارند روز چهارم صاف کنند شربتی سه درم با سه درم روغن انجیر بنوشند نقوع دیگر بنفشه و دیگر صداع سوداوی
نافع باشد صفت افسنتین ده درم اسارون پنجدرم قنطوریون و مصطکی از هریک سه درم حب شوطرا شش
درم ادویه را نیم کوفته در سه رطل اب گرم خیسانند و سه روز در افتاب نهند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم
با یکدرم روغن بادام شیرین نطول که خواب اورد و سرسام را نافع باشد صفت بنفشه تخم کاهو از هریک پنجدرم
پوست خشخاش گل نیلوفر پوست کدوی تازه بابونه از هریک ده درم کشک جو پنجاه درم در پنج من اب بپزند
تا به نیمه اید و سر بیماران بدارند نطول که صداع بارد را نافع باشد صفت بابونه اکلیل الملک تخم مرزنجوش
برگ نارنج صعتر ورق الغار سداب جوشانیده سر بیماران بدارند نطول که صداع سوداوی را نافع باشد
صفت بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سبوس جو سادج قرنفل جوشانیده سر بیماران بدارند
نطول که رایحه لوش را که از عقب سهل پیدا شده باشد و سبب ان از بخارات بود زایل کند صفت
بابونه اکلیل الملک قیصوم از هریک ده درم تخم مرزنجوش از هر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گلسرخ
از هریک پنجدرم در ده من اب بجوشانند تا به من اید و سر و لوش را به بخاران بدارند نطول که زکام را اید
از اعضا ببرد صفت گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هریک چهار درم
در هفت من اب بجوشانند تا به من اب اید و بپالایند و چون از حمام بیرون خواهند امد بر اعضا ریزند نطول
که صداع حار و بیخوابی را نافع باشد صفت بنفشه با جو نیم کوفته تخم کدو تخم کدو کوفته برگ بزر قطونا تخم خرفه پوست خشخاش
گل خشخاش بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر بیماران بدارند نطول که [illegible]

پاره پاره کنند

پاره پاره کنند و بیرون اورد و بول براند صفت بابونه گل سرخ اکلیل الملک نعنع خشک از هریک ده درم پوست قرنفل خشک پرسیاوشان
تخم ملت نیم کوفته از هریک هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هریک پنجدرم فاکهه حلبه از هریک چهار درم [illegible]
بنفشه از هریک سه درم دو برگ نیلوفر از هریک [illegible] مثقال در ده من اب بجوشانند تا به پنج اید و در ان نشینند و چون بیرون ایند
دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند نطول که همین خاصیت دارد صفت بابونه درمنه ترکی تمام مرزنجوش برگ کرنب
سر [illegible] کبوتر بجوشانند و در ان اب نشینند و ثفل ان را بر عانه و حوالی ان ضماد کنند نطول که همین عمل کند صفت
درمنه ترکی برگ اسپست سداب فودنه بری حب سنبل مرزنجوش تمام حنظل شلغم بابونه شبت کرنب بجوشانند تا [illegible] شود
ثفل ان بر عانه ضماد کنند و در ان اب نشینند نطول که همین منفعت دارد صفت بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی از هریک
پنجدرم خشک بابونه پوست خربزه اکلیل الملک برگ کرنب از هریک سه درم بجوشانند و در ان اب نشینند و ثفل ان بر عانه
و موضع ضماد کنند نطول که افراط طمث را نافع باشد صفت گلسرخ برگ مورد از هریک ده درم شب یمانی مازو
نیم کوفته گلنار از هریک پنجدرم پوست انار نیم کوفته جوز السرو زاج از هریک سه درم اقاقیا دو درم مجموع را بجوشانند و در ان نشینند
و قرص کهربا و مورد بسوزند نطول که جنین محافظت جنین کند و نگذارد که پیشتر از وقت بیرون اید صفت گلسرخ هفت
درم گلنار زاج از هریک پنجدرم برگ مورد خشک چهار درم شب یمانی پوست انار مازو از هریک سه درم نیم کوفته بجوشانند
و در ان اب نشینند نطول که از جهت خروج مقعد نافع باشد صفت گلنار پوست انار عفص بلوط مورد گل سرخ
مازو از هریک [illegible] نیم کوفته بجوشانند و در ان نشینند نطول که سده بینی بگشاید صفت [illegible]
چوب [illegible] بجوشانند و سر بیماران بدارند یا سبوس گندم بجوشانند و سر بیماران بدارند نطول که گند بینی ببرد
صفت زاج سنگ قرنفل ساذج کوفته و بیخته در بینی دمند نطول که سکوت را هوش اورد صفت [illegible] فربیون
سفید کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند نطول که صداع مزمن را نافع باشد صفت عصاره قثاء الحمار کندر
نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند و نیز عصاره قثاء الحمار همین عمل کند و نیز فلفل و نانخواه همین عمل کنند [illegible]
نطول که صرع را نافع باشد صفت تخم حنظل قثاء الحمار [illegible] و نیز کندس فلفل الطوخوقس کوفته و بیخته

بقدر احتیاج در بینی دمند والله اعلم [illegible] در دهن مصروع ریزند بهوش اید [illegible]
چند بیدمشک در سکنجبین عسلی حل کرده و جورش سازند [illegible] که اسهال صعب دارد [illegible] را از بادیه انیسون
زیره کرمانی جوشانیده و صاف کرده گلقند را دران حل کرده و جورش سازند [illegible] که نافع است از جهت غشی که بعد
از اسهال پیدا شده باشد [illegible] مشک و سک کوفته در اب حل کرده در حلق بچکانند [illegible] که از جهت
مرغ اطفال نافع باشد [illegible] صعتر چند پیشتر زیره کرمانی مساوی کوفته سه چهار ان در شیر حل کرده و در حلق طفل ریزند
[illegible] که سرفه اطفال را نافع باشد [illegible] رب السوس کثیرا صمغ عربی نشاسته نانخواه از هریک سه درم
مغز بادام تلخ دو درم عسل سی درم روغن بادام پنج درم نانخواه را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویه را
کوفته در روغن بادام را به ان ممزوج سازند و قدری از ان در دهن طفل ریزند [illegible]
که خفقان و غشی را نافع است و دل را قوة دهد و فرح اورد [illegible] مروارید ناسفته شش درم [illegible] چهار درم
یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن سفید صندل سرخ از هریک ۲ درم ورق طلا عقیق یمنی لسان [illegible] بادرنج هندی
زرنباد درونج رومی از هریک یک مثقال لاجورد مغسول یک مثقال نیم لعل کهربا بسد زرشک منقی کشنیز
خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم محرق از هریک سه درم طباشیر
سفید ورق طلا سرخ از هریک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هریک ۲ مثقال مشک تبتی نیم
مثقال شیره املج پوست هلیله کابلی گلاب شراب سیب انار شیرین شراب به از هریک بیست درم کو
فته نهاده [illegible] بگذارند و با شراب و گلاب اب انار بقوام اورده معجون سازند و بعد از چهل روز
[illegible] چو کهنه شده باشد استعمال نمایند شربتی یک مثقال [illegible] که خفقان و وسواس و ضعف
دل را نافع باشد و اعضاء رئیسه را قوت دهد و [illegible] تمام اورد و سودا را نافع باشد و دفع کند
[illegible] یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب ساذج هندی بهمن سرخ بادرنج
از هریک ۲ مثقال یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته بیست

سفیداب [illegible]

پوست بیرون پسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول دارچینی درونج عقرب بهمن
سفید از هریک چهار مثقال لعل فیروزه لسان ابریشم محرق قرنفل بسباسه صندل سرخ و سفید دارچینی کبابه
قاقله کبار از هریک سه مثقال زمرد یک مثقال نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر از هریک پنج [illegible] املج مقشر
پوست هلیله کابلی از هریک ده درم شیره [illegible] عصاره زرشک پانزده درم شکر خالص یک مثقال نیم [illegible]
مثقال اب سیب اب به از هریک [illegible] اب [illegible] عرق [illegible]
در گلاب و عرق [illegible]
کوفته و بیخته [illegible] بادرنجبویه ۲ مثقال کبابه [illegible] مشک [illegible]
درونج زرنباد تخم کاسنی [illegible] پوست هلیله [illegible] صندل [illegible] لعل [illegible] مروارید ناسفته
هریک ۲ مثقال ساذج هندی مصطکی [illegible] از هریک [illegible]
ابریشم مقرض [illegible] طباشیر [illegible] گاوزبان هریک [illegible] عنبر اشهب ورق طلا و نقره [illegible]
[illegible] بادرنجبویه [illegible] لاجورد مغسول قرفه سنبل بهمنین از هریک [illegible]
زعفران نیم مثقال رب سیب اب به [illegible] گلاب عرق بید مشک اب انار [illegible] گاوزبان از هریک چهل
[illegible] نبات مصری صد و هشتاد مثقال [illegible] نافع باشد [illegible]
فلفل زنجبیل قرنفل [illegible] از هریک [illegible] مثقال لسان [illegible] عقیق سرخ و سفید [illegible] سنبل [illegible]
[illegible] ساذج [illegible] از هریک چهار دانگ و نیم مشک [illegible]
حجر [illegible] زعفران فلفل [illegible] از هریک نیم مثقال عسل [illegible] ادویه [illegible]
سازند [illegible] دوای المسک [illegible]

لعابیت نافع بود صفت آن مروارید ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و سفید طباشیر
ازرنباد بادرنجویه قرنفل ساذج هندی عود خام ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک ۵ درم گاوزبان بادرنج
عقرب لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا و نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک یکدرم مشک پنجدرم
قند سفید پنجاه درم عسل سفید صاف کرده پنجاه درم معجون سازند چنانکه رسم است نوع دیگر
ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را نافع باشد و دیگر اقوت دهد و لذت طعام تمام
آورد صفت آن مروارید ناسفته تخم بادرنجویه بیولیت پرده ابریشم پوست ترنج صندل سرخ و سفید
درونج قاقله سرخ از هر یک ده درم بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یکدرم تخم کشوث الکبسه قرنفل ساذج
فندق دارچینی از هر یک یکدرم لعل عود خام از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل
ارمنی طباشیر از هر یک ۵ درم زرنباد کافور قیصوری از هر یک پنجدرم ... زبان املج از هر یک پنجدرم
عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی نیم شراب بیست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب
چهل مثقال داروها را کوفته و بیخته جواهر را حل کرده در شرابها بقوام آورده بسرشند شربتی
یک مثقال نوع دیگر یاقوت حجر لاجورد لیمو قاقله کبار و صغار گل مختوم گل ارمنی عنبر
الذهب بار زهر ماه قرصین خطائی ورق طلا نقره از هر یک یک مثقال مروارید ناسفته کهربا بسد
بهمن سرخ و سفید قرفه درونج عقرب زرنباد عود کبابه چینی صندل سرخ و سفید کشنیز خشک پوست
هلیله زرد املج تخم کاسنی مشک خالص از هر یک دو مثقال بادرنجویه پوست ترنج
گاوزبان طباشیر سفید عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال زرشک زنجبیل ساذج

۱۳۵ شقاقل زرشک مقشر ماهی نیلوفر مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال بهمن سرخ بلخی نیم آب به
آب سیب آب امرود آب انار شیرین گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان از هر یک یک چهارم من
در ظرفها بگذارند و بادرنجبویه بقوام آورند داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند
نوع دیگر یاقوت زرد یاقوت سرخ لعل لاجورد عقیق یمنی ماه فرفیون ... سنبل الطیب
گل مختوم گل ارمنی از هر یک یک مثقال کهربا صندل سرخ و سفید مروارید ناسفته بسد بهمین قرفه
قاقله صغار شقاقل زرشک مقشر گل نیلوفر لونیث هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام محرق از هر یک یک مثقال
گاوزبان حیوانی عنبر اشهب از هر یک یک مثقال ... زرنباد سعد هندی ... ورق طلا ... کبابه
املج مقشر تخم کاسنی ورق طلا نقره از هر یک دو مثقال ... از هر یک چهار مثقال
... چهار ... زعفران مشک ... از هر یک نیم مثقال ... آب امرود
بهمن گلاب و عرق بید مشک از هر یک صد درم عرق کاه ... ده درم آب انار شیرین ... عسل سفید
مصفی ... در ظرفها بگذارند ... میوه ها بقوام آورند و ادویه ... جواهر را ... شربتی یک مثقال نوع دیگر معتدل نسخه اصل مروارید ناسفته
ده مثقال کهربا بسد ابریشم مقرض بادرنجویه فرنجمشک ... خاص بهمن سفید هر یک
یاقوت کشنیز خشک ورق گل سرخ گاوزبان صندل سرخ و سفید تخم ... از هر یک ... عنبر اشهب
یک مثقال ... نیم مثقال املج مقشر ... مثقال ... چهار مثقال طباشیر ...
از ... عرق بید مشک ... صد ... مثقال ... بعمل معهود ... سازند
صفت لبخ شیخ ابو علی سینا ... مرض سوداوی ... یاقوت ...

تخم کاسنی بنگ خالص کافور از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یک درم نیم ابریشم
مقرض دیرکان شهد محرق از هر یک یک مثقال و دانگ [illegible] ۵ دانگ تخم فرنجمشک
تخم وج اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول
مصطکی سلیخه دارچینی زعفران هال قاقله کبار کبابه چینی ماه فرنبخ خطائی از هر یک یک مثقال
افیون ۵ درم نیم ترنجبین سنبل ساذج هندی از هر یک ۵ درم درونج عقربی عنبر اشهب از هر یک
۵ مثقال تخم خبازی رف گل سرخ از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال شراب حماض شراب
سیب شراب به شیرین شراب انار شیرین از هر یک سی مثقال عسل صاف بقدر احتیاج
بطریق معهود معجون سازند شربتی یک مثقال مسهل تمام [illegible] نمایند والله اعلم

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب وحسن توفیقه

تحریراً ۱۲ شهر ذی القعده
۱۲۵۱

قره نیل / العقید — حب الرشاد / تره تیزک — حاما / صندل — حب القلقل / بازوان دیر — لسان الحمل / بارتنگ — العلک / بار حصار

سماق / باید — دوقو / تخم زرنک — ترمس / باقلا سیاه — مورج / کلخی تیل — ازبار / بیخ لوکن — بلادان / تخم تفاح — زرنبول / کل آفتاب — اثال / زدفا — اسف / بیخ کبر

اقحوان / بابونه — الحدان / گل بیر — بادآورد / کنگر — بیخ لوکی / زره گوهی / [illegible] — حب الفاخ / همته [illegible] — کابسر / زره ازکر — توده / ازبابکی — حب اللالی / بزرورد

حرج — الکلب — قاطولیا — عشق — مسکته — افاقه — القشعوان — [illegible] — اختلاج

کتاب بوس دارو سباث فالج لقوه رعشه کلف [illegible] الاذن
قلاع الاذن

ثقل السامعه الاذن ۹۷ ولوم اذن ۱۷۹۷ اذن قبح الاذن وسخ اذن دخول ماء
دخول الهوام حرقش قملی اجعاد جمر العین دملوع رد تشنج بیاض

تشنج
ضعف اعضاء
باز بین شد
۱۳۷۱ ش

ازطاق شبدیز

صاقیت دیکباب هم

ازدستش چه برگرد

چه گم یوسف دیدار

خنجر مران

پرشور گرد بجر خنده

خود مزن

بجان اتش چرست

کر سازی کیفتر

صبر کر جهان مشور

صبر کر صبر کردی

شراب



